

راهنمای سعادت و خوشبختی

نام نویسنده : عبدالله صالحی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.
لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

نکاتی در شناخت اجمالی حق و باطل :

شکر و سپاس بی منتها، خداوند متعال را که ما را از امت مرحومه قرار داد و به صراط مستقیم ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هدایت نمود. و بهترین تحیت و درود بر پیامبر عالیقدر اسلام و اهل بیت گرامیش صلوات الله علیهم اجمعین.

و لعن و نفرین فراوان بر دشمنان و مخالفان اهل بیت رسالت، که در حقیقت دشمنان خدا و قرآن هستند.

توجه شما خواننده گرامی را به نکاتی چند جلب می نمایم :

از همان دورانی که خداوند متعال اولین فرد انسان یعنی حضرت آدم، ابوالبشر علیه السلام را آفرید، تمام نیازمندیهای درونی و برونی او را تأمین نمود، از همان زمان دو نوع جبهه حق ظاهری و باطنی تشکیل گردید، در جبهه ظاهر، به عنوان حجّت و خلیفه الهی یعنی؛ انبیاء و اوصیاء و... علیهم السلام و جبهه باطل یعنی شیطان مغرور و متکبر در مقابل یک دیگر قد علم کرده و می کنند.

و در جبهه باطن عقل، این نیروی هدایتگر درون مرزی و باطنی، انسان را در مقابل هواهای نفسانی و شهوانی مساعدت می نماید.

از همان دوران ابتداء زندگی، جنگ و گریز بین این دو جبهه آغاز گشت و هر کدام تلاش داشته و دارد تا صاحب خود را به سمت سعادت و خوشبختی و یا شقاوت و بدبختی (در دنیا و آخرت) سوق دهد.

و در هیچ زمانی بین این دو گروه سازش نبوده و نخواهد بود، زیرا بین بین حق و باطل سازش و صلح معنا ندارد، مگر به جهت سیاست و تقیه که آن هم مشروط به شرایطی می باشد.

تشخیص حق و باطل بر بسیاری از افراد، مشکل و چه بسا غیر ممکن می باشد، چون هر کس در هر موقعیتی که باشد، با شعارهای پوچ و ظاهری فریبنده مدعی حقایق خود خواهد بود و دیگری را و بر خلاف و باطل می شناسد. ولی آنچه مسلم و مورد قبول همگان است، این مطلب است که حق یکی، در یک جهت و در پیروی از یک فرد معین ثابت و پایدار خواهد بود، بر خلاف باطل که ممکن است به شکلهای گوناگون و در جهت های مختلف پدیدار گردد. و اهل آن هر روز خود را به شکلی بیارایند و با چهره ای جدید جلوه گری کنند به همین جهت، باطل همیشه متزلزل و ناپایدار است، اما حق و حقیقت ثابت و مستحکم و پا بر جا باقی خواهد ماند، هر چند تحت فشارها و مشکلات عدیده قرار گیرد.

در بین تمامی مذاهب و ادیان، تنها آن دین و آئینی بر حق و سعادت بخش است که از جانب آفریدگار و حکیم علی الاطلاق باشد، چون تنها او آشنا به تمام نیازمندیها و جریانات بشر در جهات مختلف مادی و معنوی می باشد. همچنین برای هدایت و سلامت روانی جامعه، نسبت به هر زمان و هر مکانی رهبری شایسته انتخاب و معرفی نموده است.

و با طلوع دین مبین اسلام به رهبری اشرف مخلوقات و افضل پیامبران، حضرت محمد ﷺ، تمام ادیان و مذاهب، منسوخ و باطل گردید و تنها دین اسلام جامع، کامل و قابل اجراء در هر عصر و زمان برای تمام جوامع بشری قرار گرفته است.

و از آنجائی که شیاطین در هر زمان به شکلی در جامعه ظاهر گشته و با ایجاد تفرقه و حزب گرائی تلاش برای مخدوش کردن چهره واقعی حق داشته و دارند، تا جائی که پس از شهادت و رحلت حضرت رسول، امت اسلامی را به

چندین گروه متفرق ساختند که به طور مسلم تمامی آنها بر حق و واقعیت نیستند، بلکه در این میان تنها یک فرقه بر حق و مابقی همه باطل خواهند بود.

همانطوری که رسول خدا ﷺ نیز در یک پیشگوئی مهم فرمود:

«سَتَفْتَرُقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثَةٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، فِرْقَةٌ نَاجِيَةٌ وَ الْبَاقِي هَالِكُونَ»⁽¹⁾.

یعنی به همین زودی امت من به هفتاد و سه، گروه متفرق و پراکنده می شوند که تنها یک گروه از ایشان بر حق و اهل نجات خواهند بود و مابقی همه باطل و اهل هلاکت و عذاب می باشند.

و نیز در حدیثی دیگر فرمود:

«عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ، يَدُورُ مَعَهُ حَيْثَ مَادَارَ»⁽²⁾.

یعنی امام علیؑ در همه حالات همراه حق می باشد و نیز حق و حقایق در همه امور و حرکات با آن حضرت خواهد بود و حضرت ملاک و محور و مدار حق و حقیقت است.

و در جائی دیگر چنین فرمود:

«عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَفْتَرِقَا...»⁽³⁾.

یعنی امام علیؑ همیشه همراه قرآن می باشد و قرآن نیز در همه احوال با آن حضرت و مؤید وی است و این دو از یکدیگر جدائی ناپذیرند.

و امام باقرؑ ضمن یک حدیث قدسی طولانی فرمود:

«... وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عُلُوَّ شَأْنِي، لَوْلَاكَ وَ لَوْ لَا عَلِيٌّ وَ عِثْرَتُكُمَا الْهَادُونَ الْمَهْدِيُّونَ الرَّاشِدُونَ، مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا الْمَكَانَ وَ لَا الْأَرْضَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْمَلَائِكَةَ...»⁽⁴⁾.

خداوند، به عزت و جلال خود قسم یاد نمود: که ای محمد! چنانچه تو و علی بن ابی طالب و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که همگی هدایتگر و

هدایت یافته هستید نمی بودید، هر گز بهشت و دوزخ و دیگر موجودات را به عرصه وجود در نمی آوردم.

و در راستای تبعیت از فرامین الهی این ستارگان فروزان، حضرت رسول

ﷺ فرمود:

«إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (5).

یعنی همانا من دو چیز مهم و ارزشمند، یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترت و اهل بیت خود را در میان شما به عنوان امانت می گذارم و آن دو از یکدیگر جدائی نپذیرند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

و در رابطه با این حدیث شریف، امام جعفر صادق از پدران بزرگوارش عليه السلام نقل می فرماید که از امیرالمؤمنین علی عليه السلام پیرامون فرمایش پیغمبر اکرم ﷺ: «إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ...» سؤال شد؟

در پاسخ فرمود: مقصود، من و حسن و حسین و 9 پیشوا و راهنمای دیگر که همگی از نسل حسین می باشند هستیم و دوازدهمین آنها مهدی موعود عليه السلام خواهد بود.

و در پایان افزود: ما اهل بیت در همه حالات همراه قرآن و نیز قرآن همراه با ما خواهد بود و هر گز از یکدیگر جدائی نپذیرند تا در روز قیامت بر لب حوض کوثر نزد رسول خدا ﷺ حضور یابیم.

و نیز امام حسن مجتبی عليه السلام فرمود: همانا ما اهل بیت رسالت، یکی از آن دو امانت پیامبر خدا هستیم، پیروی از ما همان تبعیت و پیروی از فرامین قرآن و دستورات الهی خواهد بود (6).

و در این زمینه احادیث شریفه قدسیه و روایات معتبره بسیاری از طریق شیعه و سنی وارد شده است، که همگی دلالت دارند بر این که حق و حقیقت در همه جریانات و حالات، تنها با امیر المؤمنین امام علی و یازده فرزند گرامیش علیهم السلام می باشد و ایشان اوصیاء و جانشینان بلا فصل نبوت خواهند بود و نیز مدار و ملاک تشخیص حق از باطل قرار گرفته اند.

در نهایت، به این نتیجه می رسیم که تنها پیروان و شیعیان مخلص اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند که اهل سعادت و نجات در دنیا و آخرت خواهند بود، البته به شرط آن که در جمیع مسائل و امور مختلف، در حدّ توان، تابع قولی و عملی ایشان باشند، ان شاء الله.

به امید آنکه خداوند متعال، ما را از پیروان راستین آن بزرگواران محسوب نماید و توفیق انجام وظیفه و بهره گیری لازم از چشمه های زلال معرفت و انواع جواهرات گرانبایه از این دریای فیاض را به ما عطا گرداند.

با توجه به علاقه افراد جامعه اسلامی خصوصاً قشر جوان به فرهنگ و آئین مبین اسلام و نیاز همگان به بهره گیری از دریای بی کران معارف و علوم حیات بخش اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، مصمم شدم تا مجموعه ای از خلاصه حالات چهارده معصوم صلوات الله علیهم، همراه با چهل گوهر گرانبها که مجموعاً 560 حدیث، در دویست موضوع باشد از منابع متعدد گلچین و تالیف نموده و در اختیار مشتاقان هدایت و تشنه گان چشمه زلال معرفت و حقیقت قرار گیرد.

به امید آنکه مورد استفاده و افاده عموم در ابعاد مختلف قرار گیرد؛ «جَعَلَهُ اللهُ ذُخْرًا لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ لَهُ عَلَيَّ حَقٌّ، لِيَوْمٍ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»، ان شاء الله تعالی.

مؤلف

خلاصه حالات اولین معصوم آخرین پیامبر، اشرف مخلوقات

آن حضرت پیش از طلوع سپیده صبح روز جمعه یا دوشنبه، هفدهم یا دوازدهم ماه ربیع الاول، عام الفیل 55 روز پس از هلاکت اصحاب فیل در شهر مکه شعب ابی طالب، ختنه شده و خندان به دنیا آمد و جهانی تاریک را به نور مبارک خود روشن نمود.

هنگامی که رسول خدا از شکم مادر تولد یافت، دست چپ خود را بر زمین و دست راست به سمت آسمان بلند نمود و چون کلمه توحید را بر زبان جاری نمود، نوری از دهان مبارکش ظاهر گردید که تمامی مکه را روشنائی بخشید.

نام : محمد⁽⁷⁾، احمد، محمود، ... صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

کنیه : ابوالقاسم، ابوابراهیم، ابوالطاهر، ابوالطیب، ابوالمساکین، ابوالدترین، ابوالریحانتین، ابوالسبّین، ...

لقب : خاتم، رسول الله، رسول الرحمة، رسول الراحة، نبی الرحمة، نبی التوبة، سراج المنیر، مبشر، مُنذر، امین، وقی، مزمل، مدثر، عالم ماحی، حاشر، شاهد، ... در تورات : ماداماد، در انجیل : فارقلیط ملقب شده است.

پدر آن حضرت، عبدالله فرزند عبدالمطلب و مادرش آمنه دختر وهب بن عبد مناف بوده است.

حضرت رسول با سی واسطه به حضرت آدم می رسد، و 9900 سال و چهار ماه و ده روز بعد از وفات حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ متولد گردید.

نقش انگشتر: آن حضرت دارای دو انگشتر بود، نقش یکی «لااله الا الله محمد رسول الله» و دیگری «صدق الله» بود که به دست راست خود قرار می داد.

دو ماه بعد از آنکه در رحم مادر قرار گرفت پدرش عبدالله وفات یافت و دوران شیرخوارگی را توسط حلیمه سعیدیه سپری نمود.

در سنین چهار یا شش سالگی مادرش آمنه و هشت سالگی جدش عبدالطلب وفات کرد.

در 25 سالگی از طرف خدیجه برای تجارت به شام مسافرت نمود و چند ماه پس از بازگشت با وی ازدواج کرد.

در چهل سالگی در 27 رجب به رسالت و نبوت مبعوث گردید.

9 سال و هشت ماه بعد از نبوتش که دو سال پس از خروج از شعب باشد، عمویش ابوطالب وفات یافت، و سه روز بعد از آن خدیجه در سنین 65 سالگی درگذشت.

در سنین سیزده سالگی به همراه عمویش عمران ابوطالب به شام مسافرت نمود و نزد قبائل و قوافل مورد اعتماد و اطمینان قرار گرفت. بطوریکه لقب امین بر او نهاده شد.

هنگامی که دعوتش آشکار گردید مورد اذیت و آزار مشرکان و مخالفان قرار گرفت تا جائی که گفته اند:

پس از گذشت پنج سال از بعثت در محاصره شدید دشمنان قرار گرفت و به ناچار در محلی به نام شعب ابوطالب به همراه دیگر یارانش پناهنده شد و مدت سه سال با تحمل سختیها و مشکلات فراوان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی... بسر برد.

و چون اذیت و آزار دشمنان و مخالفان بعد از وفات ابوطالب و خدیجه شدت گرفت، روز پنجشنبه اول ربیع الاول (سیزده سال پس از بعثت) در سنین 53 سالگی به همراه یارانش از مکه به مدینه مهاجرت نمود و دوازدهم همان ماه

هنگام زوال خورشید وارد مدینه منوره گردید و مدت 10 سال در آن شهر اقامت نمود.

آن حضرت حدود یک سال قبل از هجرت از مکه به مدینه در بیداری با جسم و روح به معراج رفت و در مقداری از شب پس از عروج از مسجد الحرام در مسجداً قصی فرود آمد و طبق فرمایش امام صادق صلوات الله علیه: پیامبر اسلام ﷺ یکصد و بیست مرتبه به معراج رفت و در هر مرتبه خداوند بیش از دیگر فرایض و واجبات، به ولایت امام علی و دیگر ائمه علیهم السلام توصیه می نمود. (8)

در نیمه ماه رجب، سال دوم هجرت در بین نماز عصر، قبله مسلمان از بیت المقدس به سمت کعبه متحوّل شد. (9)

در مدت عمر پر برکت آن حضرت بیش از چهارهزار و چهارصد معجزه توسط حضرتش واقع گردید. (10)

و آنچه که توسط دیگر پیامبران الهی انجام گرفته بود به وسیله پیامبر اسلام انجام شد و مهمترین معجزه آن حضرت قرآن بود که تمامی انسانها از مقابله با آن عاجز و ناتوان بوده و هستند.

روز هیجدهم ذی الحجه، سال نهم هجری (11) پس از بازگشت از حجة الوداع در محلی به نام غدیر خم حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را به عنوان خلیفه خود و امام مسلمین در جمع کلیه حجاج از طرف خداوند متعال معرفی و منصوب نمود که اکثر مفسرین و تاریخ نویسان اهل سنت نیز به آن تصریح کرده اند.

حضرت رسول ﷺ چهل و هفت سَرَّیه برای جنگ با مخالفان اعزام نمود که در بیست و شش جنگ مشارکت و فرماندهی داشت و در 9 جنگ مقاتله و جهاد نمود.

و در نهایت بعد از جنگ خیبر توسط زنی یهودی به نام زینب (دختر حارث برادر مرحب) به وسیله زهر در آبگوشت کله و پاچه مسموم و مدتی پس از آن به شهادت رسید. (12)

در تاریخ وفات حضرت اختلاف است، مشهور آنست که در 28 ماه صفر، سال دهم هجرت (13) در اثر زهر مسموم و در سن 63 سالگی شهید گشت. قبر آن حضرت توسط ابو عبیده جراح و زید بن سُهیل حفر و آماده شد، و جسد مطهرش توسط امام علیؑ با کمک عباس بن عبدالمطلب و فضل بن عباس و اسامه، تجهیز و در خانه شخصی خودش دفن گردید. دربان حضرت را امام علیؑ بن ابی طالبؑ و انس بن مالک و ابورافع گفته اند.

در تعداد زوجات حضرت اختلاف است، مشهور آنستکه حضرت از سنین 25 سالگی بیعد، 16 همسر جهت مصالح اسلام و مسلمین انتخاب نمود که طبق مشهور (14) تمامی آنها به جز عایشه بیوه بوده اند.

و در موقع شهادت 9 همسر برایش باقی مانده بود. از خدیجه هفت فرزند به نامهای: قاسم، زینب، امّ کلثوم، رقیه قبل از بعثت، و طاهر و عبدالله و فاطمه بعد از بعثت برای حضرت رسول متولد شد، و از دیگر همسرش (ماریه) یک فرزند به نام ابراهیم بعد از بعثت به دنیا آمد. در موقع شهادت تنها فرزندی که برایش به یادگار باقی ماند، حضرت فاطمه زهراءؑ بود.

نماز آن حضرت : دو رکعت است، در هر رکعت پس از حمد، پانزده مرتبه سوره قدر، همچنین در رکوع و پس از رکوع و در هر سجده و بین دو سجده و بعد از سجده دوّم پانزده مرتبه سوره قدر قرائت می گردد، که جمعاً 210 مرتبه در هر رکعت باید خوانده شود، و بعد از سلام نماز تسبیح حضرت زهرا، عَلَيْهَا گفته شود.

و سپس حوائج مشروعه خود را از درگاه خداوند متعال تقاضا و درخواست نماید. (15)

چهل حدیث گهربار، از آخرین پیامبر، اشرف مخلوقات

1 قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

لَا تُضَيِّعُوا صَلَوَاتِكُمْ، فَإِنَّ مَنْ ضَيَّعَ صَلَوَاتَهُ، حُشِرَ مَعَ قَارُونَ وَ هَامَانَ، وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ. (16)

فرمود: نماز را سبک و ناچیز مشمارید، هر کس نسبت به نمازش بی اعتنا باشد و آنرا سبک و ضایع گرداند همنشین قارون و هامان خواهد گشت و حق خداوند است که او را همراه منافقین در آتش داخل نماید.

2 قَالَ ﷺ: مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ، فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ، عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَ مَحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ. (17)

فرمود: هر کس قدمی بسوی یکی از مساجد خداوند بردارد، برای هر قدم ثواب ده حسنه می باشد تا برگردد به منزل خود، و ده خطا از لغزش هایش پاک می شود، همچنین در پیشگاه خداوند ده درجه ترفیع می یابد.

3 قَالَ ﷺ: الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ لانتظارِ الصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَالَمْ يَحْدُثْ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْحَدَثُ؟ قَالَ: الْعِيبَةُ. (18)

فرمود: نشستن در مسجد جهت انتظار وقت نماز عبادت است تا موقعیکه حدثی از او صادر نگردد.

سؤال شد: یا رسول الله، منظور از حدث چیست؟

فرمود: غیبت و پشت سر دیگران سخن گفتن.

4... بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ، إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَقَامَ يُصَلِّي، فَلَمْ يُتِمَّ رُكُوعَهُ وَ لَا سُجُودَهُ، فَقَالَ: نَقَرَ كَنَقْرِ الْغُرَابِ، لَيْتَنِي مَاتَ هَذَا وَ هَكَذَا صَلَوَاتُهُ لَيُمُوتَنَّ عَلَى غَيْرِ دِينِي. (19)

رسول خدا ﷺ در مسجد نشسته بود که شخصی وارد مسجد شد و مشغول نماز گشت و رکوع و سجودش را کامل انجام نداد و عجله و شتاب کرد. حضرت فرمود: کار این شخص همانند کلاغی است که منقار بر زمین می زند، اگر با این حالت از دنیا برود بر دین من نمرده است.

5 قَالَ ﷺ : يَا أَبَا ذَرٍّ، الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ، وَمَا أَصْبَحَ فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَهُوَ حَزِينٌ، وَكَيْفَ لَا يَحْزَنُ الْمُؤْمِنُ وَقَدْ أَعْوَدَهُ اللَّهُ أَنَّهُ وَارِدٌ جَهَنَّمَ. (20)

فرمود: ای ابوذر، دنیا زندان مؤمن و بهشت کافران است، مؤمن همیشه محزون و غمگین می باشد، چگونه چنین نباشد و حال آنکه خداوند وعده مجازات و دخول جهنم را داده است.

6 قَالَ ﷺ : شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ، وَ شَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ. (21)

فرمود: بدترین افراد کسی است که آخرت خود را به دنیایش بفروشد و بدتر از او آن کسی خواهد بود که آخرت خود را برای دنیای دیگری بفروشد.

7 قَالَ ﷺ : ثَلَاثَةٌ أَعْرَفْنِي عَلَى أُمَّتِي : أَعْرَاضُ الْبَطْنِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ، وَ مَضِلَّاتُ الْفِتَنِ، وَ شَهْوَةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ. (22)

فرمود: سه چیز است که از آنها برای امت خود احساس خطر می کنم :

1 گمراهی، بعد از آنکه هدایت و معرفت پیدا کرده باشند.

2 گمراهی ها و لغزشهای به وجود آمده از فتنه ها.

3 مشتتهیات شکم، و آرزوهای نفسانی و شهوت پرستی.

8 قَالَ ﷺ : ثَلَاثَةٌ مِنَ الذُّنُوبِ تُعَجَّلُ عُقُوبَتُهَا وَ لَا تُؤَخَّرُ إِلَى الْآخِرَةِ : عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَ الْبَغْيُ عَلَى النَّاسِ، وَ كُفْرُ الْأَحْسَانِ. (23)

فرمود: عقاب و مجازات سه دسته از گناهان زود رس می باشد و به قیامت کشانده نمی شود: ایجاد ناراحتی برای پدر و مادر، ظلم در حق مردم، ناسپاسی در مقابل کارهای نیک دیگران.

9 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ، وَإِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ. (24)

فرمود: عاجز و ناتوان ترین افراد کسی است که از دعا و مناجات با خداوند ناتوان و محروم باشد، و بخیل ترین اشخاص کسی خواهد بود که از سلام کردن خودداری نماید.

10 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا تَلَّاقَيْتُمْ فَتَلَّاقُوا بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَافِحِ، وَإِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِإِلاِسْتِغْفَارٍ. (25)

فرمود: هنگام بر خورد و ملاقات با یکدیگر سلام و مصافحه نمائید و موقع جدا شدن برای همدیگر طلب آمرزش کنید.

11 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: بَكْرُوا بِالصَّدَقَةِ، فَإِنَّ الْبَلَاءَ لَا يَتَخَطَّاهَا. (26)

فرمود: صبحگاهان حرکت و کار خود را با دادن صدقه شروع نمائید چونکه بلاها و آفت ها را بر طرف می گرداند.

12 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يُؤْتَى الرَّجُلُ فِي قَبْرِهِ بِالْعَذَابِ، فَإِذَا أُتِيَ مِنْ قَبْلِ رَأْسِهِ دَفَعَتْهُ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ، وَإِذَا أُتِيَ مِنْ قَبْلِ يَدَيْهِ دَفَعَتْهُ الصَّدَقَةُ، وَإِذَا أُتِيَ مِنْ قَبْلِ رِجْلَيْهِ دَفَعَتْهُ مَشْيُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ. (27)

فرمود: هنگامی که بدن مرده را در قبر قرار دهند، چنانچه عذاب از بالای سر بخواهد وارد شود تلاوت قرآنش مانع عذاب می گردد و چنانچه از مقابل وارد شود صدقه و کارهای نیک مانع آن می باشد.

و چنانچه از پائین پا بخواهد وارد گردد، رفتن به سوی مسجد مانع آن خواهد گشت.

13 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بَعَثَنِي بِهَا، وَإِنَّ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ: أَنْ يَغْفُوَ الرَّجُلُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَيُعْطِيَ مَنْ حَرَمَهُ، وَيَصِلَ مَنْ قَطَعَهُ، وَأَنْ يَعُودَ مَنْ لَا يَعُودُهُ. (28)

فرمود: بر شما باد رعایت مکارم اخلاق، که خداوند مرا بر آنها مبعوث نمود، و بعضی از آنها عبارتند از:

کسی که بر تو ظلم کند به جهت غرض شخصی او را ببخش، کسی که تو را نسبت به چیزی محروم گرداند کمکش نما، شخصی که با تو قطع دوستی کند رابطه دوستی داشته باش، شخصی که به دیدار تو نیاید به دیدارش برو.

14 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ وَجَدَ كَسْرَةً أَوْ تَمْرَةً فَأَكَلَهَا لَمْ يُفَارِقْ جَوْفَهُ حَتَّى يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ. (29)

فرمود: هر کس تکه ای نان یا دانه ای خرما در جایی به بیند، و آنرا بردارد و میل کند، مورد رحمت و مغفرت خداوند قرار می گیرد.

15 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ. (30)

فرمود: کسی اظهار تواضع و فروتنی ننماید مگر آنکه خداوند او را رفعت و عزت بخشد.

16 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَعْتَمَرَ مَعْسِرًا، كَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ. (31)

فرمود: هر کس بدهکار ناتوانی را مهلت دهد برای هر روزش ثواب صدقه در راه خدا میباشد.

17 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا مِنْ هُدْءٍ إِلَّا وَفِي جَنَاحِهِ مَكْتُوبٌ بِالسَّرِّيَانِيَّةِ «آلُ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ». (32)

فرمود: پرنده ای به نام هدهد وجود ندارد مگر آنکه روی بالهایش به لغت سریانی نوشته شده است: آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) بهترین مخلوق روی زمین می باشند.

18 قال ﷺ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَأَنَّ ابْضَ عَلَى الْجَمْرِ. (33)

فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که صبر نمودن در برابر مسائل دین و عمل به دستورات آن همانند در دست گرفتن آتش گداخته است.

19 قال ﷺ: سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَفْرُونَ مِنَ الْعُلَمَاءِ كَمَا يَفِرُّ الْعَنَمُ مِنَ الذَّبِّ، إِبْتِلَاهُمُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: الْأَوَّلُ: يَرْفَعُ الْبَرَكَةَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ، وَالثَّانِي: سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا جَائِرًا، وَالثَّلَاثُ: يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِلَا إِيمَانٍ. (34)

فرمود: زمانی بر امت من خواهد آمد که مردم از علماء گریزان شوند همانطوریکه گوسفند از گرگ گریزان است، خداوند چنین جامعه ای را به سه نوع عذاب مبتلا می گرداند:

1 برکت و رحمت خود را از اموال ایشان برمی دارد.

2 حکمفرمائی ظالم و بی مروت را بر آنها مسلط می گرداند.

3 هنگام مرگ و جان دادن، بی ایمان از این دنیا خواهند رفت.

20 قال ﷺ: أَلْعَالِمُ بَيْنَ الْجُهَّالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ، وَإِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى حَيْتَانَ الْبَحْرِ وَهَوَامَّهُ، وَ سُبَاعُ الْبَرِّ وَ أَعْنَامُهُ، فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. (35)

فرمود: دانشمندی که بین گروهی نادان قرار گیرد همانند انسان زنده ای است بین مردگان، و کسی که در حال تحصیل علم باشد تمام موجودات برایش طلب

مغفرت و آمرزش می کنند، پس علم را فرا گیرید چون علم وسیله قرب و نزدیکی شما به خداوند است، و فراگیری علم بر هر فرد مسلمانی فریضه است.

21 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ زَارَ عَالِمًا فَكَأَنَّما زارني، وَمَنْ صَافَحَ عَالِمًا فَكَأَنَّما صَافَحَنِي، وَمَنْ جالَسَ عَالِمًا فَكَأَنَّما جالَسَنِي، وَمَنْ جالَسَنِي فِي الدُّنْيا اءَجَلَسْتُهُ مَعِيَ يَوْمَ الْقِيامَةِ. (36)

فرمود: هر کس به دیدار و زیارت عالم و دانشمندی برود مثل آنستکه مرا زیارت کرده، هر که با دانشمندی دست دهد و مصافحه کند مثل آنکه با من مصافحه نموده، هر شخصی هم نشین دانشمندی گردد مثل آنستکه با من مجالست کرده، و هر که در دنیا با من همنشین شود، در آخرت همنشین من خواهد گشت.

22 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَصابَ مِنْ إِمرأةٍ نَظْرَةً حَرامًا، مَلَأَ اللهُ عَينَها نارًا. (37)

فرمود: هر کس نگاه حرامی به زن نامحرمی بیفکند، خداوند چشمهای او را پر از آتش می گرداند.

23 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ تزَوَّجَ إِمرأةً لِمالِها وَكَلَهُ اللهُ إِليْها، وَ مَنْ تزَوَّجَها لِجَمالِها رَأى فيها ما يَكْرَهُ، وَ مَنْ تزَوَّجَها لِدينِها جَمَعَ اللهُ لَهُ ذَلِك. (38)

فرمود: هر کس زنی را به جهت ثروتش ازدواج کند خداوند او را به همان واگذار می نماید، و هر که با زنی جهت زیبایی و جمالش ازدواج کند خوشی نخواهد دید، و کسی که با زنی جهت دین و ایمانش تزویج نماید خداوند خواسته های او را تاءمین می گرداند.

24 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ قَلَّ طَعامُهُ، صَحَّ بَدَنُهُ، وَ صَفا قَلْبُهُ، وَ مَنْ كَثُرَ طَعامُهُ سَقُمَ بَدَنُهُ وَ قَسا قَلْبُهُ. (39)

فرمود: هر که خوراکش کمتر باشد بدنش سالم و قلبش با صفا خواهد بود، و هر کس خوراکش زیاد باشد امراض جسمی و کدورت، قلبش را فرا خواهد گرفت.

25 قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تُشْبِعُوا، فَيُطْفَأَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ. (40)

فرمود: شکم خود را از خوراک سیر و پر مگردانید، چونکه وسیله خاموشی نور عرفان و معرفت در افکار و قلبهایتان می گردد.

26 قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ تَوَلَّى عَمَلًا وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ، فَلْيُتَبَوَّءْ مَقْعَدُهُ مِنَ

النَّارِ. (41)

فرمود: هر که ریاست و مسئولیتی را به پذیرد و میداند که اهلیت آنرا ندارد، در قبر و قیامت جایگاه او پر از آتش خواهد شد.

27 قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَيُبْعِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ، فَقِيلَ:

وَمَا الْمُؤْمِنُ الضَّعِيفُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟

قَالَ: الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ. (42)

فرمود: همانا خداوند دشمن دارد آن مؤمنی را که ضعیف و بی دین است، سؤال شد:

مؤمن ضعیف و بی دین کیست؟ پاسخ داد: کسی که نهی از منکر و جلوگیری از کارهای زشت نمی کند.

28 قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: صَدَقَةُ السَّرِّ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ، كَمَا تُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ، وَتَدْفَعُ

سُبُعَيْنِ بَابَا مِنَ الْبَلَاءِ. (43)

فرمود: صدقه ای که محرمانه و پنهانی داده شود سبب پاکی گناهان می باشد، همانطوریکه آب آتش را خاموش می کند، همچنین صدقه هفتاد نوع بلا و آفت را بر طرف می نماید.

29 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي مِنَ الطَّعَامِ مَخَافَةَ الدَّاءِ، كَيْفَ لَا يَحْتَمِي مِنَ الذُّنُوبِ، مَخَافَةَ النَّارِ. (44)

فرمود: تعجب دارم از کسانی که نسبت به خورد و خوراک خود اهمیت می دهند تا مبادا مریض شوند و لیکن اهمیتی نسبت به گناهان نمی دهند و باکی از آتش سوزان جهنم ندارند.

30 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : حُبُّ الْجَاهِ وَالْمَالِ يُنْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ، كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْبَقْلَ. (45)

فرمود: علاقه نسبت به ریاست و ثروت سبب روئیدن نفاق در قلب و درون خواهد شد، همانطوری که آب و باران سبب روئیدن سبزیجات می باشند.

31 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : الْوَلَدُ كَبِدُ الْمُؤْمِنِ، إِنْ مَاتَ قَبْلَهُ صَارَ شَفِيعاً، وَإِنْ مَاتَ بَعْدَهُ يَسْتَغْفِرُ اللَّهُ، فَيَغْفِرُ لَهُ. (46)

فرمود: فرزند برای مؤمن همانند جگر و پاره تن اوست، چنانچه پیش از او بمیرد شفیع او می گردد، اگر بعد از او بمیرد برایش استغفار می کند و خداوند گناهانش را می آمرزد.

32 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : حَسِّنُوا إِخْلَاقَكُمْ، وَاعْلُفُوا جِيرَانَكُمْ، وَاعْكُرُوا نِسَائِكُمْ، تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (47)

فرمود: رفتار و اخلاق خود را نکو سازید، نسبت به همسایگان با ملاحظت و محبت برخورد نمائید، زنان و همسران خود را گرامی دارید تا بدون حساب وارد بهشت گردید.

33 قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِخْلَاقَكُمْ مَنْ يُخَالِطُ. (48)

فرمود: انسان بر روش و اخلاق دوستش پرورش می یابد و شناخته می شود، پس متوجه باشید با چه کسی دوست و همنشین می باشید.

34 قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الصَّدَقَةُ بِعَشْرِ، وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ بِأَرْبَعَةٍ وَعَشْرِينَ. (49)

فرمود: پاداش و ثواب دادن صدقه ده برابر آن، و دادن قرض الحسنه هیجده برابر آن، و صله رحم انجام دادن بیست و چهار برابر خواهد بود.

35 قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَمْرُضُ مُؤْمِنٌ وَلَا مُؤْمِنَةٌ إِلَّا حَطَّ اللَّهُ بِهِ خَطَايَاهُ. (50)

فرمود: هیچ مؤمن و مؤمنه ای مریض نمی گردد مگر آنکه خطاها و لغزش هایش پاک و بخشوده می شود.

36 قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ وَقَرَ ذَا شَيْبَةٍ فِي الْأَسْلَامِ أَمَّنَهُ اللَّهُ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (51)

فرمود: هر کس بزرگسال مسلمانی را گرامی دارد و احترام نماید، خداوند او را در قیامت از سختیها و مشکلات در امان می دارد.

37 قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَعْيُنٍ: عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (52)

فرمود: تمامی چشمها در روز قیامت گریانند، مگر سه دسته :

1 آن چشمی که به جهت خوف و ترس از عذاب خداوند گریه کرده باشد.

2 چشمی که از گناهان و موارد خلاف بسته و نگاه نکرده باشد.

3 چشمی که شبها در عبادت و بندگی خداوند متعال بیدار بوده باشد.

38 قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: سَادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا إِلَّا سُخِيَاءٌ، سَادَةُ النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا تَقِيَاءٌ. (53)

فرمود: سرور و سید مردم در دنیا افراد سخاوتمند خواهند بود، و سید و سرور انسانها در قیامت پرهیزکاران می باشند.

39 قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَعَظَنِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُحَمَّدُ، إِذَا حَبِبَ مَنْ شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ، وَاعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ. (54)

فرمود: جبرئیل مرا موعظه و نصیحت کرد: با هر کس که خواهی دوست باش، بالا خره بین تو و او جدائی خواهد افتاد. هر چه خواهی انجام ده، ولی بدان نتیجه و پاداش آنرا خواهی گرفت.

40 قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَوْ صَانِي رَبِّي بِتَسْعٍ: أَوْ صَانِي بِالْأَخْلَاصِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ، وَالْقَصْدِ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَأَنْ أَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي، وَأَعطَى مَنْ حَرَمَنِي، وَأَصِلَ مَنْ قَطَعَنِي، وَأَنْ يَكُونَ صُمتِي فِكْرًا، وَمَنْطِقِي ذِكْرًا، وَنَظْرِي عِبْرًا. (55)

فرمود: پروردگار متعال، مرا به 9 چیز سفارش نمود: اخلاص در آشکار و پنهان، دادگری در خوشنودی و خشم، میانه روی در نیاز و توانمندی، بخشیدن کسی که در حق من ستم روا داشته است، کمک به کسی که مرا محروم گردانده، دیدار خویشاوندانی که با من قطع رابطه نموده اند، و اینکه خاموشیم اندیشه و سخنم یادآوری خداوند، و نگاهم عبرت و پند باشد.

خلاصه حالات دوّمین معصوم امیرمؤمنان علی علیه السلام

حضرتش بنا بر مشهور: روز سیزدهم ماه رجب، سی سال بعد از عام الفیل، در شهر مکه معظمه، در میان کعبه الهی به دنیا آمد و با نور طلعتش، جهانی تاریک، را روشنائی بخشید.

در اوّلین مرحله ای که حضرت رسول قنّاقه این نوزاد مبارک را از مادرش تحویل گرفت با زبان فصیح خواند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ فِي صَلَوَتِهِمْ خَاشِعُونَ».

یعنی به نام خداوندی که بخشنده و مهربان است، آن مؤمنینی که در هنگام بجا آوردن نماز خاشع باشند رستگار و سعادت‌مند خواهند بود.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در مقابل به او فرمود: یا علی، مؤمنین به وسیله تو رستگار خواهند شد.

نام: علی ⁽⁵⁶⁾ «صلوات الله و سلامه علیه».

کنیه: ابوتراب، ابوالاَئمه، ابوالحسن و....

لقب: امیرالمؤمنین، یعسوب الدّین، یعسوب المؤمنین، قائد الغرّ المحجلّین، امام المتّقین، سیّد الاوصیاء، اسد الله، مرتضی، حیدر، أنزع، قضم، وصی، ولی....
پدر: عمران عبدمناف معروف به ابوطالب.

مادر: فاطمه بنت اسد، نوه هاشم، اوّلین زن هاشمیّه ای که با مرد هاشمی یعنی ابوطالب ازدواج کرد.

و چون در پرورش حضرت رسول دخالت مستقیم داشت، حضرت او را به عنوان مادر خطاب می نمود.

نسبت امام علی بن ابی طالب صلوات الله علیه با سی واسطه همانند رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به حضرت آدم علیه السلام می رسد.

نقش انگشتر: حضرت دارای چهار انگشتر بوده است: یکی عقیق برای نماز،
نقش آن: لا إله إلا الله، عدّة للقائه.

دوّم فیروزه برای جنگ، نقش آن: نصر من الله و فتح قریب.
سوّم یاقوت برای قضاوت، نقش آن: الله الملك و علیّ عبده.
چهارم حدید صلیمی برای ختم و مهر نامه ها، نقش آن: لا إله إلا الله،
محمد رسول الله. (57)

دربان آنحضرت را سلمان فارسی و قنبر گفته اند.
اولین مردی که به نبوت حضرت رسول ﷺ ایمان آورد، علیّؑ بود، و
در هفت سالگی با آن حضرت نماز جماعت خواند.
در تمام جنگهای زمان حضرت رسول غیر از جنگ تبوک مشارکت داشت و
بیشترین پیروزیها به دست برومند و توانای آن حضرت نصیب اسلام و مسلمین
گردید.

طبق نقل ابن عساکر: جنگ بدر توسط امام علیّؑ در 20 سالگی و نیز
مکه توسط حضرتش در 28 سالگی فتح شد.

پس از رحلت حضرت رسول ﷺ جنگهایی بر علیه اسلام و بر علیه آن
حضرت توسط منافقین و مخالفین به وقوع پیوست که مهم آنها سه جنگ می
باشد به نامهای:

جنگ جمل، با ناکثین، به سرکردگی عایشه و طلحه و زبیر، در ماه جمادی
الثانی، سال 36 هجری شمسی. (58)

جنگ صفین، با مارقین به سرکردگی معاویه، در ماه ذی الحجه، سال 36
هجری شمسی. (59)

جنگ نهروان، با قاسطین، به سرکردگی خوارج، در سال 38 هجری شمسی (60) واقع شد که 40000 نفر بودند، با نصایح حضرت 12000 نفر آنها توبه کردند و 9 نفرشان گریختند.

و بقیه آنها کشته شدند، و از مسلمین نیز 9 نفر شهید گشتند. و بطور کلی آن حضرت هفتاد و دو مرتبه جنگ و مبارزه با مخالفان و دشمنان داشته است. (61)

حضرت در مناسبتهای مکرر و مختلف توسط پیغمبر اسلام ﷺ به عنوان اولین جانشین و خلیفه تعیین و معرفی گردید.

و در نهایت پس از حجّة الوداع، روز هیجدهم ذی الحجّه، سال نهم قمری (62) در محلی به نام غدیر خم، بین مکه و مدینه به طور رسمی مطرح و منصوب شد. ولی به علی، خلافت ظاهری به دست دیگران افتاد تا سال 35 هجری که مردم پس از قتل عثمان با حضرت علیؓ بیعت کردند و پنج سال بطول انجامید.

امام علیؓ در تمام دوران عمر پربرکتش، در جمیع علوم و فنون آشنا و مسلط بود.

معجزات و کرامات بی شماری از آن امام مظلوم، (چه در زمان حیات و چه پس از آن) واقع و صادر گردید، که اکثر دانشمندان شیعه و سنی و بلکه دیگر مذاهب در کتابهای مختلف خود آورده اند.

آن حضرت در اجرای حق و عدالت و قانون، و طرفداری و حمایت از مظلومان و محرومان، همچنین مبارزه با بی عدالتی و ظالمان و چپاولگران قاطع و سختگیر بود.

و احادیث بسیاری در شائن و عظمت آن امام مظلوم وارد شده است که
علاقمندان به کتابهای مربوطه رجوع نمایند.

در مدّت عمر آن حضرت اختلاف است ولی مشهور 63 سال گفته اند.
33 سال همزمان با پیغمبر اسلام ﷺ، 10 سال قبل از بعثت، 13 سال در
مکه، 10 سال در مدینه - و سی سال هم پس از رحلت آنحضرت با تحمّل
سختی ها و مصائب جانکاه بسر برد.

مدّت امامت و خلافت واقعی که بلافاصله پس از رحلت حضرت رسول
ﷺ شروع شد سی سال بطول انجامید.

و خلافت ظاهری و واقعی که پس از قتل عثمان شروع گردید پنج سال بوده
است.

در تعداد فرزندان آن حضرت بین محدّثین و مؤرّخین اختلاف است، اعیان
الشیعه ج 1 ص 327، تعداد اولاد امام علیّ علیه السلام را 33 نفر پسر و دختر نام برده
است.

شهادت و محلّ دفن : حضرت در سال چهارم هجری ⁽⁶³⁾ صبح جمعه، نوزدهم
ماه رمضان، در محراب عبادت مسجد کوفه یکی از چهار مسجد معروف و عظیم
القدر توسط عبدالرحمن بن ملجم مرادی و ترغیب زنی به نام قطّامه، به وسیله
شمشیر زهراگین ترور شد. و شب 21 همان ماه به فیض شهادت نایل گردید.

و در نجف اشرف کنار حضرت آدم و نوح علیهم السلام دفن گردید، و قبر آن
حضرت توسط حضرت نوح علیه السلام تهیه و آماده گردیده بود.

میسّر نگردد به کس این سعادت به کعبه ولادت به مسجد شهادت
نماز آنحضرت چهار رکعت است : در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد،
پنجاه مرتبه سوره توحید خوانده می شود. ⁽⁶⁴⁾

و بعد از سلام نماز تسبیح حضرت فاطمه زهراء علیها السلام، و سپس خواسته های
مشروع خود را از درگاه خداوند تقاضا نماید.

چهل حدیث گهربار، از امیرمؤمنان علی علیه السلام

41 قال الأمامُ علیُّ بنُ أبی طالبٍ، أمیرُ المؤمنینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ:
إِغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ خَمْسَةِ مَوَاطِنَ: عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، وَ عِنْدَ الْأَذَانِ، وَ عِنْدَ
نُزُولِ الْغَيْثِ، وَ عِنْدَ التَّقَاءِ الصَّغِيرِ لِلشَّهَادَةِ، وَ عِنْدَ دَعْوَةِ الْمَظْلُومِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ لَهَا
حِجَابٌ دُونَ الْعَرْشِ. (65)

فرمود: پنج موقع را برای دعا و حاجت خواستن غنیمت شمارید:
موقع تلاوت قرآن، موقع اذان، موقع بارش باران، موقع جنگ و جهاد فی
سبیل الله موقع ناراحتی و آه کشیدن مظلوم.

در چنین موقعیها مانعی برای استجاب دعا نیست.

42 قال علیه السلام: الْعِلْمُ وَرِثَةٌ كَرِيمَةٌ، وَالْأَدَبُ حُلٌّ حَسَنٌ، وَالْفِكْرَةُ مِرْآةٌ
صَافِيَةٌ، وَالْإِعْتِذَارُ مُنْذِرٌ نَاصِحٌ، وَكَفَى بِكَ إِدْبًا تَرْكُكَ مَا كَرِهْتَهُ مِنْ غَيْرِكَ. (66)
فرمود: علم ارثیه ای با ارزش، و ادب زیوری نیکو، و اندیشه آئینه ای صاف،
و پوزش خواستن، هشدار دهنده ای دلسوز خواهد بود.

و برای با ادب بودن همین بس که آنچه برای خود دوست نداری، در حق
دیگران روا نداشته باش.

43 قال علیه السلام: الْحَقُّ جَدِيدٌ وَإِنْ طَالَتِ الْأَيَّامُ، وَالْبَاطِلُ مَخْذُولٌ وَإِنْ نَصَرَهُ
أَعْقَابًا. (67)

فرمود: حق و حقیقت در تمام حالات جدید و تازه است گرچه مدتی بر آن
گذشته باشد.

و باطل همیشه پست و بی اساس است گرچه افراد بسیاری از آن حمایت
کنند.

44 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا تُطَلَبُ لِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: الْغِنَى، وَالْعِزَّ، وَالرَّاحَةَ، فَمَنْ زَهَدَ فِيهَا عَزَّ، وَمَنْ قَنَعَ اسْتَغْنَى، وَمَنْ قَلَّ سَعِيُّهُ اسْتَرَاحَ. (68)

فرمود: دنیا و اموال آن سه هدف دنبال می شود: بی نیازی، عزت و شوکت، آسایش و آسوده بودن.

هر که زاهد باشد، عزیز و با شخصیت است، هر که قانع باشد بی نیاز و غنی گردد، هر که کمتر خود را در تلاش و زحمت قرار دهد همیشه آسوده و در آسایش است.

45 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ لَا الدِّينُ وَالتَّقَى، لَكُنْتُ أَهْذَى الْعَرَبِ. (69)

فرمود: چنانچه دیندار و با تقوا نمی بود، هر آینه سیاستمدار ترین افراد بودم ولی دین و تقوا مانع سیاست بازی می شود.

46 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ، وَالْعِلْمُ حَاكِمٌ عَلَيْهِمْ، وَحَسْبُكَ مِنَ الْعِلْمِ اِئْتِنُ تَخَشَى اللَّهَ، وَحَسْبُكَ مِنَ الْجَهْلِ اِئْتِنُ تَعْجِبُ بِعِلْمِكَ. (70)

فرمود: ملوک بر مردم حاکم هستند و علم بر تمامی ایشان حاکم خواهد بود، تو را در علم کافی است که از خداوند ترسناک باشی. به دانش و علم خود بالیدن، بهترین نشانه نادانی است.

47 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ يَوْمٍ يَمُرُّ عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ: يَا ابْنَ آدَمَ اءَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَاَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ.

فَقُلْ فِي خَيْرٍ، وَاعْمَلْ فِي خَيْرٍ، اءَشْهَدُ لَكَ بِهِ فِي الْقِيَامَةِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهُ اءَبَدًا. (71)

فرمود: هر روزی که بر انسان وارد شود، گوید: من روز جدیدی هستم، من بر اعمال و گفتار تو شاهد می باشم.

سعی کن سخن خوب و مفید بگوئی، کار خوب و نیک انجام دهی.

من در روز قیامت شاهد اعمال و گفتار تو خواهم بود.

و بدان امروز که پایان یابد دیگر مرا نخواهی دید و قابل جبران نیست.

48 قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: فِي الْمَرَضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ، كَفَّارَةٌ لِوَالِدَيْهِ. (72)

فرمود: چنانچه کودک مریض شود، کفاره گناهان پدر و مادرش می باشد.

49 قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: إِنَّ الزَّبِيبَ لِشِدَّةِ الْقَلْبِ، وَ يَذْهَبُ بِالْمَرَضِ، وَ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَ

يُطِيبُ النَّفْسَ. (73)

فرمود: خوردن مویز کشمش سیاه قلب را تقویت، مرضها را برطرف، و

حرارت بدن را خاموش، و روان را پاک می گرداند.

50 قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: أَطْعِمُوا صَبِيَانَكُمْ الرَّمَانَ، فَإِنَّهُ أَسْرَعُ لِلسِّنْتِهِمْ. (74)

فرمود: به کودکان خود انار بخورانید تا زبانشان بهتر و زودتر باز شود.

51 قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: إِذَا طَرَقُوا أَهَالِيَكُمْ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ، كَسَى

يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ. (75)

فرمود: در هر شب جمعه همراه با مقداری میوه یا شیرینی، ... بر اهل منزل و

خانواده خود وارد شوید تا موجب شادمانی آنها در جمعه گردد.

52 قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: كُلُوا مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخَوَانِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ بَدَأَ اللَّهُ

عَزَّوَجَلَّ، لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَشْفِيَ بِهِ. (76)

فرمود: آنچه اطراف ظرف غذا و سفره می ریزد جمع کنید و بخورید، که

همانا هر کس آنها را به قصد شفا میل نماید، شفای تمام دردهای او خواهد شد.

53 قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: لَا يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَثِقَ بِخَصْلَتَيْنِ: الْعَافِيَةِ وَالْغِنَاءِ، بَيْنَمَا تَرَاهُ مُعَافَاً

إِذْ سَقُمَ، وَ بَيْنَمَا تَرَاهُ غَنِيًّا إِذَا افْتَقَرَ. (77)

سزاوار نیست که بنده خدا در دوران زندگی به دو خصوصیت اعتماد کند و

دلبسته باشد: یکی عافیت و تندرستی و دیگری ثروت و بی نیازی است.

گر چه بسا در حال صحّت و سلامتی می باشد ولی ناگهان انواع مریضی ها بر او عارض می گردد و یا آنکه در موقعیت و امکانات خوبی است، ناگهان فقیر و بیچاره می شود، پس بدانیم که دنیا و تمام امکانات آن بی ارزش و بی وفا خواهد بود و تنها عمل صالح مفید و سودبخش می باشد.

54 قَالَ ﷺ: لِلْمُرَائِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: يَكْسِلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ، وَ يَنْشَطُ إِذَا كَانَ فِي النَّاسِ، وَ يَزِيدُ فِي الْعَمَلِ إِذَا ائْتِيَ عَلَيْهِ، وَ يَنْقُصُ إِذَا دُمَّ. (78)

فرمود: برای ریاکار سه نشانه است: در تنهایی کسل و بی حال، در بین مردم سرحال و بانشاط می باشد.

هنگامی که او را تمجید و تعریف کنند خوب و زیاد کار می کند و اگر انتقاد شود سُستی و کم کاری می کند.

55 قَالَ ﷺ: أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى نَبِيٍّ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ: قُلْ لِقَوْمِكَ لَا يَلْبِسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي، وَ لَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي، وَ لَا يَتَشَكَّلُوا بِمَشَاكِلِ أَعْدَائِي، فَيَكُونُوا أَعْدَائِي. (79)

فرمود: خداوند تبارک و تعالی بر یکی از پیامبرانش وحی فرستاد: به امت خود بگو:

لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای دشمنان مرا، میل نکنند و هم شکل دشمنان من نگردند، و گرنه ایشان هم دشمن من خواهند بود.

56 قَالَ ﷺ: الْعُقُولُ أَيْمَةٌ الْإِفْكَارِ، وَ الْإِفْكَارُ أَيْمَةٌ الْقُلُوبِ، وَ الْقُلُوبُ أَيْمَةٌ الْحَوَاسِ، وَ الْحَوَاسُ أَيْمَةٌ الْأَعْضَاءِ. (80)

فرمود: عقل هر انسانی پیشوای فکر و اندیشه اوست، و فکر پیشوای قلب و درون او خواهد بود، و قلب پیشوای حواس پنجگانه می باشد، و حواس پیشوای تمامی اعضاء و جوارح است.

57 قال ﷺ: تَفَضَّلْ عَلَى مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَمِيرُهُ، وَاسْتَعِنْ عَمَّنْ شِئْتَ فَأَنْتَ نَظِيرُهُ، وَافْتَقِرْ إِلَى مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَسِيرُهُ. (81)

فرمود: بر هر که خواهی نیکی و احسان نما، تا رئیس و سرور او گردی. و از هر که خواهی بی نیازی جوی تا همانند او باشی.

و خود را نیازمند هر که خواهی بدان و از او تقاضای کمک نما تا اسیر او گردی.

58 قال ﷺ: اِعْزُزُّ الْعِزَّ الْعِلْمُ، لِأَنَّ بِهِ مَعْرِفَةَ الْمَعَادِ وَالْمَعِاشِ، وَأَذَلُّ الذُّلُّ الْجَهْلُ، لِأَنَّ صَاحِبَهُ اءَصَمُّ، اءَبْكَمُّ، اءَعْمَى، حَيْرَانٌ. (82)

فرمود: عزیز ترین عزت‌ها علم و کمال است، چونکه معاد و معاش انسان به وسیله آن شناخته و تاءمین می شود.

و پست ترین ذلت‌ها جهل و نادانی است، زیرا که صاحبش همیشه در کوری و لالی و کوری می باشد و در تمام امور سرگردان خواهد بود.

59 قال ﷺ: جُلُوسُ سَاعَةٍ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ اءَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ اءَلْفِ سَنَةٍ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْعَالَمِ اءَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ اءِ عِتْكَافِ سَنَةٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ، وَ زِيَارَةُ الْعُلَمَاءِ اءَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ سَبْعِينَ طَوَافًا حَوْلَ الْبَيْتِ، وَ اءَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ حَجَّةً وَ عُمْرَةً مَبْرُورَةً مَقْبُولَةً، وَ رَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ سَبْعِينَ دَرَجَةً، وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ، وَ شَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ: اءَنَّ الْجَنَّةَ وَ جَبَّتْ لَهُ. (83)

فرمود: یک ساعت در محضر علماء نشستن که انسان را به مبدء و معاد آشنا سازند از هزار سال عبادت نزد خداوند محبوبتر خواهد بود.

توجه و نگاه به عالم از اء عتکاف یک سال عبادت مستحبی در خانه خدا بهتر است.

زیارت و دیدار علماء، نزد خداوند از هفتاد مرتبه طواف اطراف کعبه محبوبتر خواهد بود، و نیز افضل از هفتاد حج و عمره قبول شده می باشد. همچنین خداوند او را هفتاد مرحله ترفیع درجه می دهد و رحمت و برکت خود را بر او نازل می گرداند، و ملائکه شهادت می دهند بر اینکه او اهل بهشت است.

60 قَالَ ﷺ: يَا بَنَ آدَمَ، لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ، فَإِنْ يَكُونُ بَقِيَّ مِنْ أَعْمَلِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ فِيهِ يَرْزُقُكَ. (84)

فرمود: ای فرزند آدم، غصه رزق و آذوقه آن روزی که در پیش داری و هنوز نیامده است نخور، زیرا چنانچه زنده بمانی و عمرت باقی باشد خداوند متعال روزی آن روز را هم می رساند.

61 قَالَ ﷺ: قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ نَفَقَتِهِ، وَ صِدَاقَتُهُ عَلَى قَدْرِ مَرْوَتِهِ، وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ. (85)

فرمود: ارزش هر انسانی به قدرهمت اوست، و شجاعت و توان هر شخصی به مقدار گذشت و احسان اوست، و درستکاری و صداقت او به قدر جوانمردی اوست، و پاکدامنی و عفت هر فرد به اندازه غیرت او خواهد بود.

62 قَالَ ﷺ: مَنْ شَرِبَ مِنْ سُورِ أَعْيُنِهِ تَبْرُكًا بِهِ، خَلَقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا مَلِكًا يَسْتَعْفِرُ لَهُمَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ. (86)

فرمود: کسی که دهن خورده برادر مؤمنش را به عنوان تبرک میل نماید، خداوند متعال ملکی را مأمور می گرداند تا برای آن دو نفر طلب آمرزش و مغفرت نماید.

63 قَالَ ﷺ: لَا تُتَوُّوا التُّرَابَ خَلْفَ الْبَابِ، فَإِنَّهُ مَاءُ وَى الشَّيْطَانِ. (87)

فرمود: خاکرو به ها را پشت درها، و گوشه و کنار ساختمان جمع و رها نکنید، چونکه محلّ تجمّع و زادگاه شیاطین انواع میکروبها و آفات خواهد شد.

64 قال ﷺ: عَجِبْتُ لَابْنِ آدَمَ، أَوْلَاهُ نُطْفَةً، وَ آخِرُهُ جَيْفَةٌ، وَ هُوَ قَائِمٌ بَيْنَهُمَا وَعَاءٌ لِلْغَائِطِ، ثُمَّ يُتَكَبَّرُ. (88)

فرمود: تعجب دارم از کسی که اولش قطره ای آب ترش شده و عاقبتش لاشه ای گندیده خواهد بود و خود را ظرف فضولات قرار داده است، با اینحال تکبر و بزرگ منشی هم می نماید.

65 قال ﷺ: إِيَّاكُمْ وَ الدِّينَ، فَإِنَّهُ هَمٌّ بِاللَّيْلِ وَ ذُلٌّ بِالنَّهَارِ. (89)

فرمود: از گرفتن نسبه و قرض خود را برهانید، چونکه سبب غم و اندوه شبانه و ذلت و خواری در روز خواهد گشت.

66 قال ﷺ: إِنْ الْعَالَمَ الْكَاتِمَ عِلْمَهُ يُبْعَثُ أُمَّتُنْ أَهْلَ الْقِيَامَةِ، تَلْعَنُهُ كُلُّ دَابَّةٍ مِنْ دَوَابِّ الْأَرْضِ الصَّغَارِ. (90)

فرمود: آن عالم و دانشمندی که علم خود را در بیان حقایق برای دیگران کتمان کند، روز قیامت با بدترین بوها محشور می شود و مورد نفرت و نفرین تمام موجودات قرار می گیرد.

67 قال ﷺ: يَا كُمْيلُ، قُلِ الْحَقَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَوَادِدِ الْمُتَّقِينَ، وَاهْجُرِ الْفَاسِقِينَ، وَجَانِبِ الْمُنَافِقِينَ، وَلا تُصَاحِبِ الْخَائِنِينَ. (91)

فرمود: در هر حالتی حق را بگو و مدافع آن باش، دوستی و معاشرت با پرهیز گاران را ادامه ده، و از فاسقین و معصیت کاران کناره گیری کن، و از منافقان دوری و فرار کن، و با خیانتکاران همراهی و همنشینی منما.

68 قال ﷺ: فِي وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنِ ﷺ: سَلْ عَنِ الرَّفِيِّ قِ قَبْلَ الطَّرِيقِ، وَعَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ. (92)

ضمن سفارشی به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود:

پیش از آنکه به خواهی مسافرت بروی، رفیق مناسب راه را جویاباش، و پیش از آنکه منزلی را تهیه کنی همسایگان را بررسی کن که چگونه هستند.

69 قَالَ علیه السلام: إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ دَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ. (93)

فرمود: بالیدن و فخر کردن انسان به خودش، دلیل و نشانه کم عقلی او می باشد.

70 قَالَ علیه السلام: أَعْيُهَا النَّاسُ، إِيَّاكُمْ وَحُبُّ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَدَاعِي كُلِّ رَزِيَّةٍ. (94)

فرمود: ای گروه مردم، نسبت به محبت و علاقه به دنیا مواظب باشید، چون که علاقه و محبت به دنیا اساس هر خطا و انحرافی است، و دروازه هر بلا و گرفتاری است، و آورنده و نزدیک کننده هر فتنه و آشوبی است، و کشاننده هر مصیبت و مشکلی است.

71 قَالَ علیه السلام: السُّكْرُ أَرْبَعُ السُّكْرَاتِ: سُكْرُ الشَّرَابِ، وَسُكْرُ الْمَالِ، وَسُكْرُ النَّوْمِ، وَسُكْرُ الْمُلْكِ. (95)

فرمود: مستی در چهار چیز است: مستی از شراب (و خمر)، مستی مال و ثروت، مستی خواب، مستی ریاست و مقام.

72 قَالَ علیه السلام: أَلَلِّسَانُ سَبْعٌ إِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقْرًا. (96)

فرمود: زبان همچون درنده ای است که اگر آزاد باشد زخم و جراحت (سختی به جسم و ایمان) خواهد زد.

73 قَالَ علیه السلام: يَوْمُ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ. (97)

فرمود: روز داد خواهی مظلوم بر علیه ظالم سخت تر است از روزی که ظالم ستم بر مظلوم می کند.

74 قال ﷺ: فِي الْقُرْآنِ نَبَأُ مَا قَبْلِكُمْ، وَخَبْرُ مَا بَعْدِكُمْ، وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمُ. (98)
فرمود: قرآن احوال گذشتگان، و اخبار آینده را در بردارد، و شرح وظایف
شما را بیان کرده است.

75 قال ﷺ: نَزَلَ الْقُرْآنُ اِثْنًا ثَلَاثًا، ثَلَاثٌ فِينَا وَفِي عَدُوِّنَا، وَثَلَاثٌ سُنَنٌ وَاِمْثَالٌ،
وَثَلَاثٌ فَرَائِضٌ وَاِمْحَاكُمُ. (99)

فرمود: نزول قرآن بر سه قسمت است: یک قسمت آن درباره اهل بیت
عصمت و طهارت ﷺ و دشمنان و مخالفان ایشان، و قسمتی دیگر آن
اخلاقیات و ضرب المثلها، و قسمت سوم در بیان واجبات و احکام الهی می
باشد.

76 قال ﷺ: اِءْلُمُوْمِنُ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ، وَاَلْنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ. (100)
فرمود: مؤمن آن کسی است که خود را به جهت رفاه مردم در زحمت بیندازد
و دیگران از او در امنیت و آسایش باشند.

77 قال ﷺ: كَتَبَ اللّٰهُ الْجِهَادَ عَلٰى الرَّجَالِ وَاَلنِّسَاءِ، فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَذْلُ مَالِهِ
وَنَفْسِهِ حَتّٰى يُقْتَلَ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ، وَجِهَادُ الْمَرْثَةِ اِءْنُ تَصْبِرَ عَلٰى مَا تَرٰى مِنْ اِءْذٰى
زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ. (101)

فرمود: خداوند جهاد را بر مردان و زنان لازم دانسته است.
پس جهاد مرد آن است که از مال و جاننش بگذرد تا جائی که در راه خدا
کشته و شهید شود.

و جهاد زن آن است که در مقابل زحمات و صدمات شوهر و بر غیرت و
جوانمردی او صبر نماید.

78 قال ﷺ: فِي تَقَلُّبِ الْاُحْوَالِ عِلْمُ جَوَاهِرِ الرَّجَالِ. (102)

فرمود: در تغییر و دگرگونی حالات و حوادث، فطرت و حقیقت اشخاص شناخته می شود.

79 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ، وَغَدَا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ. (103)

فرمود: امروز زحمت و فعالیت بدون حساب است و فردای قیامت حساب و بررسی اعمال و دریافت پاداش است.

80 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ. (104)

فرمود: دوری و اجتناب کنید از معصیتهای الهی، حتی در پنهانی، پس به درستی که خداوند شاهد اعمال و نیات است و نیز او حاکم و قاضی و خواهد بود.

خلاصه حالات سوّمین معصوم حضرت فاطمه زهراء علیها السلام

ولادت با سعادت آن بانوی نمونه و مجلله بنابر مشهور: روز جمعه بیستم ماه جمادی الثانی، سال پنجم بعثت، سه سال پس از جریان معراج، در شهر مکه واقع شد و جهان ظلمانی را به نور مقدّس خود روشن نمود. چون آن حضرت به دنیا آمد چند نفر از زنان بهشتی با ظرفهایی از آب کوثر حضور یافته و او را غسل دادند.

پس از آن نوزاد لب به سخن گشود و اظهار داشت :

«اشهد ان لا اله الا الله، و انّ ابي رسول الله سيّد الانبياء، و انّ بعلی سيّد الاوصياء، و وُلدي سادة الا سباط»

سپس نام یکایک زنان حاضر را به زبان آورد و به هر یک سلام کرد.

نام : فاطمه، زهراء ⁽¹⁰⁵⁾ علیها السلام یوم ولدت و یوم تبعث حیّا - .

کنیه : اُمّ ابيها، اُمّ الائمه، اُمّ الحسنین و...

لقب : سيّدة نساء العالمين، بضعة الرسول، بتول، صديقة، راضية، مرضية، مباركة، طاهرة، مطهّرة، عذراء، زكيّة، محدّثة، صفيّة، سيّدة، عابدة، مظلومة، حكيمه، حلیمه، تقية، حبيبه، كاظمة، رثوؤفة و...

و هر یک از لقبها اشاره به بعضی از کمالات و صفات حسنه مخصوص آن حضرت خواهد بود.

پدر: حضرت محمد پیامبر عظیم القدر اسلام صلی الله علیه و آله.

مادر: خدیجه دختر خویلد، اولین زنی که ایمان آورد و همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز جماعت خواند.

و تمام ثروت خود را که یکی از ثروتمندان مهمّ بوده است برای ترویج اسلام در اختیار همسرش حضرت رسول قرار داد.

خادمه آن حضرت فضّه بود که خود دارای فضائل و مناقبی است از آنجمله اینکه حافظ تمام قرآن بود.

نقش انگشتر حضرت : «ءَمِنَ الْمُتَوَسِّلُونَ» بوده است.

حضرت زهراء علیها السلام کوچکترین فرزند خانواده خود و تنها یادگار برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود.

آن حضرت بسیار مورد احترام خاص پدرش رسول گرامی اسلام قرار می گرفت و حتی بارها هنگام ورود فاطمه زهراء، حضرت رسول جلوی پایش بلند می شد و پیشانی او را می بوسید و می فرمود:

فاطمه از من است و من از اویم، پدرش فدایش باد، هر که فاطمه را خوشحال نماید مرا خوشحال کرده، و هر که او را ناراحت نماید مرا ناراحت کرده است و...

در بسیاری از روایات آمده است بر اینکه حضرت زهراء علیها السلام، در طول مدت عمر پر برکت خود، هیچ موقع خون حیض و خون نفاس مشاهده ننمود. و بر خلاف دیگر زنها همیشه پاک و پاکیزه بود و به همین جهت آن حضرت را طاهره و مطهره گفته اند.

در مورد زمان ازدواج حضرت زهراء علیها السلام اختلاف است :

مشهور آن است که در سنین ده سالگی به ازدواج امیرالمؤمنین علی علیه السلام در آمد.

و در ماه مبارک رمضان نامزدی و خطبه نکاح واقع شد.

و در ماه ذی الحجّه عروسی انجام گرفت.

در سنین هشت سالگی از مکه معظمه به سوی مدینه منوره مهاجرت نمود.

در مدّت عمر آن حضرت بین تاریخ نویسان و راویان حدیث اختلاف است ولی مشهور بین 18 تا 25 سال گفته اند.

همچنین در اینکه چند روز پس از شهادت پدر باقی بود، در کتابهای تاریخ و حدیث ما بین چهل روز تا شش ماه آمده است.

و معروف بین 75 روز و یا 95 روز می باشد.

و مشهور سیزدهم جمادی الاوّلی و یا سوّم جمادی الثّانی، سال دهم هجری قمری را گفته اند. (106)

علّت رحلت و شهادت آن مظلومه تاریخ، مصیبتها و شکنجه های دردناکی بوده است که پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ از سوی افراد معلوم الحال بر آن حضرت وارد آمدند و تاریخ آنها را ثبت نموده است.

به طوریکه حضرت را پس از پدرش خندان و شادمان ندیدند بلکه مرتّب گریان و ناراحت بود تا مرحله ای که یکی از چهار گریه کننده گان عالم به حساب آمده است.

در اسلام، آن حضرت اوّلین کسی بود که برایش توسط اءسماء بنت عمیس با تقاضای خود حضرت، تابوت ساخته شد، برای آنکه حتی پس از وفاتش حجم بدن مقدّسش مورد دید افراد قرار نگیرد.

مراسم غسل و کفن و دفن، همچنین نماز بر حضرت توسط همسرش امام علیّؑ و بعضی از نزدیکان خاصّ، (شبانہ) انجام گرفت.

و محلّ قبر آن حضرت تا هنگام ظهور امام زمان عجلّ الله تعالی فرجه الشریف مخفی و پنهان بوده و می باشد.

حضرت دارای سه فرزند پسر بنامهای: حسن، حسین، محسن و دو دختر بنامهای: زینب، امّ کلثوم بوده است.

نماز آن حضرت : دو رکعت است، در رکعت اول پس از قرائت سوره حمد، صد مرتبه سوره قدر، و در رکعت دوّم صد مرتبه سوره توحید خوانده می شود. و پس از سلام نماز تسبیح حضرت و سپس صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آتش ﷺ فرستاده می شود. بعد از آن حوایج و خواسته های مشروع خود را از درگاه خداوند متعال در خواست می نماید. (107)

چهل حدیث گهربار از حضرت فاطمه زهراء علیها السلام

81 قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ علیها السلام :

نَحْنُ وَسَيْلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَنَحْنُ خَاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَنَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ،
وَ نَحْنُ وَرَثَةُ اَنْبِيَاءِ اِئْتِهِ. (108)

فرمود: ما اهل بیت پیامبر وسیله ارتباط خداوند با خلق او هستیم، ما برگزیدگان پاک و مقدس پروردگار می باشیم، ما حجت و راهنما خواهیم بود و ما وارثان پیامبران الهی هستیم.

82 قَالَتْ علیها السلام : وَهُوَ اِلَا مَامُ الرَّبَّانِي، وَالْهَيْكَلُ التُّورَانِي، قُطْبُ الْاَقْطَابِ،
وَسَلَالَةُ الْاَطْيَابِ، النَّاطِقُ بِالصَّوَابِ، نَقْطَةُ دَائِرَةِ الْاِمَامَةِ. (109)

در تعریف امام علی علیه السلام فرمود: او پیشوائی الهی و ربّانی است، تجسم نور و روشنائی است، مرکز توجه تمامی موجودات و عارفان است، فرزندی پاک از خانواده پاکان می باشد، گوینده ای حَقّگو و هدایتگر است، او مرکز و محور امامت و رهبریّت است.

83 قَالَتْ علیها السلام : اَبَوَا هَذِهِ الْاُمَّةِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ، يُقِيمَانِ اِءْوَدَهُمْ، وَ يُنْقِذَانِ مِنْ
الْعَذَابِ الدَّائِمِ اِنْ اءَطَاعُوهُمَا، وَ يُبِيحَانِهِمُ النَّعِيمَ الدَّائِمَ اِنْ وَاَقَفُوهُمَا. (110)

فرمود: حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، والدین این امت هستند، چنانچه از آن دو پیروی کنند آنها را از عذاب همیشگی نجات می دهند و از نعمت های وافر بهشتی بهره مندشان می سازند.

84 قَالَتْ علیها السلام : مَنْ اءْصَعَدَ اِلَى اللّٰهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، اءْهَبَطَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ
اِءْضَلَّ مَصْلِحَتِهِ. (111)

فرمود: هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحتها و برکات خود را برای او تقدیر می نماید.

85 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ، حَقُّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ
وَبَعْدَ مَوْتِهِ. (112)

فرمود: همانا حقیقت و واقعیت تمام سعادت‌ها و رستگاریها در دوستی علی
در زمان حیات و پس از رحلتش خواهد بود

86 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إلهي و سَيِّدِي، اءَسْأَلُكَ بِالَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ، وَبِكَاةٍ وَوَلَدِي فِي
مُفَارِقَتِي اءَنْ تَغْفِرَ لِعُصَاةِ شِيعَتِي، وَشِيعَةِ ذُرِّيَّتِي. (113)

فرمود: خداوندا، به حق اولیاء و مقربانی که آنها را برگزیده‌ای، و به گریه
فرزندانم پس از مرگ و جدائی من با ایشان، از تو می‌خواهم گناه خطاکاران
شیعیان و پیروان ما را به بخشی.

87 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ : شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ اءَهْلِ الْجَنَّةِ وَكُلُّ مُحِبِّينَا وَ مَوَالِي اَوْلِيَانِنَا وَ
مُعَادِي اءَعْدَائِنَا وَ الْمُسْلِمِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ، لَنَا. (114)

فرمود: شیعیان و پیروان ما، و همچنین دوستداران اولیاء ما و آنانکه دشمن
دشمنان ما باشند، نیز آنهاییکه با قلب و زبان تسلیم ما هستند بهترین افراد
بهشتیان خواهند بود.

88 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ يَأْتِنَ الْخَطَّابِ لَوْ لَأِ اِنِّي اءَكْرَهُ اءَنْ يُصِيبَ اَلْبَلَاءُ مَنْ
لَا ذَنْبَ لَهُ، لَعَلِمْتَ اءَنْنِي سَاءُ قَسِمٌ عَلَيَّ اَللَّهُ ثُمَّ اءَجِدُهُ سَرِيعُ الْاَجَابَةِ. (115)

خطاب به عمر بن خطاب فرمود:

سوگند به خداوند، اگر نمی‌ترسیدم که عذاب الهی بر بی‌گناهان نیز نازل
گردد، متوجه می‌شدی که خدا را قسم می‌دادم و نفرین می‌کردم.
و می‌دیدید چگونه دعایم سریع مستجاب می‌گردید.

89 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ، لَأَكَلِمْتُكَ اءَبَدًا، وَاللَّهِ لَا دَعْوَانَ اَللَّهِ عَلَيْكَ فِي كُلِّ
صَلَاةٍ. (116)

پس از ماجرای هجوم به خانه حضرت، خطاب به ابوبکر کرد و فرمود:
به خدا سوگند، دیگر با تو سخن نخواهم گفت، سوگند به خدا، در هر نمازی
تو را نفرین خواهم کرد.

90 قَالَتْ ﷺ: إِنِّي أَعْتَدُ لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ، أَعْنَكُمَا أَسْخَطْتُمَانِي، وَمَا رَضِيْتُمَانِي،
وَلَئِنْ لَقِيتُ النَّبِيَّ لَا شُكُوتَ لَكُمَا إِلَيْهِ. (117)

هنگامی که ابوبکر و عمر به ملاقات حضرت آمدند فرمود:
خدا و ملائکه را گواه می گیرم که شما مرا خشمناک کرده و آزرده اید، و مرا
راضی نکردید، و چنانچه رسول خدا را ملاقات کنم شکایت شما دو نفر را
خواهم کرد.

91 قَالَتْ ﷺ: لَا تُصَلِّيْ عَلَيَّ أُمَّةٌ نَقَضَتْ عَهْدَ اللَّهِ وَعَهْدَ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ فِي
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ، وَظَلَمُوا لِي حَقِّي، وَأَخَذُوا إِرْثِي، وَخَرَقُوا صَحِيفَتِي الَّتِي
كَتَبْتُهَا لِي أَبِي بِمُلْكِ فَدَكٍ. (118)

فرمود: افرادی که عهد خدا و پیامبر خدا را درباره امیرالمؤمنین علیؑ
شکستند، و در حق من ظلم کرده و ارثیه ام را گرفتند و نامه پدرم را نسبت به
فدک پاره کردند، نباید بر جنازه من نماز بگذارند.

92 قَالَتْ ﷺ: إِيَّاكُمْ عَنِّي، فَلَا عُذْرَ بَعْدَ غَدِيرِكُمْ، وَالْأَمْرُ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ، هَلْ
تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَحَدٍ عَدُوًّا. (119)

خطاب به مهاجرین و انصار کرد و فرمود:
از من دور شوید و مرا به حال خود رها کنید، با آن همه بی تفاوتی و سهل
انگاریهایتان، عذری برای شما باقی نمانده است.

آیا پدرم در روز غدیر خم برای کسی جای عذری باقی گذاشت ؟

93 قَالَتْ ﷺ: جَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ مِنَ الْكِبْرِ، وَالزَّكَاةَ تَرْكِيَةً لِلنَّفْسِ، وَنِمْاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصَّيَامَ تَنْبِيهاً لِأَخْلَاصِ، وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ (120)

فرمود: خداوند سبحان، ایمان و اعتقاد را برای طهارت از شرک و نجات از گمراهیها و شقاوتها قرار داد.

و نماز را برای خضوع و فروتنی و پاکی از هر نوع تکبر، مقرر نمود.

و زکات (و خمس) را برای تزکیه نفس و توسعه روزی تعیین نمود.

و روزه را برای استقامت و اخلاص در اراده، لازم دانست.

و حج را برای استحکام اساس شریعت و بناء دین اسلام واجب نمود.

94 قَالَتْ ﷺ: يَا أَبَا حَسَنِ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَهْدَ إِلَيَّ وَ حَدَّثَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لِحُوقًا بِهِ وَلَا بُدَّ مِنْهُ، فَاصْبِرْ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَارْضَ بِقَضَائِهِ. (121)

فرمود: ای ابا الحسن همسر، همانا رسول خدا با من عهد بست و اظهار

نمود: من اول کسی هستم از اهل بیتش که به او ملحق می شوم و چاره ای از

آن نیست، پس تو صبر نما و به قضا و مقدرات الهی خوشنود باش.

95 قَالَتْ ﷺ: مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ أَوْ عَلَيَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ، قُلْتُ

لَهَا: فِي حَيَاتِهِ وَ حَيَاتِكَ؟

قَالَتْ: نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنَا. (122)

فرمود: هر که بر پدرم رسول خدا و بر من به مدت سه روز سلام کند خداوند

بهشت را برای او واجب می گرداند، چه در زمان حیات و یا پس از مرگ ما

باشد.

96 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا صَنَعَ ابْنُ الْحَسَنِ إِلَّا مَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ، وَلَقَدْ صَنَعُوا مَا اللَّهُ حَسْبُهُمْ وَطَالِبُهُمْ. (123)

فرمود: آنچه را امام علیؑ نسبت به دفن رسول خدا و جریان بیعت انجام داد، وظیفه الهی او بوده است، و آنچه را دیگران انجام دادند خداوند آنها را محاسبه و مجازات می نماید.

97 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ : خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ. (124)

فرمود: بهترین چیز برای حفظ شخصیت زن آن است که مردی را نبیند و نیز مورد مشاهده مردان قرار نگیرد.

98 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَوْصِيكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ أَنْ لَا تَتَّسَانِي، وَ تَزُورَنِي بَعْدَ مَمَاتِي. (125)

ضمن وصیّتی به همسرش اظهار داشت: مرا پس از مرگم فراموش نکنی. و به زیارت و دیدار من بر سر قبرم بیائی.

99 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنِّي قَدِ اسْتَقْبَحْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ، إِنَّهُ يُطْرَحُ عَلَى الْمَرْئَةِ النَّوْبَ فَيَصِفُهَا لِمَنْ رَأَى، فَلَا تَحْمِلِينِي عَلَى سَرِيرٍ ظَاهِرٍ، أُسْتُرِينِي، سَتَرَكَ اللَّهُ مِنَ النَّارِ. (126)

در آخرین روزهای عمر پر برکتش ضمن وصیّتی به اسما فرمود: من بسیار زشت و زنده می دانم که جنازه زنان را پس از مرگ با انداختن پارچه ای روی بدنش تشییع می کنند.

و افرادی اندام و حجم بدن او را مشاهده کرده و برای دیگران تعریف می نمایند.

مرا بر تخت و بلانکاری که اطرافش پوشیده نیست و مانع مشاهده دیگران نباشد قرار مده بلکه مرا با پوشش کامل تشییع کن -، خداوند تو را از آتش جهنم مستور و محفوظ نماید.

100 قَالَتْ ﷺ: إِنَّ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي اءِرَاهُ، وَهُوَ يَشْمُ الرِّيحَ. (127)

مرد نابینائی وارد منزل شد و حضرت زهراء علیها السلام پنهان گشت، وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله علت آن را جویا شد؟

در پاسخ پدر اظهار داشت: اگر آن نابینا مرا نمی بیند، من او را می بینم، دیگر آنکه مرد حسّاس است و بوی زن را استشمام می کند.

101 قَالَتْ ﷺ: أ صَبَحْتُ وَاللَّهِ عَاتِقَةً لِدُنْيَاكُمْ، قَالِيَةً لِرِجَالِكُمْ. (128)

بعد از جریان غصب فدک و احتجاج حضرت، بعضی از زنان مهاجر و انصار به منزل حضرت آمدند و احوال وی را جویا شدند، حضرت در پاسخ فرمود: به خداوند سوگند، دنیا را آزاد کردم و هیچ علاقه ای به آن ندارم، همچنین امیدی به مردان شما نخواهم داشت.

102 قَالَتْ ﷺ: إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا اءَمَرْنَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ، قَاءَنْتَ مِنْ شِيَعَتِنَا، وَإِلَّا فَلَا. (129)

فرمود: اگر آنچه را که ما اهل بیت دستور داده ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده ایم خودداری نمائی، تو از شیعیان ما هستی وگرنه، خیر.

103 قَالَتْ ﷺ: حُبُّبَ إِيَّيَّيْ لِي مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللّٰهِ، وَالنَّظْرُ فِي وَجْهِ رَسُوْلِ اللّٰهِ، وَالْاِنْفَاقُ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ.

فرمود: سه چیز از دنیا برای من دوست داشتنی است: تلاوت قرآن، نگاه به صورت رسول خدا، انفاق و کمک به نیازمندان در راه خدا.

104 قَالَتْ ﷺ: اءُوصِيْكَ اَوَّلًا اءَنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدِي بِاِبْنَةِ اءُخْتِي اءِمَامَةَ، فَإِنَّهَا تَكُوْنُ لُوْءْدِي مِثْلِي، فَإِنَّ الرِّجَالَ لَأَبْدُ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ. (130)

در آخرین لحظات عمرش به همسر خود چنین سفارش نمود:

پس از من با دختر خواهرم امامه ازدواج نما، چونکه او نسبت به فرزندانم مانند خودم دلسوز و متدین است.

همانا مردان در هر حال نیازمند به زن می باشند.

105 قَالَتْ ﷺ: اءَلْزِمَ رَجُلَهَا، فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ اءَقْدَامِهَا. (131)

فرمود: همیشه در خدمت مادر و پای بند او باش، چون بهشت زیر پای مادران است.

106 قَالَتْ ﷺ: مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصْنُ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ. (132)

فرمود: روزه داری که زبان و گوش و چشم و دیگر اعضاء و جوارح خود را کنترل ننماید هیچ سودی از روزه خود نمی برد.

107 قَالَتْ ﷺ: اَلْبُشْرَى فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ، وَ بُشْرَى فِي وَجْهِ الْمُعَانِدِ يَقِي صَاحِبَهُ عَذَابَ النَّارِ. (133)

فرمود: تبسم و شادمانی در برابر مؤمن موجب دخول در بهشت خواهد گشت، و نتیجه تبسم در مقابل دشمنان و مخالفان سبب ایمنی از عذاب خواهد بود.

108 قَالَتْ ﷺ: لَا يَلُومَنَّ امْرَأٌ إِلَّا نَفْسَهُ، يَبِيتُ وَ فِي يَدِهِ رِيحٌ غَمْرٍ. (134)

فرمود: کسی که پس از خوردن غذا دستهای خود را نشوید دستهایش آلوده باشد، چنانچه ناراحتی برایش بوجود آید کسی جز خودش را سرزنش نکند.

109 قَالَتْ ﷺ: اصْعَدْ عَلَى السَّطْحِ، فَإِنْ رَأَيْتَ نِصْفَ عَيْنِ الشَّمْسِ قَدْ تَدَلَّى لِلْغُرُوبِ فَأَعْلَمْنِي حَتَّى أَدْعُو. (135)

روز جمعه نزدیک غروب آفتاب به غلام خود می فرمود: بالای پشت بام برو، هر موقع نصف خورشید غروب کرد مرا خبر کن تا برای خود و دیگران دعا کنم.

110 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا وَلَا يُبَالِي. (136)

فرمود: همانا خداوند متعال تمامی گناهان بندگان را می آمرزد و از کسی باکی نخواهد داشت.

111 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ. (137)

فرمود: اول باید در فکر مشکلات و آسایش همسایه و نزدیکان بود و سپس در فکر خویشتن بودن.

112 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ أَحَقُّ بِصَدْرِ دَابَّتِهِ، وَصَدْرِ فَرَّاشِهِ، وَالصَّلَاةِ فِي مَنْزِلِهِ إِلاَّ أَمَامَ يَجْتَمِعُ النَّاسُ عَلَيْهِ. (138)

فرمود: هر شخصی نسبت به مرکب سواری، و فرش منزل خود و برگزاری نماز در آن از دیگری در اولویت است مگر آنکه دیگری امام جماعت باشد و بخواهد نماز جماعت را اقامه نماید نباشد.

113 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا اِبْنَةَ، ذَكَرْتُ الْمَحْشَرَ وَوُقُوفَ النَّاسِ عُرَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاسْوَاءَ تَاهُ يَوْمَئِذٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (139)

اظهار داشت: ای پدر، من به یاد روز قیامت افتادم که مردم چگونه در پیشگاه خداوند با حالت برهنه خواهند ایستاد و فریاد رسی ندارد، جز اعمال و علاقه ایشان نسبت به اهل بیت عليهم السلام.

114 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا حُشِرَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، اءَشْفَعُ عَصَاةَ أُمَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. (140)

فرمود: هنگامی که در روز قیامت برانگیخته و محشور شوم، خطاکاران امت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را شفاعت می نمایم.

115 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَأَكْثِرْ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، وَالِدُّعَاءِ، فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَحْتَاجُ الْمَيِّتُ فِيهَا إِلَى أُنْسِ الْأَحْيَاءِ. (141)

ضمن وصیّتی به امام علیّ علیه السلام:

پس از آنکه مرا دفن کردی، برایم قرآن را بسیار تلاوت نما، و برایم دعا کن، چونکه میّت در چنان موقعیّتی بیش از هر چیز نیازمند به دعا و قرآن خواهد بود و بهترین مونس برایش می باشد.

116 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنِّي لَا سَتَحِي مِنْ إلهي أَمْ كَلَّفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ. (142)

خطاب به همسرش امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام کرد: من از خدای خود شرم دارم که از تو چیزی را در خواست نمایم و تو توان تهیه آنرا نداشته باشی.

117 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَابَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْ ابْنَ بِنْتٍ نَبِيَّهَا. (143)

فرمود: رستگار و سعادتمند نخواهند شد آن گروهی که فرزند پیامبر خود را به قتل رسانند.

118 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَالنَّهْيَ عَنْ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهَا عَنِ الرَّجْسِ، وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ، وَتَرْكَ السَّرْقَةِ إِجَابًا لِلْعَفَّةِ. (144)

فرمود: خداوند متعال منع و نهی از شرابخواری را جهت پاکی جامعه از زشتیها و جنایتها.

و دوری از تهمت‌ها و نسبت‌های ناروا را مانع از غضب و نفرین قرار داد.

و دزدی نکردن، موجب پاکی جامعه و پاکدامنی افراد می گردد.

119 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَحَرَّمَ [اللَّهِ] الشِّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَءَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَءَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ، وَنَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ، إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءِ. (145)

و خداوند سبحان شرک را (در امور مختلف) حرام گرداند تا آنکه همگان تن به ربوبیت او در دهند و به سعادت نائل آیند. پس آن طوری که شایسته است باید تقوای الهی داشته باشید و کاری کنید تا با اعتقاد به دین اسلام از دنیا بروید.

بنابراین باید اطاعت و پیروی کنید از خداوند متعال در آنچه شما را به آن دستور داده یا از آن نهی کرده است، زیرا که تنها علماء و دانشمندان (اهل معرفت) از خدای سبحان خوف و وحشت خواهند داشت.

120 قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءَمَا وَاللَّهِ لَوُتَرَكُوا الْحَقَّ عَلَىٰ اءِهْلِهِ وَاتَّبَعُوا عِتْرَةَ نَبِيِّهِ، لَمَّا اِخْتَلَفَ فِي اللّٰهِ اِثْنَانِ، وَلَوَرِثَهَا سَلْفٌ عَنْ سَلْفٍ، وَخَلْفٌ بَعْدَ خَلْفٍ حَتَّىٰ يَقُومَ قَائِمُنَا، التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (146)

فرمود: به خدا سوگند، اگر حق یعنی خلافت و امامت را به اهلش سپرده بودند. و از عترت و اهل بیت پیامبر صلوات الله عليهم پیروی و متابعت کرده بودند.

و حتی دو نفر هم با یکدیگر درباره خدا و دین اختلاف نمی کردند. و مقام خلافت و امامت توسط افراد شایسته یکی پس از دیگری منتقل می گردید و در نهایت تحویل قائم آل محمد عجل الله فرجه الشریف، و صلوات الله عليهم اجمعین می گردید که او از فرزندان حسین علیه السلام می باشد.

خلاصه حالات چهارمین معصوم دوّمین امام حضرت امام حسن مجتبی

علیه السلام

آن حضرت روز سه شنبه یا پنجشنبه، پانزدهم ماه رمضان، سال سوّم هجری (147) در شهر مدینه منوره دیده به جهان گشود.

نام: «حسن» (148)، در تورات «شَبْر» و در انجیل «طاب» می باشد صلوات
اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ، يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ اسْتُشْهِدَ وَيَوْمَ يُعْبَثُ حَيًّا.
کنیه: ابو محمّد و...

لقب: مجتبی، طیب، سیّد، ولیّ، تقیّ، حجّت، سبط، قائم، وزیر، اءمین و...
نقش انگشتر حضرت را «العِزَّةُ لِلّٰهِ» گفته اند.

دربان و پیش خدمت: دو نفر افتخار درباری حضرت را کسب کردند، یکی
به نام سفینه غلام رسول الله ﷺ، و دیگری به نام قیس بن عبد الرحمن بوده
است.

حضرت در حالتی به دنیا آمد که مادرش حضرت فاطمه زهراء علیها السلام دوازده
ساله بود (149).

پیغمبر اسلام ﷺ در هفتمین روز ولادت این نوزاد عزیز دو گوسفند عقیقه
نمود، و موی سرش را تراشید و هم و زن آن نقره به فقیر صدقه داد.
امام حسن مجتبی علیها السلام 25 مرتبه پیاده برای انجام مراسم حجّ و زیارت خانه
خدا، به مکه رفت.

و در دو مرحله تمامی ثروت و اموال خود را بین فقراء و تهیدستان تقسیم
نمود.

حضرت در تمام دوران عمر پربرکت خود مبارزات مختلفی بر علیه کفر و
ظلم و بیدادگری داشته است.

و در زمان زعامت و امامت خود موضع‌گرایی‌های گوناگونی را در برابر دستگاه حاکمه معاویه بنی امیه داشت.

ولیکن بیشتر دوستان و اصحاب دنیا پرست به آن حضرت خیانت کردند و برخورد منافقانه داشتند.

و در نهایت چون تنهاماند و از طرفی هسته اسلام در معرض خطر قرار گرفت، ناچار اقدام به صلح با معاویه نمود.

و طبق آنچه گفته اند: حدود شش ماه واندی پس از امامتش بین حضرت و معاویه صلح نامه ای به نفع اسلام و مسلمین امضاء گردید.

اولین روز امامت آن حضرت، جمعه 21 ماه رمضان، سال چهارم هجری (150) بوده است که مردم باحضرت بیعت کردند و حدود 10 سال امامتش بطول انجامید.

آن حضرت مدّت هفت سال و شش ماه در حیات جدّش، و حدود هشت سال همزمان بامادرش، و 37 سال در کنار پدرش زندگی نمود.

و سپس قریب 10 سال امامت و رهبریّت اسلام و مسلمانها را بر عهده داشت که شش ماه و پنج روز آن در دوران صلح بود.

و در مجموع مدّت عمر پربرکت آن حضرت را 47 تا 50 سال گفته اند.

حضرت مجتبی صلوات الله علیه، توسط همسرش جُعدہ دختر اُشعث بن قیس کندی، به دستور و تزویر معاویه مسموم گردید.

و چهل روز پس از آن یعنی روز پنجشنبه 28 ماه صفر مابین سال 50 تا 53 هجری به فیض شهادت نایل گردید.

امام حسن مجتبی علیه السلام هنگام وصیّت به برادرش امام حسین سلام الله علیه، اظهار داشت: مبادا در تشییع و تدفین جنازه ام خونی ریخته شود.

هنگامی که خواستند جسد مطهر آن امام مظلوم را کنار جدش رسول خدا ﷺ دفن کنند.

عده ای به سرکردگی عایشه، مسلحانه هجوم آوردند و از ورود جنازه به محوطه حرم حضرت رسول ﷺ جلوگیری نمودند و جنازه و تشییع کنندگان را تیر باران کردند.

بر اساس وصیت حضرت، به ناچار جنازه آن امام مظلوم را که چندین تیر به آن اصابت کرده بود، به سمت بقیع حرکت دادند و در آنجا دفن نمودند.

مرحوم سید محسن امین تعداد پانزده دختر و هشت پسر برای امام حسن مجتبیٰ علیهما السلام بیان نموده است، گرچه بعضی از محدثین و مؤرخین تمامی فرزندان آن حضرت را پانزده نفر دختر و پسر گفته اند.

نماز حضرت : دو رکعت است، در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، بیست و پنج مرتبه سوره توحید خوانده می شود (151).

و بعد از سلام نماز، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام.

پس از آن، خواسته ها و حوایج مشروعه خود را از درگاه خداوند متعال، درخواست نماید که انشاء الله برآورده خواهد شد.

چهل حدیث گهربار، از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

قالَ الا مامُ الحَسَنُ المُجْتَبی علیه الصلوة السَّلام :

121 مَنْ عَبَدَ اللَّهَ، عَبَدَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ (152)

فرمود: هر کسی که خداوند را عبادت و اطاعت کند، خدای متعال همه چیزها را مطیع او گرداند.

122 قَالَ اِمامُ عَلِيٍّ : وَنَحْنُ رِيحَانَتَا رَسُولِ اللَّهِ، وَسَيِّدَا شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ،

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ يَتَقَدَّمُ، أَوْ يُقَدِّمُ عَلَيْنَا أَحَدًا: (153)

به دنباله وصیّتش در حضور جمعی از اصحاب فرمود: وما دو نفر یعنی حضرت و برادرش امام حسین علیه السلام ریحانه رسول الله صلی الله علیه و آله و دو سرور جوانان اهل بهشت هستیم، پس خدا لعنت کند کسی را که بر ما پیشقدم باشد یا دیگری را بر ما مقدم دارد.

123 قَالَ عَلِيٍّ : وَ اِنْ حُبَّنَا لِيُسَاقِطُ الذُّنُوبَ مِنْ بَنِي آدَمَ، كَمَا يُسَاقِطُ الرِّيحُ

الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ (154)

فرمود: همانا محبت و دوستی با ما (اهلیت رسول الله صلی الله علیه و آله) سبب ریزش گناهان از نامه اعمال می شود، همانطوری که وزش باد برگ درختان را می ریزد.

124 قَالَ عَلِيٍّ : لَقَدْ فَارَقَكُمْ رَجُلٌ بِالْأَمْسِ لَمْ يَسْبِقْهُ الْاُ وُلُونِ، وَلَا يُدْرِكُهُ

اِءْلَآ خِرُونِ. (155)

پس از شهادت پدرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در جمع اصحاب فرمود: شخصی از میان شماها رفت که در گذشته مانند او نیامده است، و کسی در آینده نمی تواند هم تراز او قرار گیرد.

125 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ كَانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُجَابَةً، إِمَّا مُعَجَّلَةٌ وَإِمَّا مُؤَجَّلَةٌ (156)

فرمود: کسی که قرآن را با دقت قرائت نماید، در پایان آن اگر مصلحت باشد دعایش سریع مستجاب خواهد شد و اگر مصلحت نباشد در آینده مستجاب می گردد.

126 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ وَشِفَاءُ الصُّدُورِ. (157)

فرمود: همانا در این قرآن چراغهای هدایت به سوی نور و سعادت موجود است و این قرآن شفای دلها و سینه ها است.

127 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَلَّى، فَجَلَسَ فِي مُصَلَّاهِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ كَانَ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ. (158)

فرمود: هر که نماز صبح را به خواند و در جایگاه خود بنشیند تا خورشید طلوع کند، برایش پوششی از آتش خواهد بود.

128 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِضْمَارًا لِخَلْقِهِ، فَيَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرْضَاتِهِ، فَسَبِقَ قَوْمٌ فَفَازُوا، وَقَصُرُوا آخَرُونَ فَخَابُوا. (159)

فرمود: خداوند متعال ماه رمضان را برای بندگان خود وسیله و ابزاری قرار داد.

پس عده ای در آن ماه با اطاعت و عبادت به سعادت و خوشنودی الهی از یکدیگر سبقت خواهند گرفت و گروهی از روی بی توجهی و سهل انگاری خسارت و ضرر می نمایند.

129 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَدَامَ الْأَخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانِ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ، أَوْ خَأْمٌ مُسْتَفَادًا، وَعِلْمًا مُسْتَطَرَفًا، وَرَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، وَكَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى الْهُدَى، أَوْ تَرُدُّهُ عَنِ رَدَىءٍ، وَتَرَكَ الذُّنُوبَ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً. (160)

فرمود: هر کس جایگاه عبادات خود را در مسجد قرار دهد یکی از هشت فایده شاملش می‌گردد: برهان و نشانه‌ای برای معرفت -، دوست و برادری سودمند، دانش و اطلاعاتی جامع، رحمت و محبت عمومی، سخن و مطلبی که او را هدایتگر باشد، توفیق اجباری در ترک گناه به جهت شرم از مردم و یا به جهت ترس از عقاب.

130 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَكْثَرَ مُجَالِسَةَ الْعُلَمَاءِ أَطْلَقَ عِقَالَ لِسَانِهِ، وَفَتَقَ مَرَاتِقَ ذَهْنِهِ، وَسَرَّ مَا وَجَدَ مِنَ الزِّيَادَةِ فِي نَفْسِهِ، وَكَانَتْ لَهُ وَلايَةٌ لِمَا يَعْلَمُ، وَإِ فَادَةٌ لِمَا تَعْلَمُ. (161)

فرمود: هر که با علماء بسیار مجالست نماید، سخنش و بیانش در بیان حقایق آزاد و روشن خواهد شد، و ذهن و اندیشه‌اش باز و توسعه می‌یابد و بر معلوماتش افزوده می‌گردد و به سادگی می‌تواند دیگران را هدایت نماید.

131 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا حِفْظَهُ فَارْتَبُوا وَضَعُوهُ فِي بُيُوتِكُمْ. (162)

فرمود: علم و دانش را از هر طریقی فراگیرید، و چنانچه نتوانستید آنرا در حافظه خود نگه دارید، ثبت کنید و بنویسید و در منازل خود در جای مطمئن قرار دهید.

132 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ عَرَفَ حَبِّهٖ، وَمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا زَهَدَ فِيهَا. (163)

فرمود: هرکس خدا را بشناسد، (در عمل و گفتار) او را دوست دارد و کسی که دنیا را بشناسد آن را رها خواهد کرد.

133 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: هَلَكَ الْمَرْءُ فِي ثَلَاثٍ: الْكِبَرُ، وَالْحِرْصُ، وَالْحَسَدُ؛ فَالْكِبَرُ هَلَكَ الدِّينَ، وَبِهِ لُعِنَ إبْلِيسُ. وَالْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ، وَبِهِ خَرَجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ. وَالْحَسَدُ رَأْسُ السُّوءِ، وَمِنْهُ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ. (164)

هلاکت و نابودی دین و ایمان هر شخص در سه چیز است : تکبر، حرص، حسد.

تکبر سبب نابودی دین و ایمان شخص می باشد و به وسیله تکبر شیطان با آن همه عبادت ملعون گردید.

حرص و طمع دشمن شخصیت انسان است، همانطوری که حضرت آدم علیه السلام به وسیله آن از بهشت خارج شد.

حسد سبب همه خلافها و زشتیها است و به همان جهت قابیل برادر خود هابیل را به قتل رساند.

134 قَالَ علیه السلام : بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ اَرْبَعُ اَصَابِعٍ، مَا رَأَيْتَ بَعَيْنِكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَقَدْ تَسْمَعُ بِاُذُنَيْكَ بَاطِلًا كَثِيرًا. (165)

فرمود: بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است، آنچه را با چشم خود ببینی حق است و آنچه را شنیدی یا برایت نقل کردند چه بسا باطل باشد.

135 قَالَ علیه السلام : اءَلْعَارُ اءَهُونُ مِنَ النَّارِ. (166)

فرمود: سرزنش و ننگ شمردن مردم انسان را، آسانتر است از معصیت و گناهی که موجب آتش جهنم شود.

136 قَالَ علیه السلام : اِذَا لَقِيَ اءَحَدُكُمْ اءَخَاهُ فَلْ يُقَبِّلْ مَوْضِعَ النُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ. (167)

فرمود: وقتی انسان برادر مؤمن و دوست خود را ملاقات نمود، باید پیشانی و سجده گاه او را ببوسد.

137 قَالَ علیه السلام : اِنَّ اللّٰهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا، وَلَيْسَ بِتَارِكِكُمْ سُدًى، كَتَبَ اَجَالَكُمْ، وَقَسَمَ بَيْنَكُمْ مَعَايِشَكُمْ، لِيَعْرِفَ كُلُّ ذِي لُبٍّ مِّنْزِلَتَهُ، وَاَنَّ مَاقْدَرَ لَهُ اءَصَابُهُ، وَمَا صُرِفَ عَنْهُ فَلَنْ يُصِيبَهُ. (168)

فرمود: خداوند شما انسانها را بیهوده و بدون غرض نیافریده و شما را آزاد، رها نکرده است.

لحظات آخر عمر هر یک معین و ثبت می باشد، نیاز مندیها و روزی هرکس سهمیه بندی و تقسیم شده است تا آنکه موقعیت و منزلت شعور و درک اشخاص شناخته گردد.

138 قال عليه السلام: مَنْ لَبَسَ ثَوْبَ الشُّهْرَةِ، كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ (169).

فرمود: هرکس لباس شهرت وانگشت نما، از جهت رنگ، دوخت و... به پوشد، روز قیامت خداوند، او را لباس آتشین خواهد پوشاند.

139 سئل عليه السلام: عَنِ الْبُخْلِ؟ فَقَالَ: هُوَ أَعْنُ يَرَى الرَّجُلُ مَا أَعْنَفَقَهُ تَلْفًا، وَمَا

أَعْمَسَكَهُ شَرَفًا. (170)

از حضرت پیرامون بخل سؤال شد؟ در جواب فرمود:

معنای آن چنین است که انسان آنچه را به دیگری کمک و انفاق کند فکر نماید که از دست داده و تلف شده است. و آنچه را ذخیره کرده و نگه داشته است خیال کند برایش باقی می ماند و موجب شخصیت و شرافت او خواهد بود.

140 قال عليه السلام: تَرَكَ الزَّيْنَةَ، وَكَنَسُ الْفَنَاءِ، وَغَسَلَ الْأَنْاءَ مَجْلِبَةً لِلْغِنَاءِ: (171)

فرمود: انجام ندادن زنا، جاروب و نظافت کردن راهرو و درب منزل، و شستن ظروف سبب رفاه و بی نیازی می گردد.

141 قال عليه السلام: السِّيَاسَةُ أَعْنُ تَرَعَى حُقُوقَ اللَّهِ، وَحُقُوقَ الْأَحْيَاءِ، وَحُقُوقَ

الْأَمْوَاتِ. (172)

فرمود: مفهوم و معنای سیاست آن است که حقوق خداوند و حقوق موجودات زنده و حقوق مردگان را رعایت کنی.

142 قال ﷺ: ما تشاورَ قومٌ إلاَّ هُدُوا إلى رُشدِهِمْ. (173)

فرمود: هیچ گروهی در کارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... با یکدیگر مشورت نکرده اند مگر آنکه به رشد فکری و عملی و... رسیده اند.

143 قال ﷺ: الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَفِيهِ: اِلشُّكْرُ مَعَ النِّعْمَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ:

(174)

فرمود: آن خوبی که شرّ و آفتی در آن نباشد شکر در مقابل نعمتها و صبر و شکیبائی در برابر سختی ها است.

144 قال ﷺ: يَا بَنَ آدَمَ، لَمْ تَزَلْ فِي هَدَمِ عُمْرِكَ مُنْذُ سَقَطْتَ مِنْ بَطْنِ أُمَّكَ،

فَخُذْ مِمَّا فِي يَدَيْكَ لِمَا بَيْنَ يَدَيْكَ. (175)

فرمود: ای فرزند آدم از موقعی که به دنیا آمده ای در حال گذراندن عمرت هستی، پس از آنچه داری برای آینده ات (قبر و قیامت) ذخیره نما.

145 قال ﷺ: إِنْ مِنْ خَوْفِكَ حَتَّى تَبْلُغَ الْأَمْنَ، خَيْرٌ مِمَّنْ يُؤْمِنُكَ حَتَّى

تَلْتَقِيَ الْخَوْفَ. (176)

فرمود: همانا کسی تو را در برابر عیبها و کم بودها هشدار دهد تا آگاه و بیدار شوی، بهتر است از آن کسی که فقط تو را تعریف و تمجید کند تا بر عیبهایت افزوده گردد.

146 قال ﷺ: الْقَرِيبُ مِنْ قَرَبْتِهِ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ بَعْدَ نَسْبِهِ، وَالْبَعِيدُ مَنْ بَاعَدْتَهُ

الْمَوَدَّةُ وَإِنْ قَرُبُ نَسْبِهِ. (177)

فرمود: بهترین دوست نزدیک به انسان آن کسی است که در تمام حالات دلسوز و با محبّت باشد گرچه خویشاوندی نزدیک نداشته باشد.

و بیگانه ترین افراد کسی است که از محبّت و دلسوزی بعید باشد گرچه از

نزدیک ترین خویشاوندان باشد.

147 وَسئِلَ عَنِ الْمَرْوَةِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَحُّ الرَّجُلِ عَلَى دِينِهِ، وَإِصْلَاحُهُ مَالَهُ، وَقِيَامُهُ بِالْحُقُوقِ. (178)

از حضرت سلام الله عليه پيرامون مروت و جوانمردی سؤال شد، فرمود: جوانمرد کسی است که در نگهداری دین و عمل به آن تلاش نماید، در اصلاح اموال و ثروت خود همت گمارد، و در رعایت حقوق طبقات مختلف پا بر جا باشد.

148 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَجِبْتُ لِمَنْ يُفَكِّرُ فِي مَاءِ كَوْلِهِ كَيْفَ لَا يُفَكِّرُ فِي مَعْقُولِهِ، فَيَجْنِبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ، وَيُودِّعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ. (179)

فرمود: تعجب می کنم از کسی که در فکر خوراک و تغذیه جسم و بدن هست ولی درباره تغذیه معنوی روحی خود نمی اندیشد، پس از غذاهای فاسد شده و خراب دوری می کند.

و عقل و قلب و روح خود را کاری ندارد هر چه و هر مطلب و برنامه ای به هر شکل و نوعی باشد استفاده می کند.

149 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: غَسَلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ يُنْفِي الْفَقْرَ، وَبَعْدَهُ يُنْفِي الْهَمَّ. (180)

فرمود: شستن دستها قبل از طعام فقر و تنگدسی را می زداید و بعد از آن ناراحتی ها و آفات را از بین می برد.

150 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حُسْنُ السُّئَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. (181)

فرمود: کسی که عادت سؤال و حالت پرس و جو دارد مثل آن است که نصف علم ها را فرا گرفته باشد.

151 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْحِلْمَ زِينَةٌ، وَالْوَفَاءَ مَرْوَةٌ، وَالْعَجَلَةَ سَفَهٌ. (182)

فرمود: صبر و شکیبائی زینت شخص، وفای به عهد علامت جوانمردی، و عجله و شتابزدگی (در کارها بدون اندیشه) دلیل بی خردی می باشد.

152 قال عليه السلام: مَنْ اسْتَخَفَّ بِإِخْوَانِهِ فَسَدَّتْ مَرْوَتُهُ. (183)

فرمود: کسی که دوستان و برادرانش را سبک شمارد و نسبت به آنها بی اعتناء باشد، مروّت و جوانمردیش فاسد گشته است.

153 قال عليه السلام: إِنْ نَمَّا يَجْزَى الْعِبَادُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. (184)

فرمود: همانا در روز قیامت بندگان به مقدار عقل و درک و شعورشان مجازات می شوند.

154 قال عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الْمَالِ، وَالذِّينُ لَعِبُّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يُحِيطُونَهُ مَادَرَتْ بِهِ مَعَايِشُهُمْ، فَإِذَا مُحِّصٌ لِلْأَبْتِلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ. (185)

فرمود: همانا مردم اسیر و بنده دنیا و اموال آن هستند، و دین را وسیله رسیدن به اهداف خود قرار داده اند و به هر نوعی که زندگی آنها تاءمین شود حرکت می کنند. بنابر این هنگامی که در بوته آزمایش درآیند، دینداران اندک خواهند شد.

155 قال عليه السلام: أَلْمِزَاحُ يَأْكُلُ الْهَيْبَةَ، وَقَدْ أَكْثَرَ مِنَ الْهَيْبَةِ الصَّامِتُ : (186)

فرمود: مزاح و شوخی های زیاد و بیجا شخصیت و وقار انسان را از بین می برد، و چه بسا افراد ساکت دارای شخصیت و وقار عظیمی باشند.

156 قال عليه السلام: أَلِلُّوْهُمُ أِنْ لَا تَشْكُرِ النُّعْمَةَ. (187)

فرمود: از علائم پستی شخص، شکر نکردن از ولی نعمت است.

157 قال عليه السلام: لَقَضَاءُ حَاجَةِ أَخِي لِي فِي اللَّهِ أَحَبُّ مِنِّي إِعْتِكَافٍ شَهْرٍ. (188)

فرمود: هر آینه برآوردن حاجت و رفع مشکل برادرم، از یک ماه اعتکاف، در مسجد و عبادت مستحبی نزد من بهتر و محبوبتر است.

158 قال عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ، وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ، وَفِي

الشُّبُهَاتِ عِتَابٌ، فَأَنْزَلَ الدُّنْيَا بِمَنْزَلَةِ الْمَيْتَةِ، خُذْمِنَهَا مَا يَكْفِيكَ. (189)

فرمود: چیزهای دنیا اگر حلال باشد حساب و بررسی می شود و اگر از حرام به دست آید عذاب و عقاب دارد و اگر حلال و حرام آن معلوم نباشد سختی و ناراحتی خواهد داشت.

پس باید دنیا (و موجوداتش) را همچون میته و مرداری به شناسی که به مقدار نیاز و اضطرار از آن استفاده کنی.

159 قال عَلِيٌّ: **وَاعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.** (190)

فرمود: در دنیا چنان برنامه ریزی کن از نظر اقتصاد و صرفه جوئی و... مثل آنکه می خواهی همیشه دوام داشته باشی، و نسبت به آخرت به نوعی حرکت و کار کن مثل اینکه فردا خواهی مُرد.

160 قال عَلِيٌّ: **أَكْبَسُ الْكَيْسِ التُّقَى، وَأَحْمَقُ الْحُمَقِ الْفُجُورَ، الْكَرِيمُ هُوَ التَّبَرُّعُ قَبْلَ السُّؤَالِ.** (191)

فرمود: زیرکترین و هوشیارترین افراد، شخص با تقوا و پرهیزکار می باشد. اءحمق و نادان ترین افراد، کسی است که تبه کار و اهل معصیت باشد. گرامی ترین افراد و با شخصیت، آن کسی است که به نیازمندان پیش اظهار نیاز، کمک نماید.

خلاصه حالات پنجمین معصوم سوّمین امام ابا عبدالله الحسین علیه السلام

آن حضرت روز پنجشنبه یا سه شنبه و بنابر مشهور سوّم شعبان، سال چهارم هجری ⁽¹⁹²⁾ سالی که در آن جنگ خندق واقع شد در شهر مدینه منوره دیده به جهان گشود.

ولادت آن حضرت ده ماه و بیست روز بعد از برادرش امام حسن مجتبی علیه السلام رخ داد و شش ماهه به دنیا آمد. ⁽¹⁹³⁾

نام: حسین (صلوات الله و سلامه علیه). ⁽¹⁹⁴⁾

کنیه: ابو عبدالله، ابوعلی، ابوالشهداء، ابوالا حرار، ابوالضیم و...
لقاب: سید، مظلوم، رشید، عطشان، طیب، وفی، زکی، مبارک، قتیل، شهید، سبط، سعید و...

پدر: امام علی بن ابی طالب، امیرالمؤمنین (صلوات الله و سلامه علیه).

مادر: فاطمه زهراء علیها السلام.

نقش انگشتر: (ان الله بالغ امره)، (لا اله الا الله عدّة للقاء الله) بوده است.

آن حضرت مدت شش سال و چند ماه در حیات جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله، هفت سال و چند ماه در حیات مادرش فاطمه زهراء علیها السلام، 37 سال در حیات پدرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چهل و هفت سال همزمان با برادرش امام حسن مجتبی علیه السلام زندگی و عمر خود را سپری نمود و جمعا عمر با برکت آن حضرت را بین 57 تا 58 سال گفته اند.

فرزندان حضرت طبق مشهور هفت فرزند پسر و دختر بوده است.

امامت: حضرت در سن 47 سالگی پس از شهادت برادرش امام حسن

مجتبی علیه السلام، روز جمعه، 28 ماه صفر، سال پنجاهم هجری قمری ⁽¹⁹⁵⁾ به منصب امامت نائل آمد

و حدود یازده سال در زمان حکومت معاویه و فرزندش یزید امامت و رهبریّت جامعه اسلامی را به عهده داشت.

حضرت شب یکشنبه، 28 رجب، سال 60 هجری از مدینه به سمت مکه خارج شد و جمعه سوّم شعبان همان سال وارد مکه گردید.

و چون عده ای به سرکردگی عمرو بن سعید از طرف یزید به قصد آشوب و کشتار و پایمال نمودن خون حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام وارد مکه شده بودند، به ناچار حضرت روز هشتم ذی الحجّه روز ترویبه پس از انجام سعی بین صفا و مروه که روز سه شنبه باشد به سوی عراق حرکت نمود.

و روز چهارشنبه یا پنجشنبه دوّم محرّم الحرام، سال 61 قمری ⁽¹⁹⁶⁾ وارد سرزمین کربلای پر بلا گردید.

کیفیت شهادت : به دستور یزید بن معاویه و لشکرکشی عبیدالله بن زیاد و فرماندهی عمر بن سعد توسط شمر بن ذی الجوشن و خولی بن یزید و سنان بن انس لعنة الله عليهم اجمعين با وضعیتی فجیع و دلخراش در حال تشنگی و غربت به قتل و شهادت رسید.

زمان شهادت : روز عاشورای محرّم الحرام سال 61 قمری بعد از نماز عصر واقع گردید.

محلّ دفن : در کربلا، ضلع غربی فرات، در قتلگاه، توسط امام سجّاد علیه السلام و یاری بنی اسد بدون غسل و کفن دفن گردید.

ثواب زیارت : از حضرت صادق جعفر بن محمد علیه السلام (علیه السلام) وارد شده است : هر کس حسین علیه السلام را با معرفت زیارت کند خداوند ثواب هزار حجّ مقبول و نیز هزار عمره مقبوله در نامه اعمالش ثبت می نماید و گناهانش بخشیده می شود ⁽¹⁹⁷⁾ غیر از حقّالنّاس و....

نماز آن حضرت : دو رکعت است، در هر رکعت پس از سوره حمد، بیست و پنج مرتبه سوره توحید خوانده می شود.

و بعد از سلام نماز، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و پس از آن تقاضا و درخواست حوایج مشروعه از درگاه خداوند متعال که انشاءالله برآورده خواهد شد.

چهل حدیث گهربار، از سالار شهیدان ابوعبدالله الحسین علیه السلام

قال الأمام أبو عبد الله الحسين، صلوات الله وسلامه عليه :

161 إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَعْرَارِ، وَهِيَ أَعْضَلُ الْعِبَادَةِ. (198)

فرمود: همانا، عده ای خداوند متعال را جهت طمع و آرزوی بهشت عبادت می کنند که آن یک معامله و تجارت خواهد بود.

و عده ای دیگر از روی ترس خداوند را عبادت و ستایش می کنند که همانند عبادت و اطاعت نوکر از ارباب باشد.

و طائفه ای هم به عنوان شکر و سپاس از روی معرفت، خداوند متعال را عبادت و ستایش می نمایند.

و این نوع عبادت آزادگان است که بهترین عبادات خواهد بود.

162 قَالَ عليه السلام: إِنَّ أَعْجُودَ النَّاسِ مَنْ أَعْطِيَ مَنْ لَا يَرْجُوهُ، وَإِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَى عَنْ قُدْرَةٍ، وَإِنَّ أَوْضَلَ النَّاسِ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ. (199)

فرمود: همانا سخاوتمندترین مردم آن کسی است که کمک نماید به کسی که امیدی به وی نداشته است.

و بخشنده ترین افراد آن شخصی است که نسبت به ظلم دیگری با آنکه توان انتقام دارد گذشت نماید.

صله کننده ترین مردم و دید و بازدید کننده نسبت به خویشان آن کسی است که صله نماید با کسی که با او قطع رابطه کرده است.

163 قِيلَ: مَا الْفُضْلُ؟ قَالَ عَلَيْهَا سَلَامٌ: مُلْكُ اللِّسَانِ، وَبَدْلُ الْأَحْسَانِ، قِيلَ: فَمَا النَّقْصُ؟ قَالَ: التَّكْلُفُ لِمَا لَا يُعْنِيكَ. (200)

از حضرت سؤال شد کرامت و فضیلت در چیست؟ در پاسخ فرمود: کنترل و در اختیار داشتن زبان و سخاوت داشتن، سؤال شد نقص انسان در چیست؟ فرمود: خود را وا داشتن بر آنچه که مفید و سودمند نباشد.

164 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا، وَالدِّينُ لِعَبِّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يَحُوطُونَ مَا دَارَتْ بِهِ مَعَائِشُهُمْ، فَإِذَا مُحِصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ. (201)

فرمود: افراد جامعه بنده و تابع دنیا هستند، و مذهب بازیچه زبانشان گردیده است و برای امرار معاش خود، دین را محور قرار داده اند و سنگ اسلام بسینه می زنند.

پس اگر بلائی همانند خطر مقام و ریاست، جان، مال، فرزند، موقعیت، ... انسان را تهدید کند خواهی دید که دینداران واقعی کمیاب خواهند شد.

165 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُسِيءُ وَلَا يَعْتَذِرُ، وَالْمُنَافِقُ كُلَّ يَوْمٍ يُسِيءُ وَيَعْتَذِرُ. (202)

ضمن فرمایشی فرمود: همانا شخص مؤمن خلاف و کار زشت انجام نمی دهد و عذرخواهی هم نمی کند.

ولی فرد منافق هر روز مرتکب خلاف و کارهای زشت می گردد و همیشه عذرخواهی می نماید.

166 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِعْمَلْ عَمَلًا رَجُلٌ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَاءٌ خُودٌ بِالْأَجْرَامِ، مُجْزِيٌّ بِالْإِحْسَانِ. (203)

فرمود: کارها و امور خود را همانند کسی تنظیم کن و انجام ده که می داند و مطمئن است که در صورت خلاف تحت تعقیب قرار می گیرد و مجازات خواهد شد.

و در صورتی که کارهایش صحیح باشد پاداش خواهد گرفت.

167 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عِبَادَ اللَّهِ لَا تَشْتَعِلُوا بِالْدُنْيَا، فَإِنَّ الْقَبْرَ يَبْتَالِعَمَلٍ، فَاعْمَلُوا وَلَا تَتَعَلُّوا. (204)

فرمود: ای بندگان خدا، خود را مشغول و سرگرم دنیا و تجملات آن قرار ندهید که همانا قبر خانه ای است که تنها عمل صالح - در آن مفید و نجات بخش می باشد، پس مواظب باشید که غفلت نکنید.

168 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَقُولَنَّ فِي إِخِيكَ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَوَارَى عَنْكَ إِلَّا مِثْلَ مَا تُحِبُّ إِذَنْ يَقُولَ فِيكَ إِذَا تَوَارَيْتَ عَنْهُ. (205)

فرمود: سخنی که ناراحت کننده باشد پشت سر دوست و برادر خود مگو، مگر آنکه دوست داشته باشی که همان سخن پشت سر خودت گفته شود.

169 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بَنِيَّ إِيَّاكَ وَظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ ناصِرًا إِلَّا اللَّهَ. (206)

فرمود: مواظب باش از ظلم و آزار رساندن نسبت به کسی که یآوری غیر از خداوند متعال ندارد.

170 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً، وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا. (207)

فرمود: به درستی که من از مرگ نمی هراسم و آن را جز سعادت نمی بینم. و همچنین زندگی با ستمگران و ظالمان را عار و ننگ می شناسم.

171 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا يُشْهَرُهُ كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ. (208)

فرمود: هر کس لباس شهرت و انگشت نما بپوشد، خداوند او را در روز قیامت لباسی از آتش خواهد پوشانید.

172 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكَ قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ. (209)

فرمود: من کشته شده دسیسه ها و عبرتها هستم، مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر آن که مورد عبرت و آگاهی قرار خواهد گرفت.

173 قال عليه السلام: لَوْ شَتَمَنِي رَجُلٌ فِي هَذِهِ الْأُذُنِ، وَءَوَّفَى إِلَى الْيُمْنَى، وَاعْتَذَرَ لِي فِي الْأُخْرَى لَقَبَلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ، وَ ذَلِكَ أَعَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنِي أَنَّهُ سَمِعَ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَا يَرِدُ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُحِقِّ أَوْ مُبْطِلٍ. (210)

فرمود: چنانچه با گوش خود بشنوم که شخصی مرا دشنام می دهد و سپس معذرت خواهی او را بفهمم، از او می پذیرم و گذشت می نمایم، چون که پدرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نمود: کسی که پوزش و عذرخواهی دیگران را نپذیرد، بر حوض کوثر وارد نخواهد شد.

174 قِيلَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام: مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا؟

قال: مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدَيْ مَنْ كَانَتْ. (211)

از حضرت سؤال شد: با شخصیت ترین افراد چه کسی است؟

در جواب فرمود: آن کسی است که نسبت به دنیا بی اهمیت باشد.

175 قال عليه السلام: مَنْ عَبْدَ اللَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ، آتَاهُ اللَّهُ فَوْقَ أَمَانِيهِ وَكَفَايَتِهِ. (212)

فرمود: هر کس خداوند متعال را با صداقت و خلوص، بطور حقیقت عبادت و پرستش نماید.

خدای متعال او را به بهترین آرزوهایش می رساند و امور زندگیش را تأمین می نماید.

176 قال عليه السلام: اخذروا كَثْرَةَ الْحَلْفِ، فَإِنَّهُ يَحْلِفُ الرَّجُلُ لِعَلِّ اءِرْبَعِ: إِمَّا

لِمَهَانَةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ، تَحْتُهُ عَلَى الضَّرَاعَةِ إِلَى تَصْدِيقِ النَّاسِ إِيَّاهُ. وَإِمَّا لِعَيٍّ فِي الْمَنْطِقِ، فَيَتَّخِذُ الْإِيمَانَ حَشْوًا وَصِلَةً لِكَلَامِهِ. وَإِمَّا لِتُهْمَةٍ عَرَفَهَا مِنَ النَّاسِ لَهُ، فَيَرَى أَنَّهُمْ لَا يَقْبَلُونَ قَوْلَهُ إِلَّا بِالْيَمِينِ. وَإِمَّا لِإِسَالِهِ لِسَانَهُ مِنْ غَيْرِ تَثْبِيتٍ. (213)

فرمود : خود را از قسم و سوگند برهانید که همانا انسان به جهت یکی از چهار علت سوگند یاد می کند :

در خود احساس سستی و کمبود دارد بطوری که مردم به او بی اعتماد شده اند، پس برای جلب توجه مردم که او را تصدیق و تاءیید کنند، سوگند می خورد.

و یا آنکه گفتارش معیوب و بدور از حقیقت است، و می خواهد با سوگند، سخن خود را تقویت و جبران کند.

و یا در بین مردم متهم است به دروغ و بی اعتمادی پس می خواهد با سوگند و قسم خوردن جبران ضعف نماید.

و یا آنکه سخنان و گفتارش متزلزل است هر زمان به نوعی سخن می گوید و زبانش به سوگند عادت کرده است.

177 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءِئِمَّا إِثْنَيْنِ جَرَى بَيْنَهُمَا كَلَامٌ، فَطَلِبَ اءِءَحَدُهُمَا رِضَى الْاٰخَرِ،
كَانَ سَابِقَهُ اِلَى الْجَنَّةِ. (214)

فرمود : چنانچه دو نفر با یکدیگر نزاع و اختلاف نمایند و یکی از آن دو نفر، در صلح و آشتی پیشقدم شود، همان شخص سبقت گیرنده جلوتر از دیگری به بهشت وارد می شود.

178 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاَعْلَمُوا اِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ اِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمِيلُوا النِّعَمَ فَتَحْوَلَ نِقْمًا. (215)

فرمود : توجه داشته باشید که احتیاج و مراجعه مردم به شما از نعمتهای الهی است، بنابراین سعی کنید که نعمتها پایمال و ضایع نگردد و مواظب باشید که نعمتها به نقمت و گرفتاری تبدیل نگردد.

179 قَالَ ﷺ: يَا بَنَ آدَمَ، اذْكُرْ مَضْرَعَكَ وَ مَضْجَعَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، تَشْهَدُ جَوَارِحُكَ عَلَيْكَ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ. (216)

فرمود: ای فرزند آدم، بیاد آور لحظات مرگ و خوابگاه خود را در قبر، همچنین بیاد آور که در پیشگاه خداوند قرار خواهی گرفت و اعضاء و جوارحت بر علیه تو شهادت خواهند داد، در آن روزی که قدمها لرزان و لغزان می باشد.

180 قَالَ ﷺ: مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدُّنْيَا شَرٌّ، وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْفِسْقِ رِيْبَةٌ. (217)

فرمود: همنشینی با اشخاص پست و رذل سبب شرّ خواهد گشت، و نیز همنشینی و مجالست با معصیت کاران موجب شکّ و بدبینی خواهد شد.

181 قَالَ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْبَلَاءِ، وَ خَلَقَ أَهْلَهَا لِلْفَنَاءِ. (218)

فرمود: بدرستی که خداوند متعال دنیا و اموال آن را برای آزمایش افراد آفریده است.

و همچنین موجودات دنیا را جهت فناء و انتقال از این دنیا به جهانی دیگر آفریده است.

182 قَالَ ﷺ: لَا يَأْمَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ قَدْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا. (219)

فرمود: کسی در روز قیامت از شدائد و احوال آن در امان نمی باشد، مگر آنکه در دنیا از خداوند متعال ترس داشته باشد و اهل گناه و معصیت نگردد.

183 قَالَ ﷺ: لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ، وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ إِلَّا السِّغْفَارُ. (220)

فرمود: برای هر غم و دردی درمان و دوائی است و جبران و درمان گناه، طلب مغفرت و آمرزش از درگاه خداوند می باشد.

184 قَالَ ﷺ: مَنْ قَرَأَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي صَلَاتِهِ قَائِمًا، يُكْتَبُ لَهُ

بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةَ حَسَنَةٍ. (221)

فرمود : هر کس آیه ای از قرآن را در نمازش تلاوت نماید، خداوند متعال در مقابل هر حرفی از آن یکصد حسنه در نامه اعمالش ثبت می نماید.

185 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَبْعَةُ أَمْثَالِ لَمْ تُخْلَقْ فِي رَحِمٍ : فَأَوْلَاهَا آدَمُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، ثُمَّ حَوَاءُ، وَالْغُرَابُ، وَكَبْشُ إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَنَاقَةُ اللَّهِ، وَعَصَا مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَالطَّيْرُ الَّذِي خَلَقَهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ). (222)

ضمن جواب سؤالهای پادشاه روم، فرمود : آن هفت موجودی که بدون خلقت در رحم مادر، آفریده شده اند، عبارتند از :

حضرت آدم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و همسرش حواء.

و کلاغی که برای راهنمایی دفن هابیل آمد.

و گوسفندی که برای قربانی به جای حضرت اسماعیل آمد.

و شتری که خداوند برای پیامبرش حضرت صالح فرستاد.

و عصای حضرت موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ).

و هفتمین موجود آن پرنده ای بود که توسط حضرت عیسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) آفریده شد.

186 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ أَعْمَالَ هَذِهِ الْأُمَّةِ مَا مِنْ صَبَاحٍ إِلَّا وَتُعْرَضُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى. (223)

فرمود : همانا نامه کردار و اعمال این امت، در هر صبحگاه بر خداوند متعال عرضه خواهد شد.

187 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اجْتَنِبُوا الْغُشْيَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي تُرِيدُونَ فِيهَا السَّفَرَ، فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ، ثُمَّ رُزِقَ وَلَدًا كَانَ جَوَالَةً. (224)

فرمود: در آن شبی که قصد مسافرت دارید، با همسر خود زناشوئی نکنید، که چنانچه عمل زناشوئی انجام گردد و در آن زمان فرزندی منعقد شود، بسیار متحرک و افکارش مغشوش می باشد.

188 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، لَمْ يَمْنَعُهُ مِنْهُ فَتْحُهُ، وَإِنَّ مَا بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ إِلَّا سُودٌ وَالْيَمَانِيُّ - مَلِكٌ يُدْعَى هُجَيْرٌ، يُؤْمِنُ عَلَى دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ. (225)

فرمود: رکن یمانی کعبه الهی دربی از دربهای بهشت است و ما بین رکن یمانی و حجرالاسود ملک و فرشته ای است که برای استجابت دعای مؤمنین آمین می گوید.

189 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ الْغِنَى وَالْعِزَّ خَرَجَا يَجُولَانِ، فَلَقِيَ التَّوَكُّلَ فَاسْتَوْطَنَا. (226)

فرمود: عزت و بی نیازی هر دو شتاب زده به دنبال پناهگاهی می دویدند، چون به توکل برخورد کردند، آرامش پیدا نموده و آن را پناهگاه خود قرار دادند.

190 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ نَفَسَ كُرْبَةً مُؤْمِنٍ، فَرَجَّ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (227)

فرمود: هر کس گره ای از مشکلات مؤمنی باز کند و مشککش را برطرف نماید.

خداوند متعال مشکلات دنیا و آخرت او را اصلاح می نماید.

191 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ وَالَانَا فَلِجَدِّي ﷺ وَالِيٌّ، وَمَنْ عَادَانَا فَلِجَدِّي ﷺ عَادِيٌّ. (228)

عادی.

فرمود: هر که ما را دوست بدارد و پیرو ما باشد، پس دوستی و محبتش به جهت جدّم رسول خدا ﷺ می باشد.

و هر کس با ما دشمن و کینه توز باشد، پس دشمنی و مخالفت او به جهت جدّم رسول خدا خواهد بود.

192 قَالَ ﷺ: يَا بَنَ آدَمَ، اذْكُرْ مَصَارِعَ آبَائِكَ وَ اَبْنَائِكَ، كَيْفَ كَانُوا، وَ حَيْثُ حَلُّوا، وَ كَاءَنَّكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ حَلَلْتَ مَحَلَّهُمْ. (229)

فرمود: ای فرزند آدم، بیادآور آن لحظاتی را که پدران و فرزندان و دوستان تو چگونه در چنگال مرگ قرار گرفتند، آنها در چه وضعیتی و موقعیتی بودند و سرانجام به کجا منتهی شدند و کجا رفتند.

و ببیندیش که تو نیز همانند آنها به ایشان خواهی پیوست پس مواظب اعمال و رفتار خود باش.

193 قَالَ ﷺ: يَا بَنَ آدَمَ، إِنَّمَا اءَنْتَ اءَيَّامٌ، كُلَّمَا مَضَى يَوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُكَ. (230)

فرمود: ای فرزند آدم، بدرستی که تو مجموعه ای از زمانها و روزگار هستی، هر آنچه از آن بگذرد، بعضی از تو فانی و سپری گشته است بنابر این لحظات عمرت را غنیمت شمار که جبران ناپذیر است.

194 قَالَ ﷺ: مَنْ حَاوَلَ أَمْراً بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتٌ لِمَا يَرْجُو وَ أَسْرَعُ لِمَجْبِيءٍ لِمَا يَحْذَرُ. (231)

فرمود: هر کس از روی نافرمانی و معصیت خداوند کاری را انجام دهد، آنچه را آرزو دارد سریعتر از دست می دهد و به آنچه هراسناک و بیمناک می باشد مبتلا می گردد.

195 قَالَ ﷺ: الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ نَجَاتٌ مِنَ النَّارِ وَ قَالَ: بُكَاءُ الْعِيُونِ وَ خَشْيَةُ الْقُلُوبِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ. (232)

فرمود: گریان بودن به جهت ترس از عذاب خداوند، سبب نجات از آتش دوزخ خواهد بود. و فرمود: گریان بودن چشم و خشیت داشتن دلها یکی از نشانه های رحمت الهی برای بنده است.

196 قَالَ ﷺ: لَا يَكْمِلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ. (233)

فرمود: بینش و عقل و درک انسان تکمیل نمی گردد مگر آن که اهل حق و صداقت باشد و از حقایق تبعیت و پیروی کند.

197 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اءَهْلَكَ النَّاسَ اِثْنَانِ: خَوْفُ الْفَقْرِ، وَ طَلْبُ الْفَخْرِ. (234)

فرمود: دو چیز مردم را هلاک و بیچاره گردانده است:

یکی ترس از این که مبادا در آینده فقیر و نیازمند دیگران گردند.

و دیگری فخر کردن در مسائل مختلف و مباحات بر دیگران است.

198 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَرَفَ حَقَّ اَبَوَيْهِ الْاَفْضَلَيْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ، وَ اَطَاعَهُمَا،

قِيلَ لَهُ: تَبَحَّحَ فِي اَيِّ الْجَنَانِ سَبْتًا. (235)

فرمود: هر شخصی که حق والدینش محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، و علی عَلِيٍّ را که با

شرافت و با فضیلت ترین انسانها هستند، بشناسد و در تمام امور زندگی از

ایشان تبعیت و اطاعت کند. در قیامت به او خطاب می شود:

هر قسمتی از بهشت را که خواستار باشی می توانی انتخاب کنی و در آن

وارد شوی.

199 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ طَلَبَ رِضَى اللّٰهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللّٰهُ اُمُورَ النَّاسِ، وَ مَنْ

طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللّٰهِ وَ كَلَّهُ اللّٰهُ اِلَى النَّاسِ. (236)

فرمود: هر کس رضایت و خوشنودی خداوند را در امور زندگی طلب

نماید گرچه همه افراد از او رنجیده شوند، خداوند مهمات و مشکلات او را

کفایت خواهد نمود.

و کسی که رضایت و خوشنودی مردم را طالب گردد گرچه مورد خشم و

غضب پروردگار باشد، خداوند امور این شخص را به مردم واگذار می کند.

200 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اِنَّ شَيْعَتَنَا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غَشٍّ وَ غَلٍّ وَ دَغَلٍ. (237)

فرمود : شیعیان و پیروان ما اهل بیت رسالت آن کسانی هستند که اءفكار و درون آنها از هر گونه حيله و نيرنگ و عوام فریبی سلامت و تهی باشد.

خلاصه حالات ششمین معصوم چهارمین امام زین العابدین علی بن الحسین

علیه السلام

آن حضرت روز جمعه یا پنجشنبه، 15 جمادی الثانی یا 23 شعبان، سال 36 یا 38 هجری (238)، در مدینه منوره تولد یافت.

نام: علی (239) صلوات الله وسلامه علیه.

کنیه: ابو الحسن، ابو محمد، ابو القاسم و...

لقب: سجّاد، زین العابدین، زین الصّالحین، مجتهد، سیّد العابدین، سیّد

السّاجدین، ذو الثّفنات، ابن الخیرتین، عابد، زاهد، خاشع، بکّاء، اءمین و...

نقش انگشتر: وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللّٰهِ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِيِّ، إِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ أَمْرِهِ، الْعِزَّةُ

لِلّٰهِ.

دربان: ابو خالد کابلی، ابو جبله، یحیی بن اءمّ طویل.

پدر: امام ابو عبد الله الحسین، سیّد الشهداء، علیه الصّلاة والسّلام.

مادر: معروف به شهر بانو، شاهزاده ایرانی، دختر یزدجرد آخرین پادشاه

فارس، که در زمان عمر به اسارت مسلمین درآمد و امام علی علیهما السلام از فروش او

مانع شد و فرمود:

او شریف زاده است آزادش بگذارید تا از مسلمین هر که را بخواهد با او

ازدواج نماید و مهریه اش از بیت المال پرداخت شود.

او با انتخاب خود حسین علیهما السلام را برگزید که پس از ازدواج با او، امام سجّاد

علیه السلام از او تولد یافت.

حضرت در صحرا و صحنه کربلاء حضور داشت و مصائب سخت و دلخراشی

را متحمّل شد، عمر آن حضرت را در آن لحظات بین 22 تا 24 سال گفته اند و

نسل شجره مبارکه بنی الزّهراء توسط امام سجّاد علیهما السلام تکثیر و منتشر گردید.

آن حضرت پس از شهادت پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام مبارزات گوناگونی علیه دستگاه بنی امیه داشت و به شیوه های مختلفی در فرصتهای مناسب، در هوشیاری بخشیدن جامعه نسبت به دستگاه ظالم لحظه ای سکوت و آرامش نداشت، از طریق سخنرانی، تشکیل جلسات دعا و مناجات، گریه و اظهار مظلومیت و تظلم، و...

آن حضرت یکی از چهار نفر گریه کننده عالم شمرده شده است که پس از جریان کربلاء مرتب در هر فرصت مناسبی بر مظلومیت پدرش امام حسین علیه السلام و یارانش و افشای جنایات دستگاه بنی امیه می گریست.

آن حضرت مدت دو سال و چند ماه در حیات جدش امام علی ع امیر المؤمنین علیه السلام، و حدود دوازده سال در حیات عمویش امام حسن مجتبی علیه السلام، و 23 یا 24 سال با پدرش امام حسین علیه السلام، و حدود 35 سال امامت و رهبری جامعه اسلامی را بر عهده داشت که جمعا عمر آن حضرت را حدود 58 سال گفته اند.

آن حضرت روز دهم محرم الحرام، سال 61 هجری پس از شهادت پدر بزرگوارش در سنین 23 یا 24 سالگی به منصب امامت نائل آمد و تا 12 یا 25 محرم سال 94 یا 95 هجری امامتش به طول انجامید که جمعا حدود 35 سال امامت و رهبری جامعه را بر عهده داشته است.

شهادت: روز شنبه، دوازدهم یا بیست و پنجم محرم، سال 94 یا 95 هجری قمری ⁽²⁴⁰⁾، به وسیله زهر توسط هشام بن عبد الملک مروان مسموم و به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

محل دفن: آن حضرت در قبرستان بقیع کنار عمویش امام حسن مجتبی علیه السلام دفن گردید.

تعداد فرزندان : مرحوم سیّد محسن امین تعداد پانزده پسر و چهار دختر برای حضرتش نام برده است.

خلفاء هم عصر آن حضرت : معاویة بن یزید، یزید بن معاویة، مروان بن حکم، عبد الملک بن مروان، ولید بن عبد الملک، هشام بن عبد الملک.

نماز آن حضرت : دو رکعت است، در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، صد مرتبه آیه الكرسی یا سوره توحید خوانده می شود.

و بعد از سلام نماز تسبیح حضرت و پس از آن تقاضا و درخواست حوایج مشروعه از خداوند منان. (241)

چهل حدیث گهربار، از امام زین العابدین علیه السلام

201 قال الامام علی بن الحسین، زین العابدین علیه السلام :

ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ كَانَ فِي كَنْفِ اللَّهِ، وَأَظْلَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ، وَأَمَّنَهُ مِنْ فِرَاقِ الْيَوْمِ الْأَكْبَرِ:

مَنْ أَعْطَى النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ مَا هُوَ سَائِلُهُمْ لِنَفْسِهِ، وَرَجُلٌ لَمْ يَقْدَمْ يَدَا وَرَجُلًا حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ قَدِمَهَا أَوْ فِي مَعْصِيَتِهِ، وَرَجُلٌ لَمْ يَعْبَأْ خَاهُ بِعَيْبٍ حَتَّى يَتْرُكَ ذَلِكَ الْعَيْبَ مِنْ نَفْسِهِ. (242)

فرمود: سه حالت و خصلت در هر یک از مؤمنین باشد در پناه خداوند خواهد بود و روز قیامت در سایه رحمت عرش الهی می باشد و از سختیها و شداید صحرای محشر در امان است.

اول آنکه در کارگشائی و کمک به نیازمندان و درخواست کنندگان دریغ ننماید.

دوم آنکه قبل از هر نوع حرکتی ببیندیشد که کاری را که می خواهد انجام دهد یا هر سخنی را که می خواهد بگوید آیا رضایت و خوشنودی خداوند در آنست یا مورد غضب و سخط او می باشد.

سوم قبل از عیب جوئی و بازگوئی عیب دیگران، سعی کند عیبهای خود را برطرف نماید.

202 قال علیه السلام : ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ : كَفُّ لِسَانِهِ عَنِ النَّاسِ وَاعْتِيَابِهِمْ، وَإِ

شْغَالُهُ نَفْسَهُ بِمَا يَنْفَعُهُ لِأَخْرَجَتْهُ وَدُنْيَاهُ، وَطُولُ الْبُكَاءِ عَلَى خَطِيئَتِهِ. (243)

فرمود: سه چیز موجب نجات انسان خواهد بود: بازداشت زبان از بدگوئی و غیبت مردم، خود را مشغول بکارهایی کردن که برای آخرت و دنیایش مفید باشد.

و همیشه بر خطاها و اشتباهات خود گریان و ناراحت باشد.

203 قال عليه السلام: اَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلٌ اِسْلَامُهُ، وَمَحَصَّتْ ذُنُوبُهُ، وَلَقِيَ رَبَّهُ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ: وَقَاءٌ لِلَّهِ بِمَا يَجْعَلُ عَلَى نَفْسِهِ لِلنَّاسِ، وَصِدْقٌ لِسَانِهِ مَعَ النَّاسِ، وَالْاِسْتِحْيَاءُ مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ النَّاسِ، وَحَسَنٌ خُلُقُهُ مَعَ اَهْلِهِ. (244)

فرمود: هر کس دارای چهار خصلت باشد، ایمانش کامل، گناهانش بخشوده خواهد بود، و در حالتی خداوند را ملاقات می کند که از او راضی و خوشنود است :

1 خصلت خود نگهداری و تقوای الهی به طوری که بتواند بدون توقع و چشم داشتی، نسبت به مردم خدمت نماید.

2 راستگوئی و صداقت نسبت به مردم در تمام موارد زندگی.

3 حیا و پاکدامنی نسبت به تمام زشتیهای شرعی و عرفی.

4 خوش اخلاق و خوش برخوردی با اهل و عیال خود.

204 قال عليه السلام: يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا دَامَ لَكَ وَاعِظٌ مِنْ نَفْسِكَ، وَمَا كَانَتْ الْمُحَاسِبَةُ مِنْ هَمِّكَ، وَمَا كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَارًا. (245)

فرمود: ای فرزند آدم، تا آن زمانی که در درون خود واعظ و نصیحت کننده ای دلسوز داشته باشی، و در تمام امور بررسی و محاسبه کارهایت را اهمیت دهی، و در تمام حالات از عذاب الهی ترس و خوف داشته باشی.

در خیر و سعادت خواهی بود.

205 قال عليه السلام: وَاَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَاعْنُ لَا تَجْعَلُهُ وِعَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ وَلَا لِكَثِيرٍ، وَاَعْنُ تَقْتَصِدْ لَهُ فِي الْحَلَالِ. (246)

فرمود: حقی که شکم بر تو دارد این است که آن را ظرف چیزهای حرام چه کم و چه زیاد قرار ندهی و بلکه در چیزهای حلال هم صرفه جوئی کنی و به مقدار نیاز استفاده نمائی.

206 قال عليه السلام: مَنْ اشْتاقَ إِلَى الْجَنَّةِ سارَعَ إِلَى الْحَسَناتِ وَسَلَعَ عَنِ الشَّهواتِ، وَمَنْ اءَشْفَقَ مِنَ النَّارِ بادرَ بِالتَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِهِ وَرَاجَعَ عَنِ الْمَحارِمِ. ⁽²⁴⁷⁾

فرمود: کسی که مشتاق بهشت باشد در انجام کارهای نیک سرعت می نماید و شهوات را زیر پا می گذارد و هر کس از آتش قیامت هراسناک باشد به درگاه خداوند توبه می کند و از گناهان دوری می نماید.

207 قال عليه السلام: طَلَبُ الْحَوائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ لِلْحِياةِ وَمَذْهَبَةٌ لِلْحِياءِ، وَاسْتِخفافٌ بِالوَقارِ وَهُوَ الْفَقْرُ الْحاضِرِ، وَقَلَّةٌ طَلَبُ الْحَوائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنى الْحاضِرِ. ⁽²⁴⁸⁾

فرمود: دست نیاز به سوی مردم دراز کردن، سبب ذلت و خواری در زندگی و در معاشرت خواهد بود.

و نیز موجب از بین رفتن حیاء و ناچیز شدن شخصیت خواهد گشت بطوریکه همیشه احساس نیاز و تنگدستی نماید.

و هرچه کمتر به مردم رو بیندازد و کمتر درخواست کمک نماید بیشتر احساس خودکفائی و بی نیازی خواهد داشت.

208 قال عليه السلام: الْخَيْرُ كُلُّهُ صِيانَةُ الْاِنْسانِ نَفْسَهُ. ⁽²⁴⁹⁾

فرمود: سعادت و خوشبختی انسان در حفظ و کنترل اعضاء و جوارح خود از هرگونه کار زشت و خلاف است.

209 قال عليه السلام: سادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيا الْأَسْخِياءُ، وَسادَةُ النَّاسِ فِي الْاِخْراةِ الْأَتْقِياءُ. ⁽²⁵⁰⁾

فرمود: در این دنیا سرور مردان سخاوتمندان هستند، ولی در قیامت سید و سرور مردان، پرهیزکاران خواهند بود.

210 قال ﷺ: مَنْ زَوَّجَ لِلَّهِ، وَوَصَلَ الرَّحِمَ تَوَجَّهَ اللَّهُ بِتَاجِ الْمَلِكِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (251)

فرمود: هر کس برای رضا و خوشنودی خداوند ازدواج نماید و با خویشان خود صلہ رحم نماید، خداوند او را در قیامت مفتخر و سربلند می گرداند.

211 قال ﷺ: إِنَّ أَعْضَلَ الْجِهَادِ عِفَّةُ الْبَطْنِ وَالْفَرَجُ. (252)

فرمود: با فضیلتترین و مهمترین مجاهدتها عقیف نگه داشتن شکم و عورت است از چیزهای حرام و شبهه ناک -.

212 قال ﷺ: مَنْ زَارَ إِخَاهُ فِي اللَّهِ طَلَبًا لِنَجَازِ مَوْعُودِ اللَّهِ، شِيعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، وَهَتَفَ بِهِ هَاتِفٌ مِنْ خَلْفِهِ لَطِيبٌ وَطَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ، فَإِذَا صَافَحَهُ غَمْرَتُهُ الرَّحْمَةُ. (253)

فرمود: هر کس به دیدار دوست و برادر خود رود و برای رضای خداوند او را زیارت نماید به امید آنکه به وعده های الهی برسد، هفتاد هزار فرشته او را همراه و مشایعت خواهند کرد، همچنین مورد خطاب قرار می گیرد که از آلودگیها پاک شدی و بهشت گوارایت باد.

پس چون با دوست و برادر خود دست دهد و مصافحه کند مورد رحمت قرار خواهد گرفت.

213 قال ﷺ: إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ، ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ فَاعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَأَقْبَلْ مِنْهُ. (254)

فرمود: چنانچه شخصی تو را بدگویی کند، و سپس برگردد و پوزش طلبد، عذر خواهی و پوزش او را پذیرا باش.

214 قال ﷺ: عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي مِنَ الطَّعَامِ لِمَضَرَّتِهِ، كَيْفَ لَا يَحْتَمِي مِنَ الذَّنْبِ لِمَعْرَتِهِ. (255)

فرمود: تعجب دارم از کسی که نسبت به تشخیص خوب و بد خوراکش اهتمام می ورزد که مبادا ضرری به او برسد، چگونه نسبت به گناهان و دیگر کارهایش اهمیت نمی دهد، و نسبت به مفسد دنیائی، آخرتی روحی، فکری، اخلاقی و... بی تفاوت است.

215 قال ﷺ: مَنْ أَعْطَمَ مُؤْمِنًا مِنْ جُوعٍ أَعْطَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمَاءٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَحْتُومِ، وَمَنْ كَسَا مُؤْمِنًا كَسَاهُ اللَّهُ مِنَ الثِّيَابِ الْأَخْضَرِ. (256)

فرمود: هر کس مؤمن گرسنه ای را طعام دهد خداوند او را از میوه های بهشت اطعام می نماید، و هر که تشنه ای را آب دهد خداوند از چشمه گوارای بهشتی سیرآبش می گرداند، و هر کس برهنه ای را لباس بپوشاند خداوند او را از لباس سبز بهشتی که بهترین نوع و رنگ می باشد خواهد پوشاند.

216 قال ﷺ: إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ، وَالْأَرَءِ الْبَاطِلَةَ، وَالْمَقَائِيسِ الْفَاسِدَةِ، وَلَا يُصَابُ إِلَّا بِالتَّسْلِيمِ، فَمَنْ سَلَّمَ لَنَا سَلِمَ، وَمَنْ اهْتَدَى بِنَاهُدَى، وَمَنْ دَانَ بِالتَّقْيَاسِ وَالرَّأْيِ هَلَكَ. (257)

فرمود: به وسیله عقل ناقص و نظریه های باطل، و مقایسات فاسد و بی اساس نمی توان احکام و مسائل دین را بدست آورد. بنابر این تنها وسیله رسیدن به احکام واقعی دین تسلیم محض می باشد، پس هر کس در مقابل ما اهل بیت تسلیم باشد از هر انحرافی در امان است و هر که به وسیله ما هدایت یابد خوشبخت خواهد بود.

و شخصی که با قیاس و نظریات شخصی خود به خواهد دین اسلام را دریابد
هلاک می گردد.

217 قال عليه السلام: الدُّنْيَا سِنَةٌ، وَالْآخِرَةُ يَقْظَةُ، وَنَحْنُ بَيْنَهُمَا اءَضْغَاثُ اءِ حَلَامٍ. (258)

فرمود: دنیا همچون نیمه خواب (چرت) است و آخرت بیداری می باشد و ما
در این میان رهگذر، بین خواب و بیداری به سیر می بریم.

218 قال عليه السلام: مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ اءَنْ يَكُونَ مَتَجِرَةً فِي بِلَادِهِ، وَيَكُونُ خُلْطَاؤُهُ
صَالِحِينَ، وَتَكُونَ لَهُ اءِوْلَادٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ. (259)

فرمود: از سعادت مرد آن است که در شهر خود کسب و تجارت نماید و
شریکان و مشتریانش افرادی صالح و نیکوکار باشند، و نیز دارای فرزندانی باشد
که کمک حال او باشند.

219 قال عليه السلام: آيَاتُ الْقُرْآنِ خَزَائِنُ الْعِلْمِ، كُلَّمَا فَتِحَتْ خَزَانَةٌ، فَيَنْبَغِي لَكَ اءَنْ
تَنْظُرَ مَا فِيهَا. (260)

فرمود آیه های قرآن هر کدام آن خزینه علوم خداوند است، هر آیه و خزینه
ای را که مشغول خواندن می شوی در آن دقت نظر کن که چه در می یابی.

220 قال عليه السلام: مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَكَّةَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَيَرَى مَنْزِلَهُ فِي الْجَنَّةِ. (261)

فرمود: هر که قرآن را در مکه مکرمه ختم کند نمی میرد مگر آنکه حضرت
رسول الله صلى الله عليه وآله و نیز جایگاه خود را در بهشت رؤیت می نماید.

221 قال عليه السلام: يَا مَعْشَرَ مَنْ لَمْ يَحِجَّ اسْتَبَشِرُوا بِالْحَاجِّ إِذَا قَدِمُوا فَصَافِحُوهُمْ
وَعَظِّمُوهُمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَجِبُ عَلَيْكُمْ تُشَارِكُوهُمْ فِي الْأَجْرِ. (262)

فرمود: شماهایی که به مکه نرفته اید و در مراسم حج شرکت نکرده اید، بشارت باد شماها را به آن حاجیانی که بر می گردند، با آنها دیدار و مصافحه کنید تا در پاداش و ثواب حج آنها شریک باشید.

222 قال عليه السلام: الرضا بمكروه القضاء، من اءعلى درجات اليقين. (263)

شادمانی و راضی بودن به سخت ترین مقدرات الهی از عالیترین مراتب ایمان و یقین خواهد بود.

223 قال عليه السلام: ما من جرعة اءحب إلى الله من جرعتين: جرعة غيظ ردها مؤمن بحلم، اءو جرعة مصيبة ردها مؤمن بصبر. (264)

فرمود: نزد خداوند متعال حالتی محبوبتر از یکی دو حالت نیست: حالت غضب و غیظی که مؤمن با بردباری و حلم از آن بگذرد. حالت بلا و مصیبتی که مؤمن آن را با شکیبائی و صبر بگذارند.

224 قال عليه السلام: من رمى الناس بما فيهم رموه بما ليس فيه. (265)

فرمود: هر کس مردم را عیب جوئی کند و عیوب آنان را بازگو نماید و سرزنش کند، دیگران او را متهم به غیر واقعیات می کنند.

225 قال عليه السلام: مجالسة الصالحين داعية إلى الصلاح، وآداب العلماء زيادة في العقل. (266)

فرمود: هم نشینی با صالحان انسان را به سوی صلاح و خیر می کشاند، معاشرت و هم صحبت شدن با علماء، سبب افزایش شعور و بینش می باشد.

226 قال عليه السلام: إن الله يحب كل قلب حزين، ويحب كل عبد شكور. (267)

فرمود: همانا خداوند دوست دارد هر قلب حزین و غمگینی را (که در فکر نجات و سعادت خود باشد) و هر بنده شکر گذاری را دوست دارد.

227 قال ﷺ: إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يَشْرَفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ كُلِّ صَبَاحٍ
فَيَقُولُ: كَيْفَ آءِ صَبَحْتُمْ؟

فَيَقُولُونَ: بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْتَنَا، إِنَّمَا نُثَابُ وَنُعَاقِبُ بِكَ. (268)

فرمود: هر روز صبحگاهان زبان انسان بر تمام اعضاء و جوارحش وارد می
شود و می گوید: چگونه اید؟ و در چه وضعیتی هستید؟
جواب دهند: اگر تو ما را رها کنی خوب و آسوده هستیم، چون که ما به
وسیله تو مورد ثواب و عقاب قرار می گیریم.

228 قال ﷺ: مَا تَعَبَ آءِوَلِيَاءُ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا، بَلْ تَعْبُوا فِي الدُّنْيَا
لِلْآخِرَةِ. (269)

فرمود: دوستان و اءولياء خدا در فعاليتهاى دنىوى خود را براى دنيا به
زحمت نمى اندازند و خود را خسته نمى کنند بلکه براى آخرت زحمت مى
کشند.

229 قال ﷺ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَلَوْ بَسَفَكَ الْمُهْجِ
وَحَوْضِ اللَّجَجِ. (270)

فرمود: چنانچه مردم منافع و فضائل تحصیل علوم را مى دانستند هر آینه آن
را تحصیل مى کردند گرچه با ريختن خون و يا فرو رفتن زير آبها در گردابهاى
خطرناک باشد.

230 قال ﷺ: لَوْ اجْتَمَعَ آءِهْلُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَنْ يَصِفُوا اللَّهَ بِعَظَمَتِهِ لَمْ
يَقْدِرُوا. (271)

فرمود: اگر تمام اهل آسمان و زمين جمع شوند بر اينکه بخواهند خداوند
متعال را توصيف و تعريف کنند، نمى توانند به عظمت و قدرت او پى ببرند.

231 قال عليه السلام: ما من شئبيءٍ اءحبُّ إلى الله بعد معرفته من عفة بطنٍ وفرجٍ، وما شئبيءٍ اءحبُّ إلى الله من اءن يُساءل. (272)

فرمود: بعد از معرفت به خداوند چیزی محبوب تر از دور نگه داشتن شکم و عورت از آلودگیها و هوسرانیها و گناهان نیست، و نیز محبوبترین کارها نزد خداوند مناجات و درخواست نیازمندیها به درگاهش خواهد بود.

232 قال عليه السلام: إِبْنُ آدَمَ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَمَبْعُوثٌ وَمَوْفُوفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ، فَأَعِدْ لَهُ جَوَابًا. (273)

فرمود: ای فرزند آدم (ای انسان تو) خواهی مُرد و سپس محشور می شوی و در پیشگاه خداوند احضار خواهی شد، پس جوابی (قانع کننده و صحیح در مقابل سؤاها) مهیا و آماده کن.

233 قال عليه السلام: نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ اءخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمَوَدَّةِ وَالْمَحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةٌ. (274)

فرمود: نظر کردن مؤمن به صورت برادر مؤمنش از روی علاقه و محبت عبادت است.

234 إِيَّاكَ وَمُصَاحِبَةُ الْفَاسِقِ، فَإِنَّهُ بَإِعْيَاكَ بَءكَلَةٍ اءو اءقَلٍّ مِنْ ذَالِكَ وَإِيَّاكَ وَمُصَاحِبَةُ الْقَاطِعِ لِرَحْمِهِ فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ. (275)

فرمود: برحذر باش از دوستی و همراهی با فاسق چون که او به یک لقمه نان و چه بسا کمتر از آن هم، تو را می فروشد. و مواظب باش از دوستی و صحبت با کسی که قاطع صله رحم می باشد چون که او را در کتاب خدا ملعون یافتیم.

235 قال عليه السلام: اءشَدُّ سَاعَاتِ إِبْنِ آدَمَ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: السَّاعَةُ الَّتِي يُعَايِنُ فِيهَا مَلَكُ الْمَوْتِ، وَالسَّاعَةُ الَّتِي يُقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ، وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقِفُ فِيهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَإِمَّا الْجَنَّةُ وَإِمَّا إِلَى النَّارِ. (276)

فرمود: مشکلتترین و سخت ترین لحظات و ساعات دورانها برای انسان، سه مرحله است :

1 آن موقعی است که عزرائیل بر بالین انسان می آید و می خواهد جان او را بگیرد.

2 آن هنگامی خواهد بود که از درون قبر زنده می شود و در صحرای محشر به پا می خیزد.

3 آن زمانی که در پیشگاه خداوند متعال جهت حساب و کتاب و بررسی اعمال قرار می گیرد و نمی داند راهی بهشت و نعمتهای جاوید می شود و یا راهی دوزخ و عذاب دردناک خواهد شد.

236 قال عليه السلام : إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كُزْبُرَ الْحَدِيدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا. (277)

فرمود: هنگامی که قائم ما (حضرت حجت، روحی له الفداء و عج) قیام و خروج نماید خداوند بلا و آفت را از شیعیان و پیروان ما برمی دارد و دلهای ایشان را همانند قطعه آهن محکم می نماید، و نیرو و قوت هر یک از ایشان به مقدار نیروی چهل نفر دیگران خواهد بود.

237 قال عليه السلام : عَجَبًا كُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ عَمِلَ لِدَارِ الْفَنَاءِ وَتَرَكَ دَارَ الْبَقَاءِ. (278)

فرمود: بسیار عجیب است از کسانی که برای این دنیای زودگذر و فانی کار می کنند و خون دل می خورند ولی آخرت را که باقی و ابدی است رها و فراموش کرده اند.

238 قال عليه السلام : رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ. (279)

فرمود: تمام خیرات و خوبیهای دنیا و آخرت را در چشم پوشی و قطع طمع از زندگی و اموال دیگران می بینم (یعنی قناعت داشتن).

239 قال عليه السلام: مَنْ لَمْ يَكُنْ عَقْلُهُ اَكْمَلَ فِي هِ، كَانَ هَلَاكُهُ مِنْ اَيْسَرِ مَا فِيهِ.

(280)

فرمود: کسی که بینش و عقل خود را به کمال نرساند و در رکود فکری بسر برد به سادگی در هلاکت و گمراهی و سقوط قرار خواهد گرفت.

240 قال عليه السلام: اِنَّ الْمَعْرِفَةَ، وَكَمَالَ دِينِ الْمُسْلِمِ تَرْكُهُ الْكَلَامِ فِيمَا لَا يُغْنِيهِ، وَقَلَّةُ

يُرَائِهِ وَحِلْمِهِ وَصَبْرِهِ وَحُسْنِ خَلْقِهِ. (281)

فرمود: همانا معرفت و کمال دین مسلمان در گرو رها کردن سخنان و حرفهائی است که به حال او و دیگران سودی ندارد.

همچنین از ریاء و خودنمائی دور جستن و در برابر مشکلات زندگی بردبار و شکیبا بودن و نیز دارای اخلاق پسندیده و نیک سیرت بودن است.

خلاصه حالات هفتمین معصوم پنجمین امام حضرت امام محمد باقر

علیه السلام

آن حضرت بنا بر مشهور، روز جمعه یا دوشنبه، سوّم ماه صفر، یا اوّل ماه رجب، سال 57⁽²⁸²⁾ هجری قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود.

نام: محمد، صلوات الله و سلامه علیه. ⁽²⁸³⁾

کنیه: اَبُو جَعْفَر، اَبُو جَعْفَر اوّل ⁽²⁸⁴⁾.

لقب: باقر، شاکر، هادی، باقر العلوم، امین، شبیه و...

پدر: امام سجّاد، زین العابدین، علیّ بن الحسین علیهما السلام.

مادر: فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیهما السلام.

نقش انگشتر: رَبِّ لا تَذَرْنِيهَ فَرْدًا، الْعِزَّةُ لِلَّهِ، الْقُوَّةُ لِلَّهِ جَمِيعًا.

دربان: جابر بن یزید جُفَیّی

حضرت اوّلین امام و خلیفه ای بود که توانست با استفاده از جوّ حاکم بر جامعه زمانش یعنی شروع درگیری بنی العباس و بنی امیه حدّاكثر استفاده و بهره را برگیرد و با تشکیل کلاسها و جلسات مختلف احکام و حقایق اسلام و تفسیر قرآن را نشر دهد، و علوم و معارف الهی را برای جوامع بشری شکافته و تشریح نماید.

بر همین اساس یکی از لقبهای مشهور آن حضرت باقر العلوم یعنی شکافنده علوم و فنون می باشد.

امام باقر علیهما السلام در سنین دو یا چهار سالگی در صحرای کربلا حضور داشت.

حضرت در هر جمعه یک دینار صدقه می داد و می فرمود: دادن صدقه در روز جمعه چند برابر دیگر روزها پاداش دارد.

هر موقع مشکلی برای حضرت پیش می آمد خانواده خود را جمع می نمود و در جمع آنها دعا می کرد و آنها آمین می گفتند.

آن حضرت حدود چهار سال با جدش امام حسین علیه السلام و 38 سال همزمان در حیات پدرش امام سجاد علیه السلام، و سپس حدود 19 سال امامت و زعامت جامعه اسلامی را برعهده داشت که روی هم 57 سال عمر با برکت آن حضرت را گفته اند.

آن حضرت روز 12 یا 25 محرم سال 94، یا 95 پس از شهادت پدر بزرگوارش در سنین 38 سالگی به منصب امامت نائل آمد و تا 7 ربیع الاول یا ذی الحجة، سال 114 به طول انجامید.

شهادت: روز دوشنبه هفتم ربیع الاول یا ذی الحجة، سال 114 هجری قمری ⁽²⁸⁵⁾ به دستور هشام بن عبد الملک به وسیله زهر توسط ابراهیم بن ولید استاندار مدینه، مسموم و به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

محل دفن: آن حضرت در قبرستان بقیع کنار پدر و عمویش دفن گردید.

فرزندان: حضرت دارای هفت فرزند پسر و دو دختر بوده است.

پادشاهان و خلفاء هم عصر امامتش: ولید بن عبد الملک، سلیمان بن عبد الملک، عمر بن عبد العزیز، یزید بن عبد الملک، هشام بن عبد الملک، ولید بن یزید بن عبد الملک، یزید بن ولید بن عبد الملک، ابراهیم بن ولید بن عبد الملک.

نماز آن حضرت: دو رکعت است، در هر رکعت پس از قرائت حمد، صد مرتبه «شهد الله» گفته می شود: و بعد از آن که سلام نماز پایان یافت، تسبیح حضرت زهراء علیها السلام گفته می شود.

و سپس تقاضا و درخواست حوائج مشروعه از خداوند متعال انجام گردد که انشاء الله برآورده خواهد شد. ⁽²⁸⁶⁾

چهل حدیث گهربار، از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

241 قال الامام ابو جعفر محمد بن علی باقر العلوم علیه السلام :

لَوِ اجْتَمَعَ اَهْلُ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ اَنْ يَصِفُوا اللّٰهَ بِعَظَمَتِهِ لَمْ يَقْدِرُوا. (287)

فرمود: چنانچه تمامی اهل آسمان و زمین گرد هم آیند و بخواهند خداوند متعال را در جهت عظمت و جلال توصیف کنند، قادر نیستند.

242 قال علیه السلام : اِنَّ اَفْضَلَ الْاَعْمَالِ عِنْدَ اللّٰهِ مَا عَمِلَ بِالسُّنَّةِ وَ اِنْ قَلَّ. (288)

فرمود: همانا با فضیلت ترین عملها در پیشگاه خداوند متعال آن عملی است که طبق سنت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و دستور قرآن قرار گیرد، گرچه اندک و ناچیز باشد.

243 قال علیه السلام : مَنْ ثَبَّتَ عَلٰی وَاِلٰتِنَا فِيْ غَيْبَةٍ قَائِمًا، اَعْطَاهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ

اَجْرَ اَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ حُنَيْنٍ. (289)

فرمود: کسی که در زمان غیبت امام زمان (عجل الله فرجه الشريف) بر ایمان و ولایت ما اهل بیت عصمت و طهارت پابرجا و ثابت بماند، خداوند متعال پاداش و ثواب هزار شهید از شهدای جنگ بدر و حنین به او عطا می فرماید.

244 قال علیه السلام : لَوْ اَنَّ الْاِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْاَرْضِ سَاعَةً، لَمَاجَتْ بِاَهْلِهَا كَمَا

يُمُوجُ الْبَحْرِ بِاَهْلِهِ. (290)

فرمود: اگر امام و حجّت خدا لحظه ای از روی زمین و از بین افراد جامعه برداشته شود، زمین اهل خود را در خود می بلعد و فرو می برد همانطوری که دریا چیزهای خود را در خود می بلعد.

245 قال علیه السلام : اِنَّ جَمِيعَ دَوَابِّ الْاَرْضِ تُتَّصَلِيْ عَلٰی طَالِبِ الْعِلْمِ حَتّٰى

الْحَيَاتَانِ فِي الْبَحْرِ. (291)

فرمود: به درستی که تمام موجودات و جانوران زمین و بلکه ماهیان دریا برای تحصیل کنندگان علوم اسلامی و معارف الهی تحیت و درود می فرستند.

246 قال عليه السلام: لَوْ أُوْتِيَتْ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَنْفَقُهُ فِي الدِّينِ، لَأَوْجَعْتُهُ. (292)

فرمود: اگر جوانی از جوانان شیعه را نزد من بیاورند که در مسائل دین و زندگی آشنا نباشد، او را تنبیه و شکنجه خواهم کرد (تا به دنبال تحصیل مسائل دین برود).

247 قال عليه السلام: مَنْ أَعْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى، لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَمَلَائِكَةُ الْعَذَابِ، وَلِحِقِّهِ وَزُرُّ مَنْ عَمِلَ بِفِتْيَاهُ. (293)

فرمود: هر کس درباره مسائل دین فتوا و نظریه ای دهد که بدون علم و اطلاع باشد، ملائکه رحمت و ملائکه عذاب او را لعن و نفرین می کنند و گناه عمل کننده اگر خلاف باشد بر عهده گوینده است.

248 قال عليه السلام: الصَّلَاةُ عُمُودُ الدِّينِ، مَثَلُهَا كَمَثَلِ عُمُودِ الْفِسْطَاطِ، إِذَا ثَبَتَ الْعُمُودُ ثَبَتَ الْإِءْوِتَادُ وَالْأَطْنَابُ، وَإِذَا مَالَ الْعُمُودُ وَأَنْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَتَدُّ وَلَا طَنْبُ. (294)

فرمود: نماز ستون دین است و مثالش همانند تیرک و ستون خیمه ای می باشد که چنانچه محکم و استوار باشد میخها و طنابهای اطراف آن پا بر جا خواهد بود ولی اگر ستون سُست یا کج باشد میخها و طنابهای اطراف آن نمی تواند پایرجا باشد.

249 قال عليه السلام: لَا تَتَهَاوَنُ بِصَلَاتِكَ، فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ: لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ، لَيْسَ مِنِّي، مَنْ شَرِبَ مُسْكَرًا لَا يَرُدُّ عَلَى الْحَوْضِ، لَا وَاللَّهِ. (295)

فرمود: نسبت به نماز بی اعتنا مباش و آن را سبک و ناچیز مشمار، همانا که پیامبر خدا هنگام وفات خود فرمود:

هر کس نماز را سبک شمارد و یا مسکرات بنوشد از امت من نیست و بر حوض کوثر وارد نخواهد شد.

250 قال ﷺ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّوْمِ، وَالْوَلَايَةِ، وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ مِثْلُ مَا نُودِيَ لِلْوَلَايَةِ. (296)

فرمود: دین مبین اسلام بر پنج پایه و اساس استوار است: نماز، زکات، خمس، حج، روزه، ولایت اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ، سپس افزود: آن مقداری که نسبت به ولایت سفارش شده است نسبت به هیچ کدام تأکید نگردیده است و ولایت اساس و محور تمام اعمال خواهد بود.

251 قال ﷺ: مَنْ دَعَا اللَّهَ بِنَاءِ فُلْحٍ، وَمَنْ دَعَاهُ بِغَيْرِنَا هَلَكَ وَاسْتَهْلَكَ. (297)

فرمود: هر که خداوند را به وسیله ما بخواند و ما را واسطه قرار دهد رستگار و موفق خواهد شد.

و کسی که غیر از ما اهل بیت عصمت و طهارت را وسیله گرداند ناامید و هلاک خواهد گشت.

252 قال ﷺ: الْإِعْمَالُ تَضَاعَفُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَأَكْثَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ وَالِدُّعَاءِ. (298)

فرمود: پاداش اعمال بد یا خوب در روز جمعه دو برابر دیگر روزها است، پس سعی نمائید در این روز نماز و صدقه و دعا بسیار انجام دهید.

253 قال ﷺ: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتَعْفَافًا عَنِ النَّاسِ، وَسَعِيَ عَلَى أَهْلِهِ، وَتَعَطَّفًا عَلَى جَارِهِ، لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. (299)

فرمود: هر کس دنیا را به جهت یکی از سه حالت طلب کند: بی نیازی از مردم، آسایش و رفاه خانواده و عائله اش، کمک و رسیدگی به همسایه اش.

روز قیامت در حالتی محشور می گردد و به ملاقات خداوند متعال وارد می شود که صورتش همچون ماه شب چهارده نورانی است.

254 قال ﷺ: ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِهَادٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً: اِدَاءُ اَلْءَمَانَةِ اِلَى اَلْبِرِّ وَاَلْفَاجِرِ، وَاَلْوَفَاءُ بِاَلْعَهْدِ لِلْبِرِّ وَاَلْفَاجِرِ، وَبِرُّ اَلْوَالِدَيْنِ بِرِّينِ كَانَا اَوْ فَاجِرَيْنِ. (300)

فرمود: خداوند سبحان در سه چیز رخصت قرار نداده است: اءمانت را سالم تحویل صاحبش دادن، خواه آنکه صاحبش آدم خوبی باشد یا فاجر.

وفای به عهد نسبت به هر شخصی خوب باشد یا بد.

نیکی و احسان به پدر و مادر خوب باشند یا بد.

255 قال ﷺ: اِنَّ اَلْجَنَّةَ وَاَلْحُورَ لَتَشْتَاقُ اِلَى مَنْ يَكْسَحُ الْمَسْجِدَ، اَوْ يَأْخُذُ مِنْهُ الْقَدَى. (301)

فرمود: همانا بهشت و حورالعین در انتظار افرادی است که در نظافت و تمیز کردن مسجد سعی و تلاش نمایند.

256 قال ﷺ: اِنَّمَا يَبْتَلِي الْمُؤْمِنُ فِي الدُّنْيَا عَلَى قَدَرِ دِينِهِ. (302)

فرمود: همانا مؤمن در این دنیا هر مقداری که دین و ایمان داشته باشد بهمان اندازه مورد امتحان و آزمایش قرار می گیرد.

257 قال ﷺ: لَا يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا لِلَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ، فَحِينَئِذٍ يَقُولُ: هَذَا خَالِصٌ لِي، فَيَقْبَلُهُ بِكَرَمِهِ. (303)

فرمود: کسی به بندگی و ستایش گر حقیقی در برابر خداوند نمی رسد مگر آنکه از تمام افراد قطع امید کند و تنها امیدش خدای یکتا باشد.

در یک چنین حالتی خداوند گوید: این عمل خالصانه برای من است و آن را مورد قبول و عنایت خود قرار می دهد.

258 قال ﷺ: اُقْسِمُ بِاللَّهِ وَهُوَ حَقٌّ، مَا فَتَحَ رَجُلٌ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ الْمَسَاءَلَةِ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ. (304)

فرمود: سوگند به خدائی که بر حق است، چنانچه شخصی در موردی تقاضای خود را به یکی از هموعان خود بگوید و بدون توجه به خداوند متعال درخواست کمک نماید، خداوند دری از درهای فقر و تنگدستی را بر او بگشاید.

259 قال ﷺ: مَنْ قَضَى مُسْلِمًا حَاجَتَهُ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ثَوَابِكَ عَلَيَّ وَلَا أَرْضِي لَكَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ. (305)

فرمود: هر کس حاجتی را برای مسلمانی برآورده کند و گره از مشکگلش بگشاید، خداوند متعال به او خطاب کند:

ثواب و پاداش تو بر عهده من خواهد بود و غیر از بهشت چیز دیگری لایق تو نخواهد بود.

260 قال ﷺ: إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ ﷺ: إِنِّي مُعَذِّبُ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ، أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ. فقال: يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ، فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: إِنَّهُمْ دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَغْضِبُوا لِغَضَبِي. (306)

فرمود: همانا خداوند متعال، برای حضرت شعیب ﷺ وحی فرستاد: من از قوم تو یکصد هزار نفر را عذاب و هلاک می نمایم که شصت هزار نفر ایشان اشرار و چهل هزار نفر دیگرشان از خوبان و عبادت کنندگان خواهند بود.

حضرت شعیب ﷺ سؤال نمود: اشرار که مستحق عذاب هستند ولی خوبان را چرا عذاب می نمائی؟

خداوند وحی نمود: به جهت آنکه این افراد نسبت به گناهکاران بی تفاوت بوده و با ایشان سازش می کردند.

261 قال ﷺ: مَنْ أَعْطَمَ مُؤْمِنًا، أَعْطَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ. (307)

فرمود: هر کس مؤمنی را طعام دهد، خداوند از میوه های بهشتی روزی او گرداند.

262 قال ﷺ: مَنْ حَمَلَ إِخَاهُ عَلَى رَحْلِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى الْمَوْقِفِ

عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نَوَاقِ الْجَنَّةِ يُبَاهِي بِهِ الْمَلَائِكَةُ. (308)

فرمود: کسی که برادرش را (و هر کس که در مسیر راه بدون وسیله است) سوار وسیله نقلیه خود کند و حتی الا مکان او را به مقصد برساند خداوند متعال او را در قیامت سوار شتری از شترهای بهشتی می گرداند که سریع او را به مقصد برساند و از شداید و سختیهای محشر در امان گردد.

و در ضمن ملائکه به وجود او مباحات و افتخار می کنند.

263 قال ﷺ: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى إِخِيهِ فِي رَحْلِهِ، فَلْيَقْعُدْ حَيْثُ يَأْتِيهِ

صَاحِبُ الرَّحْلِ، فَإِنَّ صَاحِبَ الْبَيْتِ أَعْرَفُ بِعَوْرَةِ بَيْتِهِ مِنَ الدَّاخِلِ عَلَيْهِ. (309)

فرمود: هنگامی که به منزل یکی از برادران و دوستانتان وارد شدید، هر کجا به شما گفت بنشینید بپذیرید و همانجا بنشینید، چونکه صاحب منزل بیش از دیگران به اسرار منزل خود آشنا و آگاه است.

264 قال ﷺ: الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْفَتَّانِينَ الْمَشَائِينَ بِالنَّمِيمَةِ. (310)

فرمود: بهشت و نعمتهای حیاتبخش آن برای اشخاص فتنه گر و سخن چین آشوب طلب، حرام است.

265 قال ﷺ: إِنْ نَأَى مُرُ صَبِيَانَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ، فَمُرُوا

صَبِيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ. (311)

فرمود: ما اهل بیت عصمت و طهارت کودکان خود را از دوران پنج سالگی به انجام نماز دستور می دهیم، ولی شما دوستان و پیروان ما فرزندان خود را از سنین هفت سالگی وادار به نماز نمائید.

266 قال عليه السلام: مَنْ حَمَلَ جَنَازَةً مِنْ أَرْبَعِ جَوَانِبِهَا، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً. (312)

فرمود: هر کس جنازه ای را تشییع نماید و چهار جانب تابوت را بر شانه خود حمل کند، خداوند چهل گناه از گناهان کبیره اش را می آمرزد.

267 قال عليه السلام: خَفِيَ اللَّهُ تَعَالَى لِقُدْرَتِهِ عَلَيْكَ، وَاسْتَحَى مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ. (313)

فرمود: بترس از خداوند متعال به جهت قدرت بی منتهایش که از جهات مختلف بر تو دارد، و از خداوند شرم و حیا کن در انجام گناهان به جهت آنکه از هر چیزی به تو نزدیکتر است.

268 قال عليه السلام: الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَحَيْثُ مَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ ضَالَّتَهُ فَلْيَأْخُذْهَا. (314)

فرمود: دانش و حکمت گمشده ارزشمندی است برای مؤمن که هر کجا و نزد هر کس یافت شود باید آنرا دریافت نماید.

269 قال عليه السلام: فِي الْمِلْحِ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، ثُمَّ قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا تَدَاوَوْا إِلَّا بِهِ. (315)

فرمود: نمک شفابخش و درمان کننده هفتاد نوع مرض و درد خواهد بود و افزود: چنانچه مردم خواص نمک را می شناختند به چیزی غیر از نمک مداوا و درمان نمی کردند.

270 قال عليه السلام: إِنَّا لَمُؤْمِنٍ إِذَا صَافَحَ الْمُؤْمِنَ مِنْ تَفَرَّقَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ. (316)

فرمود: همانا مؤمنی که با برادر مؤمنش دیدار و مصافحه نماید، گناهانشان ریخته می شود و بدون گناه از یکدیگر جدا خواهند شد.

271 قال عليه السلام: مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ ذَرْوَةَ الْقَرْزِ، كَلَّمَا ازْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ اَبْعَدُ مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا. (317)

فرمود: تمثیل افراد حریص به مال و زیورآلات دنیا همانند کرم ابریشمی است که هر چه اطراف خود بچرخد و بیشتر فعالیت کند و تارهای ابریشم را به دور خود به پیچد، خارج شدنش از بین آن تارها سخت تر گردد و چه بسا غیرممکن می شود تا جائی که چاره ای جز مرگ نداشته باشد.

272 قال عليه السلام: اِنَّا لَمُؤْمِنَ اَخِ الْمُؤْمِنِ لَا يَشْتُمُهُ، وَلَا يُحَرِّمُهُ، وَلَا يُسِيئُ بِهِ الظَّنَّ. (318)

فرمود: مؤمن برادر مؤمن است، باید او را دشنام ندهد و سرزنش و بدگویی نکند، و او را از خوبیها محروم نگرداند، و نسبت به او بدگمان نباشد.

273 قال عليه السلام: اَلْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ، التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ. (319)

فرمود: تمام کمالات (معنوی و مادی انسان) در فقاهاست و شناخت دقیق و صحیح، مسائل دین است، و صبر و شکیبائی در مقابل ناملایمات، و نیز زندگی را با تدبیر و مدیریت برنامه ریزی کردن.

274 قال عليه السلام: صَلَاةُ الْاَرْحَامِ تُزَكِّي الْاَعْمَالَ، وَتُتِمِّي الْاَعْمَالَ، وَتَدْفَعُ الْبُلُوِي، وَتُيسِّرُ الْحِسَابَ، وَتُنْسِي اُ فِي الْاَجَلِ. (320)

فرمود: صله رحم نمودن (بنج فایده دارد): موجب تزکیه اعمال و عبادات می شود، سبب رشد و برکت در اموال می گردد، بلاها و گرفتاریها را دفع و بر طرف می نماید، حساب (قبر و قیامت) را آسان می گرداند، مرگ و اجل (معلق) را تاءخیر می اندازد.

275 قال ﷺ: فَضْلُ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلَاةِ الرَّجُلِ فَرْدًا خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ. (321)

فرمود: فضیلت و برتری نماز جماعت بر نماز فرادا و تنهایی، بیست و پنج درجه از مقامات بهشتی است.

276 قال ﷺ: وَاءِ الْمُنْجِيَاتِ: فَخَوْفُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَكَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَالسَّخَطِ. (322)

فرمود: از اسباب نجات، ترس از خدا در خفاء و آشکارا است، رعایت اقتصاد و صرفه جوئی در تمام حالات بی نیازی و نیازمندی، نیز رعایت انصاف و گفتن سخن حق و عدالت در همه حالت‌های خوشی و ناراحتی.

277 قال ﷺ: لَا تَتَلَّ وَلَا تَيْتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ. (323)

فرمود: ولایت و شفاعت ما شامل نمی شود مگر افرادی را که دارای عمل صالح و نیز پرهیز از گناه داشته باشند.

278 قال ﷺ: إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى نَبِيِّكُمْ كُلِّ عَشِيَّةٍ خَمِيسٍ، فَلَيْسَتْ حَىٰءِ حَدِّكُمْ أَمْ أَنْ يُعْرَضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلُ الْقَبِيحَ. (324)

فرمود: همانا تمام کارها و حرکات بندگان در هر شب جمعه بر پیغمبر اسلام عرضه می گردد، پس حیاء کنید از اینکه عمل زشت شما را نزد پیغمبرتان ارائه دهند.

279 قال ﷺ: مَنْ عَلَّمَ بَابَ هُدَىٰ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ، وَلَا يَنْقُصُ أُوْلِيكَ مِنْ أَجْوَرِهِمْ. (325)

فرمود: هر کس راه هدایت و سعادت را بگشاید و یا به دیگران تعلیم دهد، آجر و پاداش او همانند کسی است که به آن کار خیر عمل کرده باشد بدون آنکه از پاداش عمل کنندگان کسر شود.

280 قال عليّ: أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ: كِتْمَانُ الْحَاجَةِ، وَكِتْمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ
الْوَجَعِ، وَكِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ. (326)

فرمود: چهار حالت از کنزهای نیک و پسندیده است: پوشاندن نیاز و
حاجت خود را از دیگران، دادن صدقه و کمک به افراد بطور مخفیانه و
محرمانه، درد و مشکلات و ناراحتیها را تحمل کردن، هنگام مصیبت و حوادث،
جزع و داد و فریاد نکردن.

خلاصه حالات هشتمین معصوم ششمین امام حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام

آن حضرت هنگام طلوع سپیده صبح، روز جمعه یا دوشنبه، 17 ربیع الاول یا اول رجب، سال 80 یا 83 هجری قمری⁽³²⁷⁾ در مدینه منوره دیده به جهان گشود.

نام: جعفر⁽³²⁸⁾، صلوات الله و سلامه علیه.

کنیه: ابو عبدالله، ابواسماعیل، ابوموسی، ابواسحاق.

لقب: صادق، صابر، فاضل، طاهر، شیخ، صادق آل محمد، باقی، منجی، کامل،

کافل، عالم و...

پدر: امام محمدباقر، باقر علم الاولین والآخرین علیهم السلام.

مادر: فاطمه، معروف به ام فروه، دختر قاسم پسر محمد بن ابی بکر.

نقش انگشتر: الله وليي و عصمتي من خلقه، الله خالق كل شيء، انت تفتني فاعصمني من خلقك، ماشاء الله لا قوة الا بالله.

دربان: مفضل بن عمر است و بعضی محمد بن سنان نیز را گفته اند.

حضرت در سنین 34 سالگی روز دوشنبه هفتم ذی الحجّه یا ربیع الاول در سال 114 هجری پس از شهادت پدر بزرگوارش به منصب امامت و خلافت رسید و حدود 34 سال امامت و هدایت جامعه را به عهده داشت.

امام جعفر صادق علیهم السلام پس از پدر بزرگوارش در موقعیت حسّاسی قرار گرفته بود چون دولت بنی العباس تازه روی کار آمده بود و تنها تلاش آنها استحکام و ثبات پایه های حکومت خود بود و ناچار بودند که افکار عموم مخصوصاً سادات بنی الزهراء را به خود جلب و جذب نمایند.

بر همین اساس امام علیه السلام به نحو احسن از موقعیت موجود استفاده نموده و با تشکیل جلسات مختلف در رشته های گوناگون علوم و فنون، ابعاد مختلف اسلام و معارف الهی را تبیین و تشریح نمود.

طبق گفته مورّخین و محدّثین بیش از دوازده هزار شاگرد از اقشار مختلف در جلسات درس آن حضرت شرکت و در علوم و فنون مختلف از دریای بی کران علوم حضرتش بهره می گرفتند.

و چهار صد جلد کتاب از جوابها و مطالب آن حضرت نوشته شده است که به عنوان اصول اربعمائه معروف می باشد.

و بر همین اساس شیعه به عنوان مذهب جعفری معروف گردید.

آن حضرت مدّت 15 سال و چند روزی همزمان با جدّ بزرگوارش امام سجّاد علیه السلام و 19 سال پس از آن با پدرش حضرت باقرالعلوم علیه السلام، و سپس مدّت 34 سال امامت و زعامت جامعه را بر عهده داشت که روی هم عمر پربرکت حضرت را 68 سال گفته اند.

شهادت آن حضرت بنا بر مشهور روز دوشنبه، 25 شوّال، سال 148 قمری ⁽³²⁹⁾ در مدینه منوره می باشد.

محلّ دفن آن حضرت در مدینه منوره، قبرستان بقیع، کنار عمو و جدّ و پدر بزرگوارش می باشد.

فرزندان امام صادق علیه السلام را تعداد شش پسر و چهار دختر گفته اند.

خلفاء و سلاطین هم عصر حضرت: پنج نفر از بنی امیّه به نامهای: هشام بن عبدالملک، ولید بن یزید بن عبدالملک، یزید بن ولید بن عبدالملک، ابراهیم بن ولید، مروان حمار، و دو نفر از بنی العباس به نام: سفّاح و منصور عبّاسی بوده اند.

نماز آن حضرت چهار رکعت است، در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، صد مرتبه خوانده می شود: سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر (330).
بعد از آنکه سلام نماز پایان یافت تسبیح حضرت زهراء عليها السلام گفته می شود و سپس حوايج مشروعه از خداوند متعال درخواست گردد که انشاء الله برآورده می شود.

چهل حدیث گهربار، از امام جعفر صادق علیه السلام

قال الامام أبو عبد الله، جعفر بن محمد الصادق علیه السلام :

281 حدیثی حدیث اعی، و حدیث اعی حدیث جدی، و حدیث جدی حدیث الحسین، و حدیث الحسین حدیث الحسن، و حدیث الحسن حدیث امیرالمؤمنین، و حدیث امیرالمؤمنین حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم، و حدیث رسول الله قول الله عز و جل. (331)

فرمود: سخن و حدیث من همانند سخن پدرم می باشد، و سخن پدرم همچون سخن جدّم، و سخن جدّم نیز مانند سخن حسین و سخن او با سخن حسن یکی است و سخن حسن همانند سخن امیرالمؤمنین علی و کلام او از کلام رسول خدا می باشد که سخن رسول الله به نقل از سخن خداوند متعال خواهد بود.

282 قال علیه السلام : مَنْ حَفِظَ مِنْ شِيعَتِنَا اَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَقِيهَا، وَلَمْ يُعَذِّبْهُ. (332)

فرمود: هر کس از شیعیان ما چهل حدیث را حفظ کند و به آنها عمل نماید - ، خداوند او را دانشمندی فقیه در قیامت محشور می گرداند و او را عذاب نمی گرداند.

283 قال علیه السلام : قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ اَفْضَلُ مِنْ اَلْفِ حَجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَنَاسِكِهَا، وَ عَتَقِ اَلْفِ رَقَبَةٍ لَوْجَهَا لِلَّهِ، وَ حِمْلَانَ اَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِسَرَجِهَا وَ لَحْمِهَا. (333)

فرمود: برآوردن حوائج و نیازمندیهای مؤمن از هزار حج مقبول و آزادی هزار بنده و فرستادن هزار اسب مجهّز در راه خدا، بالاتر و والاتر است.

284 قال علیه السلام : اءَوَّلُ مَا يُحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَاِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ سَائِرُ عَمَلِهِ، وَ اِذَا رُدَّتْ، رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ. (334)

فرمود: اولین محاسبه انسان در پیشگاه خداوند پیرامون نماز است، پس اگر نمازش قبول شود بقیه عبادات و اعمالش نیز پذیرفته می گردد و گرنه مردود خواهد شد.

285 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا فَشَتْ أَرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أَرْبَعَةٌ: إِذَا فَشَا الزُّنَا كَثُرَتِ الزَّلَازِلُ، وَ إِذَا أَمْسَكَتِ الزَّكَاةَ هَلَكَتِ الْمَاشِيَّةُ، وَ إِذَا جَارَ الْحُكَّامُ فِي الْقَضَاءِ أَمْسَكَ الْمَطَرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَ إِذَا ظَفَرَتِ الذِّمَّةُ نَصِرَ الْمُشْرِكُونَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ. (335)

فرمود: هنگامی که چهار چیز در جامعه شایع و رایج گردد چهار نوع بلا پدید آید: چنانچه زنا رایج گردد زلزله و مرگ ناگهانی فراوان شود، چنانچه زکات و خمس اموال پرداخت نشود حیوانات اهلی نابود شود، و اگر حاکمان جامعه و قضات ستم نمایند باران رحمت خداوند نمی بارد، و اگر اهل ذمه تقویت شوند مشرکین بر مسلمین پیروز آیند.

286 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ عَابَ أَخَاهُ بَعِيْبٍ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ. (336)

فرمود: هر کس برادر ایمانی خود را برچسبی بزند و او را متهم کند از اهل آتش خواهد بود.

287 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الصُّمْتُ كَنْزٌ وَافِرٌ، وَ زَيْنُ الْحِلْمِ، وَ سِتْرُ الْجَاهِلِ. (337)

فرمود: سکوت همانند گنجی پربهاء است، سکوت زینت بخش حلم و بردباری است، سکوت سرپوشی بر آبروی شخص نادان و جاهل خواهد بود.

288 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِصْحَابُ مَنْ تَتَزَّيْنُ بِهِ، وَلَا تَصْحَبُ مَنْ يَتَزَّيْنُ لَكَ. (338)

فرمود: با کسی دوستی و رفت و آمد کن که موجب عزت و سربلندی تو باشد، و با کسی که می خواهد از تو بهره ببرد و خودنمایی می کند همدم مباش.

289 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَمَالُ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَ خِصَالٍ: الْفِقْهُ فِي دِينِهِ، وَ الصَّبْرُ عَلَى

النَّائِبَةِ، وَ التَّقْدِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ. (339)

فرمود: شخصیت و کمال مؤمن در سه خصلت است: آشنا بودن به مسائل و احکام دین، صبر در مقابل شداید و ناملایمات، زندگی او همراه با حساب و کتاب و برنامه ریزی دقیق.

290 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكُمْ بِأَيِّ تَيَانِ الْمَسَاجِدِ، فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، وَمَنْ أَعْتَاهَا مُتَطَهِّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ، وَكَتَبَ مِنْ زُورِهِ. (340)

فرمود: بر شما باد به دخول در مساجد، چونکه آنها خانه خداوند بر روی زمین است و هر کسی که با طهارت وارد آن شود خداوند او را از گناهان تطهیر می نماید و همانند زیارت کنندگانش محسوب می شوند.

291 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» يُعِيدُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، أَعْوَجُّهَا الْجُدَامُ وَالْبَرَصُ. (341)

فرمود: هر کسی بعد از نماز صبح پیش از آنکه سخنی مطرح کند، هفت مرتبه بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» خداوند متعال هفتاد نوع بلا از او دور گرداند که ساده ترین آنها مرض پیسی و جذام باشد.

292 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ تَوَضَّأَ وَتَمَنَّدَلَ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ، وَمَنْ تَوَضَّأَ وَلَمْ يَتَمَنَّدَلَ حَتَّى يَجْفَأَ وَضُوءُهُ، كُتِبَ لَهُ ثَلَاثُونَ حَسَنَةً. (342)

فرمود: هر کس وضو بگیرد و با حوله خشک نماید یک حسنه دارد و چنانچه خشک نکند سی حسنه خواهد داشت.

293 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِيَا فُطَارِكَ فِي مَنْزِلِ أَخِيكَ أَوْ فَضْلٍ مِنْ صِيَامِكَ سَبْعِينَ ضِعْفًا. (343)

فرمود: اگر افطاری روزه ات را در منزل برادرت انجام دهی ثوابش هفتاد برابر اصل روزه است.

294 قَالَ ﷺ: إِذَا افْطَرَ الرَّجُلُ عَلَى الْمَاءِ الْفَاتِرِ نَقَى كَبْدَهُ، وَغَسَلَ الذُّنُوبَ مِنَ الْقَلْبِ، وَقَوَّى الْبَصَرَ وَالْحَدَقَ. (344)

فرمود: چنانچه روزه را با آب جوش افطار نماید کبدش پاک و سالم باقی می ماند، و قلبش از کدورتها تمیز و نور چشمش قوی و روشن می گردد.

295 قَالَ ﷺ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمَصْحَفِ مَتَّعَ بَصَرَهُ، وَخَفَّفَ عَلَى الْوَدْيَةِ وَ إِنْ كَانَ كَافِرِينَ. (345)

فرمود: هر که قرآن را از روی آن بخواند بر روشنائی چشمش افزوده گردد و گناهان پدر و مادرش سبک شود گرچه کافر باشند.

296 قَالَ ﷺ: مَنْ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مَرَّةً وَاحِدَةً فَكَأَنَّهَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ وَ ثُلُثَ التَّوْرَةِ وَ ثُلُثَ الْإِنْجِيلِ وَ ثُلُثَ الزَّبُورِ. (346)

فرمود: هر که یک مرتبه سوره توحید را بخواند همانند کسی است که یک سوّم قرآن و تورات و انجیل و زبور را خوانده باشد.

297 قَالَ ﷺ: إِنْ لِكُلِّ ثَمَرَةٍ سَمًّا، فَإِذَا اءْتَيْتُمْ بِهَا فَامْسُوهَا الْمَاءَ، وَاغْمِسُوهَا فِي الْمَاءِ. (347)

فرمود: هر نوع میوه و ثمره ای مسموم و آغشته به میکربها است، هر گاه خواستید از آنها استفاده کنید با آب بشوئید.

278 قَالَ ﷺ: عَلَيْكُمْ بِالشَّلْجَمِ، فَكُلُّوهُ وَاءْدِمُوا اءْكَلَهُ، وَاَكْتُمُوهُ إِلَّا عَن اءْهْلِهِ، فَمَا مِنْ اءْحَدٍ إِلَّا وَبِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، فَأءْذِيبُوهُ بَاءْكَلِهِ. (348)

فرمود: شلغم را اهمیّت دهید و مرتّب آن را میل نمائید و آن را به مخالفین معرفی نکنید، شلغم رگ جذام را قطع و نابود می سازد.

279 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْوَتْرِ، وَبَعْدَ الْفَجْرِ، وَبَعْدَ الظُّهْرِ، وَبَعْدَ الْمَغْرَبِ. (349)

فرمود: در چهار وقت دعا مستجاب خواهد شد: هنگام نماز وتر، بعد از نماز صبح، بعد از نماز ظهر، بعد از نماز مغرب.

300 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ دَعَا لِعَشْرَةٍ مِنْ إِخْوَانِهِ الْمَوْتَى لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ. (350)

فرمود: هر که در شب جمعه برای ده نفر از دوستان مؤمن خود که از دنیا رفته اند دعا و طلب مغفرت نماید، اهل بهشت قرار خواهد گرفت.

301 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِشْطُ الرَّأْسِ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ، وَ مِشْطُ اللِّحْيَةِ يُشَدِّدُ الْإِضْرَاسَ. (351)

فرمود: شانه کردن موی سر موجب نابودی وبا و مانع ریزش مو می گردد، و شانه کردن ریش و محاسن ریشه دندانها را محکم می نماید.

302 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا سَأَلَ إِخْوَانُ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا فَرَدَّ عَنْهَا، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُجَاعًا فِي قَبْرِهِ، يَنْهَسُ مِنْ أَصَابِعِهِ. (352)

فرمود: چنانچه مؤمنی از برادر ایمانیش حاجتی را طلب کند و او بتواند خواسته اش را برآورد و انجام ندهد، خداوند در قبرش یک افعی بر او مسلط گرداند که هر لحظه او را آزار رساند.

303 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَكَدٌّ وَاحِدٌ يَقْدِمُهُ الرَّجُلُ، أَوْ فَضْلٌ مِنْ سَبْعِينَ يَبْتُقُونَ بَعْدَهُ، شَاكِينَ فِي السَّلَاحِ مَعَ الْقَائِمِ (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ). (353)

فرمود: اگر انسانی یکی از فرزندانش را پیش از خود به عالم آخرت بفرستد بهتر از آنست که چندین فرزند بجای گذارد و در رکاب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ با دشمن مبارزه کنند.

304 قَالَ ﷺ : إِذَا بَلَغَكَ عَنْ أَخِيكَ شَيْءٌ فَقَالَ: لَمْ أَقُلْهُ فَأَقْبِلْ مِنْهُ، فَإِنَّ ذَلِكَ تَوْبَةٌ لَهُ. وَقَالَ ﷺ : إِذَا بَلَغَكَ عَنْ أَخِيكَ شَيْءٌ وَشَهِدَ اءْرَبُعُونَ اءْنَّهُمْ سَمِعُوهُ مِنْهُ فَقَالَ: لَمْ أَقُلْهُ، فَأَقْبِلْ مِنْهُ. (354)

فرمود: چنانچه شنیدی که برادرت یا دوستت چیزی بر علیه تو گفته است و او تکذیب کرد قبول کن. همچنین فرمود: اگر چیزی را از برادرت بر علیه خودت شنیدی و نیز چهل نفر شهادت دادند، ولی او تکذیب کرد و گفت: من نگفته ام، حرف او را بپذیر.

305 قَالَ ﷺ : لَا يَكْمِلُ إِيمَانُ الْعَبْدِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: يَحْسُنَ خُلُقَهُ، وَيَسْتَخِفُّ نَفْسَهُ، وَيُمْسِكُ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ، وَيُخْرِجُ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ. (355)

فرمود: ایمان انسان کامل نمیگردد مگر آنکه چهار خصلت در او باشد: اخلاقش نیکو باشد، نفس خود را سبک شمارد، کنترل سخن داشته باشد، از اضافی ثروتش حق الله، حق الناس را بپردازد.

306 قَالَ ﷺ : دَاوُوا مَرَضَكُم بِالصَّدَقَةِ، وَادْفَعُوا اءْبْوَابَ اءَلْبَالِيَا بِاَلِإِسْتِغْفَارِ. (356)

فرمود: مریضان خود را به وسیله پرداخت صدقه مداوا و معالجه نمائید، و بلاها و مشکلات را با استغفار و توبه دفع کنید.

307 قَالَ ﷺ : إِنَّ اَللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ اَلْخَمْسَ فِي اءَفْضَلِ السَّاعَاتِ، فَعَلَيْكُمُ بِالدُّعَاءِ فِي اءِ ذُبَارِ الصَّلَاةِ. (357)

فرمود: خداوند متعال پنج نماز در بهترین اوقات را بر شما واجب گرداند، پس سعی کنید حوایج و خواسته های خود را پس از هر نماز با خداوند مطرح و درخواست کنید.

308 قَالَ ﷺ : كُلُوا مَا يَتَّعُ مِنْ اَلْمَائِدَةِ فِي اَلْحَضَرِ، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَلَا تَأْكُلُوا مَا يَتَّعُ مِنْهَا فِي الصَّحَارَى. (358)

فرمود: هنگام خوردن غذا در منزل، آنچه اطراف سفره و ظرف می ریزد جمع کنید و میل نمایید که در آنها شفای دردهای درونی است، ولی چنانچه در بیابان سفره انداختید اضافه های آن را رها کنید برای جانوران.

309 قَالَ ﷺ: اَرْبَعَةٌ مِنْ اَخْلَاقِ الْاَنْبِيَاءِ: الْبِرُّ، وَالسَّخَاءُ، وَالصَّبْرُ عَلَي النَّائِبَةِ، وَالْقِيَامُ بِحَقِّ الْمُؤْمِنِ. (359)

فرمود: چهار چیز از اخلاق پسندیده پیغمبران الهی است: نیکی، سخاوت، صبر و شکیبائی در مصائب و مشکلات، اجراء حق و عدالت بین مؤمنین.

310 قَالَ ﷺ: اِمْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ: عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتُهُمْ عَلَيهَا، وَعِنْدَ اَسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عِنْدَ عَدُوِّنَا، وَ اِلَى اَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَسَّاتُهُمْ لِاِخْوَانِهِمْ فِيهَا. (360)

فرمود: شیعیان و دوستان ما را در 3 مورد آزمایش نمایید:

1 مواقع نماز، چگونه رعایت آن را می نمایند، 2 اسرار یکدیگر را چگونه فاش و یا نگهداری می کنند، 3 نسبت به اموال و ثروتشان چگونه به دیگران رسیدگی می کنند و حقوق خود را می پردازند.

311 قَالَ ﷺ: مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ، وَإِذَا رَهَبَ، وَإِذَا ذَاسْتَهَى، وَإِذَا غَضِبَ وَإِذَا رَضِيَ، حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَي النَّارِ. (361)

فرمود: هر که در چهار موقع مالک نفس خود باشد:

هنگام رفاه و توسعه زندگی، هنگام سختی و تنگدستی، هنگام اشتها و آرزو، هنگام خشم و غضب. خداوند متعال آتش را بر جسم او حرام می گرداند.

312 قَالَ ﷺ: اِنَّ النَّهَارَ إِذَا جَاءَ قَالَ: يَا بْنَ اَدَمَ، اءَعْجَلُ فِى يَوْمِكَ هَذَا خَيْرًا، اءَشْهَدُ لَكَ بِهٖ عِنْدَ رَبِّكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَاِنِّى لَمْ اَتِكَ فِيمَا مَضَى وَلَا اَتِيكَ فِيمَا بَقِيَ، فَاِذَا جَاءَ اللَّيْلُ قَالَ مِثْلُ ذٰلِكَ. (362)

فرمود: هنگامی که روز فرا رسد گوید: تا می توانی در این روز از کارهای خیر انجام ده که من در قیامت در پیشگاه خداوند شهادت می دهم و بدان که من قبلا در اختیار تو نبودم و در آینده نیز پیش تو باقی نخواهم ماند. همچنین هنگامی که شب فرارسد چنین زبان حالی را خواهد داشت.

313 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِرَجُلَيْنِ: رَجُلٌ يَزِدَادُ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِحْسَانًا، وَ رَجُلٌ يَتَدَارَكُ ذَنْبَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَ اءَنَّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَاللَّهُ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ. (363)

فرمود: خیر و خوبی در دنیا وجود ندارد مگر برای دو دسته :

اول آنانکه سعی نمایند در هر روز نسبت به گذشته کار بهتری انجام دهند. دوم آنانکه نسبت به خطاها و گناهان گذشته خود پشیمان و سرافکنده گردند و توبه نمایند، و توبه کسی پذیرفته نیست مگر آنکه معتقد به ولایت ما اهل بیت عصمت و طهارت باشد.

314 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَارِفًا بِحَقِّنَا عُتِقَ مِنَ النَّارِ وَ كُتِبَ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. (364)

فرمود: هر کس روز جمعه بمیرد و عارف به حق ما اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) باشد از آتش دوزخ آزاد می گردد، و نیز از عذاب شب اول قبر در امان خواهد بود.

315 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ، إِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئُ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ. (365)

فرمود: چه بسا شخصی به وسیله انجام گناهی از نماز شب محروم گردد، همانا تأثیر گناه در روان انسان سریعتر از تأثیر چاقو در گوشت است.

316 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَتَخَلَّلُوا بِعُودِ الرِّيحَانِ وَلَا بِقَصَبِ الرُّمَانِ، فَإِنَّهُمَا يُهَيِّجَانِ عِرْقَ الْجُذَامِ. (366)

فرمود: به وسیله چوب ریحان و چوب انار دندانهای خود را خلال نکنید، چونکه تحریک کننده عوامل مرض جذام و پیسی می باشد.

317 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُذَامِ وَالْبَرَصِ وَالْعَمَى، وَإِنْ لَمْ تَحْتَجْ فَحَكِّهَا حَكًّا. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَخَذَ الشَّارِبُ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ. (367)

فرمود: کوتاه کردن ناخنها در روز جمعه موجب سلامتی از جذام و پیسی و ضعف بینائی چشم خواهد شد و اگر امکان کوتاه کردن آن نباشد سر آنها را بتراش.

و فرمود: کوتاه کردن سبیل در هر جمعه سبب ایمنی از مرض جذام می شود.
318 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَانظُرْ مَا سَلَكَتَ فِي بَطْنِكَ، وَمَا كَسَبْتَ فِي يَوْمِكَ، وَادْكُرْ أَعْنُكَ مَيِّتٌ، وَأَعْنُ لَكَ مَعَادَا. (368)

فرمود: در آن هنگامی که وارد رختخواب خود می شوی، با خود بیندیش که در آن روز چه نوع خوراکیها و آشامیدنیها از چه راهی به دست آورده ای و میل نموده ای.

و در آن روز چه چیزهایی را چگونه و از چه راهی کسب و تحصیل کرده ای.

و در هر حال متوجه باش که مرگ تو را می رباید و سپس در صحرای محشر جهت بررسی گفتار و کردارت حاضر خواهی شد.

319 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ عَالَمٍ، كُلُّ عَالَمٍ مِنْهُمْ أَكْبَرُ مِنْ سَبْعِ سَمَوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ، مَا تَرَى عَالَمٌ مِنْهُمْ إِنْ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَالَمًا غَيْرُهُمْ وَ أِنَّا الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ. (369)

فرمود: همانا خداوند متعال دوازده هزار جهان آفریده است که هر یک از آنها نسبت به آسمانها و زمینهای هفتگانه بزرگتر خواهد بود و من و دیگر ائمه دوازده گانه از طرف خداوند بر همه آنها حجّت و راهنما هستیم.

320 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَدِيثٌ فِي حَلَالٍ وَ حَرَامٍ تَأْخُذُهُ مِنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا مِنْ ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ. (370)

فرمود: سخنی را درباره مسائل حلال و حرام و احکام دین از مؤمنی دریافت کنی بهتر و ارزشمندتر است از تمام دنیا و ثروت‌های آن.

خلاصه حالات نهمین معصوم هفتمین امام حضرت امام موسی بن جعفر

علیه السلام

آن حضرت روز یکشنبه، هفتم ماه صفر، سال 128 هجری قمری⁽³⁷¹⁾ در حال بازگشت از مکه معظمه در روستائی به نام ابواء - بین مکه و مدینه دیده به جهان گشود.

نام : موسی⁽³⁷²⁾ صلوات الله و سلامه علیه.

کنیه : ابوالحسن، ابوالحسن اول، ابوالحسن ماضی، ابوابراهیم، ابوعلی، ابواسماعیل، ابواسحق و...

لقب : عبد صالح، کاظم، باب الحوائج، صابر، رجل، امین، عالم، زاهر، صالح، شیخ، وفی، نفس زکیه، زین المجتهدین و...

نقش انگشتر: حَسْبِيَ اللهُ، الْمَلِكُ لِلَّهِ وَحْدَهُ

پدر: امام جعفر، صادق آل محمد علیهم السلام

مادر: حمیده مصفاة اندلسی، دختر صاعد بربری

دربان : محمد بن فضل، مفضل بن عمر

حضرت روز دوشنبه 25 شوآل، سال 148 هجری قمری پس از شهادت پدر بزرگوارش، در بیست سالگی منصب امامت و رهبریت جامعه اسلامی را به عهده گرفت و تا سال 183 هجری قمری امامت آن حضرت بطول انجامید.

آن حضرت مدت بیست سال و بنابر نقلی 19 سال همزمان با پدر بزرگوارش و مدت 35 سال پس از آن ادامه حیات داد که جمعا 55 سال طبق مشهور عمری با برکت و پر از مشقت را سپری نمود گرچه بعضی عمر آن حضرت را تا 58 سال گفته اند.

علت زندانی شدن آن حضرت را طبق آنچه گفته اند چنین است :

در سالی هارون الرشید به سفر حج رفت و در کنار قبر حضرت رسول
صلی الله علیه و آله جمعی از بنی هاشم و از آن جمله امام موسی کاظم علیه السلام جهت زیارت قبر
آن حضرت حضور داشتند.

هنگامی که هارون الرشید نزدیک قبر مطهر رسید گفت: السلام علیک یا
رسول الله، یابنی عمی، یعنی سلام بر تو ای پسر عمویم.

در همین حال امام کاظم علیه السلام نزدیک قبر آمد و اظهار داشت: السلام علیک
یا أبة، یعنی سلام بر تو ای پدرم.

هارون با چنین صحنه ای چهره خود را درهم کشید و با گرفتن کینه و
عداوت آن حضرت را بر دل، تصمیم بر تحقیر و قتل حضرت را گرفت.

اضافه بر آن سخن چینان دنیاپرست و ریاست طلب که در هر زمان بوده و
هستند از موقعیت سوءاستفاده کرده و در هر فرصت مناسبی بر علیه آن حضرت
نزد هارون بدگوئی و سخن چینی نموده و او را بر علیه حضرت تحریک می
کردند.

تا آنکه به بغداد مراجعت کرد و دستور جلب آن حضرت را صادر و در بصره
زندانی گرداند.

و چون امام علیه السلام مدتی را در زندان بصره سپری نمود، به بغداد منتقل شد و
در زندانی مخوف و وحشتناک با شکنجه های مختلف جسمی و روحی محبوس
گردید.

در مدت زندان حضرت بین مؤرخین اختلاف است.

بنابر مشهور: حضرت توسط سندی بن شاهک، به دستور هارون مسموم و در
روز جمعه 25 رجب، سال 183 هجری قمری⁽³⁷³⁾ در زندان بغداد به شهادت
رسید و در قبرستان بنی هاشم کاظمین دفن گردید.

فرزندان : مرحوم سید محسن امین تعداد 18 پسر و 19 دختر از فرزندان امام کاظم علیه السلام را نام برده است.

و بعضی دیگر گفته اند: آن حضرت دارای 37 دختر و 23 پسر بوده است.

دوران امامت آن حضرت همزمان بود با حکومت منصور دوانیقی، محمد مهدی عباسی، هادی عباسی، هارون الرشید.

نماز آن حضرت : دو رکعت است، در هر رکعت پس از قرائت حمد، دوازده مرتبه سوره توحید خوانده می شود.

و پس از سلام نماز، تسبیح حضرت زهراء علیها السلام گفته خواهد شد و سپس حوائج و خواسته های مشروع از درگاه خداوند متعال خواسته می شود که انشاء الله بر آورده می گردد. ⁽³⁷⁴⁾

چهل حدیث گهربار، از امام موسی بن جعفر علیه السلام

قال الامام موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام :

321 وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ فِي اَرْبَعٍ: اءَوَّلُهَا اَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ، وَالثَّانِيَةُ اَنْ تَعْرِفَ مَا صُنِعَ بِكَ، وَالثَّلَاثَةُ اَنْ تَعْرِفَ مَا اَرَادَ بِكَ، وَالرَّبِيعَةُ اَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ عَنِ دِينِكَ. (375)

فرمود: تمام علوم جامعه را در چهار مورد شناسائی کردم :
اولین آنها اینکه پروردگار و آفریدگار خود را بشناسی و نسبت به او شناخت پیدا کنی.

دوم اینکه بفهمی که از برای وجود تو و نیز برای بقاء حیات تو چه کارها و تلاشهایی صورت گرفته است.

سوم شناسی که برای چه آفریده شده ای و منظور از خلقت تو چیست.
چهارم اینکه معرفت پیدا کنی نسبت به آن چیزهایی که سبب می شود از دین و اعتقادات خود منحرف شوی، یعنی سبب و راه خوشبختی و بدبختی خود را بشناسی و چشم و گوش بسته حرکت نکنی.

322 قال علیه السلام : رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا تَفَقَّهُ، عَرَفَ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَهُ. (376)

فرمود: خداوند متعال رحمت کند آن بنده ای را که در مسائل دینی و اجتماعی و سیاسی و... فقیه و عالم باشد و نسبت به مردم شناخت پیدا کند گرچه مردم او را نشناسند و قدر و منزلت او را ندانند.

323 قال علیه السلام : مَا قَسَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ اِذْ فَضَلَ مِنَ الْعَقْلِ، نَوْمُ الْعَاقِلِ اِذْ فَضَلَ مِنَ سَهْرِ الْجَاهِلِ. (377)

فرمود: چیزی با فضیلت تر و بهتر از عقل بین بندگان توزیع نشده است، تا جائی که خواب عاقل هوشمند افضل از شب زنده داری جاهل بی خرد است.

324 قَالَ ﷺ: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ، وَالْقَبْرُ حِصْنُهُ، وَالْجَنَّةُ مَاءُ وَاوَاهُ. (378)

فرمود: دنیا همچون زندانی است برای مؤمن و قبر قلعه و منزلگاه موقت او است و بهشت جایگاهش خواهد بود.

325 قَالَ ﷺ: بِئْسَ الْعَبْدُ يَكُونُ ذَاوَجْهَيْنِ وَذَالِسَانَيْنِ. (379)

فرمود: بد شخصی است آنکه دارای دو چهره و دو زبان می باشد، (در پیش رو چیزی می گوید و پشت سر چیز دیگر).

326 قَالَ ﷺ: الْمَغْبُونُ مَنْ غَبِنَ عُمْرَهُ سَاعَةً. (380)

فرمود: خسارت دیده و ورشکسته کسی است که عمر خود را هر چند به مقدار یک ساعت هم که باشد بیهوده تلف کرده باشد.

327 قَالَ ﷺ: مَنْ اسْتَشَارَ لَمْ يَعْذِمْ عِنْدَ الصَّوَابِ مَادِحًا، وَ عِنْدَ الْخَطَا عَازِرًا.

(381)

فرمود: کسی که در امور زندگی خود با اهل معرفت مشورت کند، چنانچه درست و صحیح عمل کرده باشد مورد تعریف و تمجید قرار می گیرد و اگر خطا و اشتباه کند عذرش پذیرفته است.

328 قَالَ ﷺ: مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاِعْظُ تَمَكَّنَ مِنْهُ عَدُوُّهُ يَعْنِي الشَّيْطَانَ.

(382)

فرمود: هر کسی عقل و تدبیرش را مورد استفاده قرار ندهد، دشمنش یعنی شیاطین انسی و جنی و نیز هواهای نفسانی به راحتی او را می فریبند و منحرف می شود.

329 قَالَ ﷺ: لَا يَخْلُو الْمُؤْمِنُ مِنْ خَمْسَةٍ: سِوَاكِ، وَمِشْطٍ، وَ سَجَادَةٍ، وَ سَبْحَةٍ

فِيهَا اَرْبَعٌ وَ ثَلَاثُونَ حَبَّةً، وَ خَاتَمٌ عَقِيقٍ. (383)

فرمود: مؤمن باید همیشه پنج چیز همراه خود داشته باشد: مسواک، شانه، مهر و جانماز، تسبیح برای ذکر گفتن انگشتر عقیق به دست راست در حال نماز و دعا و....

330 قَالَ ﷺ: لَا تَدْخُلُوا الْحَمَّامَ عَلَى الرَّيِّقِ، وَلَا تَدْخُلُوهُ حَتَّى تُطْعِمُوا شَيْئًا. (384)

فرمود: بعد از صبحانه بدون فاصله حمام نروید، همچنین سعی شود با معده خالی داخل حمام نروید و حتی الا مکان قبل از رفتن به حمام قدری غذا بخورید.

331 قَالَ ﷺ: إِيَّاكَ وَالْمِزَاحَ، فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ إِيْمَانِكَ، وَيَسْتَخِفُّ مِرْوَتِكَ. (385)

فرمود: برحذر باش از شوخی و مزاح بی جا چون که نور ایمان را از بین می برد و جوانمردی و آبرو را سبک و بی اهمیت می کند.

332 قَالَ ﷺ: أَلَلْحَمُّ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَالسَّمَكُ يُذِيبُ الْجَسَدَ. (386)

فرمود: خوردن گوشت موجب روئیدن گوشت در بدن و فربهی آن می گردد، ولی خوردن ماهی گوشت بدن را آب و جسم را لاغر می کند.

333 قَالَ ﷺ: مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَى عَمَلُهُ، وَمَنْ حَسُنَتْ نِيَّتُهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ، وَمَنْ حَسُنَ بَرُّهُ بِأَخْوَانِهِ وَأَهْلِهِ مُدَّ فِي عُمُرِهِ. (387)

فرمود: هر که زبانش صادق باشد اعمالش پاک می باشد، هر که فکر و نیتش نیک باشد توسعه در روزیش خواهد بود، هر که به دوستان و آشنایانش نیکی و احسان کند عمرش طولانی خواهد شد.

334 قَالَ ﷺ: إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ بَكَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَبُقِعَ الْأَرْضُ. (388)

فرمود: زمانی که دانشمند مؤمنی وفات یابد و بمیرد، ملائکه برای او گریه می کنند.

335 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءَلْمُؤْمِنُ مَثَلُ كَفَّتِي الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي اِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَائِهِ .

(389)

فرمود: مثال مؤمن همانند دو کفه ترازو است که هر چه ایمانش افزوده شود بلاها و آزمایشاتش بیشتر می گردد.

336 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ ارَادَ اَنْ يَكُونَ اَقْوَى النَّاسِ فَلْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ . (390)

فرمود: هر کس بخواهد (در هر جهتی) قوی ترین مردم باشد باید در همه امور توکل بر خداوند سبحان نماید.

337 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءِءَاءُ اَلْمَانَةِ وَالصَّدَقُ يُجَلِّبَانِ الرِّزْقَ ، وَالْخِيَانَةُ وَالْكَذِبُ يُجَلِّبَانِ الْفَقْرَ وَالنَّفَاقَ . (391)

فرمود: امانت داری و راستگویی هر دو موجب توسعه روزی می شوند، و لیکن خیانت در امانت و دروغگویی موجب فلاکت و بیچارگی و سبب تیرگی دل می گردد.

338 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءِءَلِّغْ خَيْرًا وَ قَلْ خَيْرًا وَ لَاتَكُنْ اِمَّعَةً . (392)

فرمود: نسبت به هم نوع خود خیر و نیکی داشته باش، و سخن خوب و مفید بگو، و خود را بی تفاوت و بی مسئولیت قرار مده.

339 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَفَقَّهُوْا فِي دِيْنِ اللّٰهِ ، فَاِنَّ اَلْفَقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيْرَةِ ، وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ ، وَ

السَّبَبُ اِلَى مَنَازِلِ الرَّفِيْعَةِ وَالرُّتْبِ الْجَلِيْلَةِ فِي الدِّيْنِ وَالدُّنْيَا . (393)

فرمود: مسائل و احکام اعتقادی و عملی دین را فرا گیرید چون که شناخت احکام و معرفت نسبت به دستورات خداوند کلید بینائی و بینش و اندیشه می باشد و موجب تمامیت کمال عبادات و اعمال خواهد بود، و راه به سوی مقامات و منازل بلند مرتبه در دنیا و آخرت است.

340 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَضْلُ الْفَقِيْهِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ . (394)

فرمود: ارزش و فضیلت فقیه بر عابد همانند فضیلت خورشید بر ستاره ها است.

341 قال عليه السلام: عَظُمَ الْعَالَمَ لِعِلْمِهِ وَدَعُ مُنَازَعَتَهُ، وَصَغُرَ الْجَاهِلُ لِجَهْلِهِ وَلَا تَطْرُدُهُ وَلَكِنْ قَرْبُهُ وَعَلْمُهُ. (395)

فرمود: عالم را به جهت عملش تعظیم و احترام کن و با او منازعه منما، و اعتنائی به جاهل مکن ولی طردش هم نگردان، بلکه او را جذب نما و آنچه نمی داند تعلیمش ده.

342 قال عليه السلام: صَلَاةُ النَّوَافِلِ قُرْبَانٌ إِلَى اللَّهِ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ. (396)

فرمود: انجام نمازهای مستحبی، هر مؤمنی را به خداوند متعال نزدیک می نماید.

343 قال عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ، مَسُّهَا لَيْنٌ وَفِي جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ، يَحْذَرُهَا الرَّجَالُ ذَوِي الْعُقُولِ وَيَهْوَى إِلَيْهَا الصَّبِيَانُ بِأَيْدِيهِمْ. (397)

فرمود: مثل دنیا همانند مار است که پوست ظاهر آن نرم و لطیف و خوشرنگ می باشد، ولی درون آن سم کشنده است که مردان عاقل و هشیار از آن گریزانند، ولی بچه صفتان و بولهوسان به سوی آن عشق می ورزند.

344 قال عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ إِزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ. (398)

فرمود: مثل دنیا (و اموال و زیورآلات و تجملات آن) همانند آب دریا است که انسان تشنه هر چه از آن بیاشامد بیشتر تشنه می شود و آنقدر میل می کند تا هلاک شود.

345 قال عليه السلام: لَيْسَ الْقُبْلَةُ عَلَى الْفَمِ إِلَّا لِلزَّوْجَةِ وَالْوَلَدِ الصَّغِيرِ. (399)

فرمود: بوسیدن لبها و دهان برای یکدیگر در هر حالتی جایز نیست مگر برای همسر و یا فرزند کوچک.

346 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ نَظَرَ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَ مَنْ تَرَكَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ ضَلَّ، وَ مَنْ تَرَكَ كِتَابَ اللَّهِ وَ قَوْلَ نَبِيِّهِ كَفَرَ. (400)

فرمود: هر کس به رایی و سلیقه خود اهمیّت دهد و در مسائل دین به آن عمل کند هلاک می شود، و هر کس اهل بیت پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را رها کند گمراه می گردد، و هر کس قرآن و سنت رسول خدا را ترک کند کافر می باشد.

347 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ الْفَارِغَ. (401)

فرمود: همانا خداوند دشمن دارد بنده ای را که زیاد بخوابد، همانا خداوند دشمن دارد بنده ای را که بیکار باشد.

348 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّوَاضِعُ: اءَنْ تُعْطَى النَّاسَ مَا تُحِبُّ اءَنْ تُعْطَاهُ. (402)

فرمود: تواضع و فروتنی آنست که آنچه دوست داری دیگران درباره تو انجام دهند تو هم همان را درباره دیگران انجام دهی.

349 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُسْتَحَبُّ غَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ وَ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ اءَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ لِئَلَّا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ. (403)

فرمود: بهتر است پسر را در دوران کودکی بکارهای مختلف و سخت وادار نمائی تا در بزرگی حلیم و بردبار باشد. و بهتر است مرد نسبت به اهل منزل خود دست و دل باز باشد و در حدّ توان رفع نیاز کند تا آرزوی مرگش را ننمایند.

350 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا إِسْتَزَادَ اللَّهَ، وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئًا إِسْتَعْفَرَ اللَّهَ وَ تَابَ إِلَيْهِ. (404)

فرمود: از شیعیان و دوستان ما نیست کسی که هر روز محاسبه نفس و بررسی اعمال خود را نداشته باشد که چنانچه اعمال و نیاتش خوب بوده سعی کند بر آنها بیفزاید، و اگر زشت و ناپسند بوده است از خداوند طلب مغفرت و آمرزش کند و جبران نماید.

351 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلٌ وَدَلِيلُ الْعَاقِلِ التَّفَكُّرُ. (405)

فرمود: برای هر چیزی دلیل و راهنمایی است و راهنمای شخص عاقل تفکر و اندیشه می باشد.

352 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ اءْتَقَلُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (406)

فرمود: نیست چیزی و عملی سنگینتر در میزان از ذکر صلوات بر محمد و اهل بیتش (صلوات الله عليهم اجمعين).

353 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَلِيلُ الْعَمَلِ مِنَ الْعَاقِلِ مَقْبُولٌ مُضَاعَفٌ وَكَثِيرُ الْعَمَلِ مِنْ اءْهَلِ الْهَوَى وَالْجَهْلِ مَرْدُودٌ. (407)

فرمود: اعمال شخص عاقل مقبول است هر چند کم و ناچیز باشد چند برابر اجر خواهد داشت، ولی شخص نادان و هوسران گرچه زیاد کار و خدمت و عبادت کند پذیرفته نخواهد بود.

354 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَشَعْرُ الْجَسَدِ إِذَا طَالَ قَطَعَ مَاءَ الصُّلْبِ، وَاَرْخَى الْمَفَاصِلَ، وَوَرَّثَ الضَّعْفَ وَالسَّلَّ، وَإِنَّ النُّورَةَ تَزِيدُ فِي مَاءِ الصُّلْبِ، وَتُقَوِّي الْبَدْنَ، وَتَزِيدُ فِي شَحْمِ الْكُلَيْتَيْنِ، وَتَسْمِنُ الْبَدْنَ. (408)

فرمود: موهای بدن زیر بغل و اطراف عورت چنانچه بلند شود سبب قطع و کمبود آب کمر، و سستی مفاصل استخوان و سبب ضعف و مرض سل خواهد شد، استعمال نوره موجب تقویت تمامی آنها خواهد بود.

355 قَالَ ﷺ : ثَلَاثَةٌ يَجْلُونَ الْبَصَرَ: النَّظَرُ إِلَى الْخَضْرَاءِ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي، وَالنَّظَرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ. (409)

فرمود: سه چیز بر نورانیت چشم می افزاید: نگاه بر سبزه، نگاه بر آب جاری، نگاه به صورت زیبا.

356 قَالَ ﷺ : إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ، وَءَنَا وَاللَّهِ ذَلِكَ الْحُجَّةُ. (410)

فرمود: همانا زمین در هیچ موقعیتی خالی از حجت خدا نیست و به خدا سوگند که من خلیفه و حجت خداوند هستم.

357 قَالَ ﷺ : سُرْعَةُ الْمَشْيِ تَذْهَبُ بِبِهَاءِ الْمُؤْمِنِ. (411)

فرمود: با سرعت و شتاب راه رفتن بهاء و موقعیت مؤمن را می کاهد.

358 قَالَ ﷺ : إِنَّمَا امْرَأَتُكُمْ أَعْنَ تَسْأَلُوا، وَكَيْسَ عَلَيْنَا الْجَوَابُ، إِنَّمَا ذَلِكَ إِلَيْنَا.

(412)

فرمود: شماها ماء مور شده اید که از ما اهل بیت رسول الله سؤال کنید، و لیکن جواب و پاسخ آنها بر ما واجب نیست بلکه اگر مصلحت بود پاسخ می دهیم و گرنه ساکت می باشیم.

359 قَالَ ﷺ : مَا ذُنْبَانِ ضَارِيَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ غَابَ عَنْهُ رِعَاؤُهُمَا، بَاءَ ضَرِّ فِي

دِينِ مُسْلِمٍ مِنْ حُبِّ الرِّيَاسَةِ. (413)

فرمود: خطر و ضرر علاقه به ریاست برای مسلمان بیش از آنست که دو گرگ درنده به گله گوسفندی که چوپان ندارند حمله کنند.

360 قَالَ ﷺ : الْإِيمَانُ فَوْقَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ، وَالتَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ،

وَ الْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ، وَ مَا قُسِّمَ فِي النَّاسِ شَيْئٌ أَعْقَلُ مِنَ الْيَقِينِ. (414)

فرمود: ایمان به یک درجه از اسلام بالاتر است، تقوی نیز یک درجه از ایمان بالاتر، یقین یک درجه از تقوی بالاتر و برتر می باشد و درجه ای کمتر از مرحله یقین در بین مردم ثمربخش نخواهد بود.

خلاصه حالات دهمین معصوم هشتمین امام حضرت امام علی بن موسی

الرضا علیه السلام

آن حضرت روز جمعه یا پنجشنبه، 11 ذی القعدة، سال 148⁽⁴¹⁵⁾ هجری قمری، یکسال پس از شهادت امام صادق علیه السلام در مدینه منوره دیده بجهان گشود.

نام: علی صلوات الله و سلامه علیه⁽⁴¹⁶⁾

کنیه: ابوالحسن ثانی، ابوعلی و...

لقاب: رضا، صابر، زکی، وفی، ولی، رضی، ضامن، غریب، نورالهدی، سراج الله، غیظ المحدثین و...

پدر: امام موسی کاظم، باب الحوائج إلى الله علیه السلام.

مادر: شقراء، معروف به خیزران، امّ البنین، و بعضی گفته اند: نجمه بوده است.

نقش انگشتر: حَسْبِيَ اللهُ، مَا شَاءَ اللهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَلِيَّ اللهُ.

دربان: محمد بن فرات، محمد بن راشد را گفته اند.

مدّت امامت: بنا بر مشهور، روز جمعه، 25 رجب، سال 183 هجری پس از شهادت پدر مظلومش بلافاصله مسئولیت رهبری جامعه و امامت را بعهده گرفت و تا سال 203 یا 206 رهبریّت و امامتش بطول انجامید.

مدّت عمر: در طول عمر آن حضرت بین 49 تا 57 سال اختلاف است و بر همین مبنا در مقدار و مدّت همزیستی با پدر بزرگوارش و نیز در مدّت حیات پس از پدرش اختلاف می باشد، گرچه گفته اند که آن حضرت 29 سال و دو ماه در حیات پدر خود بوده است.

و در سال 200 هجری به خراسان توسط ماءمون احضار گردید.

در علت آمدن امام رضا علیه السلام به خراسان بین مؤرخین اختلاف است، ولی می توان از مجموع استفاده نمود براینکه: چون هارون الرشید به هلاکت رسید، بغداد و حوالی آن در اختیار امین، و خراسان با حوالی آن تحت حکومت مأمون بود.

پس از گذشت مدتی کوتاه بین دو برادر اختلاف و جنگ رونق گرفت و امین کشته شد.

و مأمون جهت استحکام قدرت خود چنان ابراز داشت که از علاقمندان خاندان علی بن ابی طالب و سادات بنی الزهراء می باشد.

در سال 200 هجری نامه ای به مدینه فرستاد تا حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را از راه بصره اهواز از غیر مسیر شهر قم به خراسان منتقل گردانند. و چون حضرت کاملاً نسبت به افکار و دسیسه های مأمون آگاه بود، هنگامی که به شهر مرو رسید و مأمون پیشنهاد بیعت و خلافت را داد نپذیرفت و دو ماه بطور مرتب با شیوه های گوناگونی اصرار و در نهایت حضرت را تهدید به قتل کرد.

به همین جهت مجبور گردید ولایتعهدی را تحت شرایطی بپذیرد و پنجشنبه پنجم ماه رمضان سال 201 بیعت انجام گرفت مشروط بر آنکه در هیچ کاری از حکومت دخالت ننماید.

و در نهایت پس از آنکه مأمون به هدف خود رسید و از هر جهت حکومت خود را ثابت و استوار یافت، شخصاً تصمیم قتل حضرت رضا علیه السلام را گرفت و به وسیله انگور زهرآلود آن امام مظلوم و غریب را مسموم و شهید کرد.

شهادت: بنا بر مشهور بین تاریخ نویسان روز جمعه یا دوشنبه آخر ماه صفر در سال 203 یا 206 قمری⁽⁴¹⁷⁾ به وسیله زهر مسموم و در سناباد خراسان

شهید و به عالم بقاء رحلت نمود و در منزل حمیدبن قحطبه کنار قبر هارون الرشیّد دفن گردید.

فرزندان : عدّه ای گفته اند حضرت دارای پنج پسر و یک دختر به نام فاطمه بوده، ولی اکثر بر این عقیده اند که حضرت بیش از یک پسر به نام ابوجعفر محمدجواد علیه السلام نداشته است.

خلفاء هم عصر آن حضرت : امامت حضرت مصادف با حکومت هارون الرشیّد، فرزندش امین، عمویش ابراهیم، دوّمین فرزندش محمد، سوّمین فرزندش عبداللّه ملقب به ماءمون عبّاسی گردید.

نماز آن حضرت : شش رکعت است در هر رکعتی پس از حمد، ده مرتبه «هل اءتى على الا نسان حين من الدهر لم يكن شيئا مذكورا» خوانده می شود
(418)

و بعد از آخرین سلام، تسبیح حضرت زهراء عليها السلام را بگوید و حاجت خود را از درگاه خداوند متعال مسئلت نماید که انشاء الله برآورده خواهد شد.

چهل حدیث گهربار، از علی بن موسی الرضا علیه السلام

قال الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام :

361 مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام بِشَطِّ الْفَرَاتِ، كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ. (419)

فرمود: هر مؤمنی که قبر امام حسین علیه السلام را کنار شط فرات در کربلاء زیارت کند همانند کسی است که خداوند متعال را بر فراز عرش زیارت کرده باشد.

362 كَتَبَ علیه السلام : اَبْلِغْ شِيعَتِي : اِنَّ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اَلْفَ حِجَّةٍ، فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام : اَلْفُ حِجَّةٍ؟! قَالَ: اِي وَاللَّهِ، وَ اَلْفُ اَلْفِ حِجَّةٍ، لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ. (420)

به یکی از دوستانش نوشت : به دیگر دوستان و علاقمندان ما بگو: نواب زیارت قبر من معادل است با یک هزار حج.

راوی گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم : هزار حج برای ثواب زیارت پدرت می باشد؟!

فرمود: بلی، هر که پدرم را با معرفت در حقیقت زیارت نماید، هزار هزار یعنی یک میلیون حج ثواب زیارتش می باشد.

363 قَالَ علیه السلام : اءَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ الْعَبْدُ عَلَيْهِ، الصَّلَاةُ، فَإِنْ صَحَّتْ لَهُ الصَّلَاةُ صَحَّ مَسْوَاهَا، وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَسْوَاهَا. (421)

فرمود: اولین عملی که از انسان مورد محاسبه و بررسی قرار می گیرد نماز است، چنانچه صحیح و مقبول واقع شود، بقیه اعمال و عبادات نیز قبول می گردد وگرنه مردود خواهد شد.

364 قَالَ علیه السلام : لِلصَّلَاةِ اَرْبَعَةٌ اَلْفُ بَابٌ. (422)

فرمود: نماز دارای چهار هزار جزء و شرط می باشد.

365 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ. (423)

فرمود: نماز هر شخص با تقوا و پرهیزکاری را به خداوند متعال نزدیک کننده است.

366 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُؤْخَذُ الْغُلَامُ بِالصَّلَاةِ وَهُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ. (424)

فرمود: پسران باید در سنین هفت سالگی به نماز وادار شوند.

367 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النِّسَاءِ فِي الْوُضُوءِ أَنْ تَبْدَأَ الْمَرْءَةَ بِبِاطِنِ

ذِرَاعِهَا وَالرَّجُلُ بِظَاهِرِ الذَّرَاعِ. (425)

فرمود: خداوند در وضو بر زنان لازم دانسته است که از جلوی آرنج آب بریزند و مردان از پشت آرنج، (این عمل از نظر فتوای مراجع تقلید مستحب می باشد).

368 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أُمَّرْنَا، قِيلَ: كَيْفَ يُحْيِي أُمَّرُكُمْ؟

قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ. (426)

فرمود: رحمت خدا بر کسی باد که امر ما را زنده نماید.

سؤال شد: چگونه؟ حضرت پاسخ داد: علوم ما را فراگیرد و به دیگران

بیاموزد.

369 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَتَاءُ مَرْنٍ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَتْنُهُنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْلَيْسَتْ تَعْمَلْنَ عَلَيْكُمْ

شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَاكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ. (427)

فرمود: باید هر یک از شماها امر بمعروف و نهی از منکر نمائید، وگرنه شروترین افراد بر شما تسلط یافته و آنچه دعا و نفرین کنید مستجاب نخواهد شد.

370 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يُكْفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ، فَلَيْكَ كَثْرٌ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا. (428)

فرمود: کسی که توان جبران نابودی گناهانش را ندارد، زیاد بر حضرت محمد و اهل بیتش صلوات و درود فرستد تا گناهانش - که حق الناس نباشد محو و نابود گردد.

371 قَالَ ﷺ: الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلَّ التَّسْبِيحُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّكْبِيرُ. (429)

فرمود: فرستادن صلوات بر محمد و اهل بیتش (صلوات الله عليهم اجمعين) در پیشگاه خداوند پاداش «سبحان الله، لا إله إلا الله، الله أكبر» را دارد.

372 قَالَ ﷺ: لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا. (430)

فرمود: چنانچه زمین لحظه ای خالی از حجت خداوند باشد، اهل خود را در خود فرو می برد.

373 قَالَ ﷺ: عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ، فَقِيلَ لَهُ: وَمَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ فَقَالَ ﷺ: الدُّعَاءُ. (431)

فرمود: بر شما باد به کارگیری سلاح پیامبران، به حضرت گفته شد: سلاح پیغمبران چیست؟ در جواب فرمود: توجه به خداوند داشتن و از او کمک خواستن و دعا کردن.

374 قَالَ ﷺ: صَاحِبُ النُّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعَةُ عَلَى عِيَالِهِ. (432)

فرمود: هر که به هر مقدار در توانش می باشد باید برای اهل منزل خود انفاق و خرج کند.

375 قَالَ ﷺ: الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَرَحْمَةٌ وَلِلْكَافِرِ تَغْذِيبٌ وَلَعْنَةٌ، وَإِنَّ الْمَرَضَ لَا يَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ. (433)

فرمود: مریضی برای مؤمن سبب رحمت و آمرزش گناهانش می باشد و برای کافر عذاب و لعنت خواهد بود.

سپس افزود: مریضی همیشه همراه مؤمن است تا آنکه از گناهانش چیزی باقی نماند و پس از مرگ آسوده و راحت باشد.

376 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كَتَهَلَ الرَّجُلُ فَلَا يَدْعُ عَنْ يَأْ كُلَّ بِاللَّيْلِ شَيْئًا، فَإِنَّهُ أَوْهَدٌ لِنَوْمِهِ، وَأَوْطَيْبٌ لِلنَّكْهَةِ. (434)

فرمود: وقتی که مرد به مرحله پیری و کهولت سن برسد، حتما هنگام شب قبل از خوابیدن مقداری غذا تناول کند که برای آسودگی خواب مفید است، همچنین برای همخوابی و زناشوئی سودمند خواهد بود.

377 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اسْتَفَادَ أَخَا فِي اللَّهِ فَقَدْ اسْتَفَادَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ. (435)

فرمود: کسی که به برادرش یا دوستش فائده ای برساند خانه ای در بهشت فائده برده است.

378 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يُجْمَعُ الْمَالُ إِلَّا بِخَمْسِ خِصَالٍ: بِبُخْلِ شَدِيدٍ، وَءَمَلٍ طَوِيلٍ، وَحِرْصٍ غَالِبٍ، وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ، وَإِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ. (436)

فرمود: ثروت انباشته نمی گردد مگر با یکی از پنج راه:

بخیل بودن، آرزوی طول و دراز داشتن، حریص بر دنیا بودن، قطع صلہ رحم کردن، آخرت را فدای دنیا کردن.

379 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَّرُوا فِي الطَّعَامِ، لَأَسْتَقَامَتْ أَعْبَادُهُمْ. (437)

فرمود: چنانچه مردم خوراک خود را کم کنند و پرخوری ننمایند، بدنهای آنها دچار امراض مختلف نمی شود.

380 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ خَرَجَ فِي حَاجَةٍ وَمَسَحَ وَجْهَهُ بِمَاءِ الْوَرْدِ لَمْ يَرْهَقْ وَجْهَهُ قَتْرًا وَلَا ذَلَّةً. (438)

فرمود: هر که هنگام خروج از منزل برای حوایج زندگی خود، صورت خود را با گلاب خوشبو نماید، ذلت و خواری دچارش نخواهد شد.

381 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي الْهِنْدُ بَاءٍ شِفَاءً مِنْ أَلْفِ دَاءٍ، مَا مِنْ دَاءٍ فِي جَوْفِ الْإِنْسَانِ إِلَّا قَمَعَهُ الْهِنْدُ بَاءٌ. (439)

فرمود: گیاه کاسنی شفای هزار نوع درد و مرض است، کاسنی هر نوع مرضی را در درون انسان ریشه کن می نماید.

382 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّخِيُّ يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ، وَالْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِكَيْ لَا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ. (440)

فرمود: افراد سخاوتمند از خوراک دیگران استفاده می کنند تا دیگران هم از امکانات ایشان بهره گیرند و استفاده کنند و لیکن افراد بخیل از غذای دیگران نمی خورند تا آنها هم از غذای ایشان نخورند.

383 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شِيعَتُنَا الْمُسْلِمُونَ لَاءَ مَرْنَا، الْآخِذُونَ بِقَوْلِنَا، الْمُخَالِفُونَ لَاءَ عِدَائِنَا، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا. (441)

فرمود: شیعیان ما کسانی هستند که تسلیم امر و نهی ما باشند، گفتار ما را سرلوحه زندگی در عمل و گفتار خود قرار دهند، مخالف دشمنان ما باشند و هر که چنین نباشد از ما نیست.

384 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا، فَبَكَى وَ أَبَكَى لَمْ تَبْكِ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ، وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ. (442)

فرمود: هر که مصائب ما اهل بیت عصمت و طهارت را یادآور شود و گریه کند یا دیگری را بگریاند، روزی که همه گریان باشند او نخواهد گریست، و هر که در مجلسی بنشیند که علوم و فضائل ما گفته شود همیشه زنده دل خواهد بود.

385 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُسْتَتِرُ بِالْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَبْعِينَ حَسَنَةً، وَالْمُذِيعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ، وَالْمُسْتَتِرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ. (443)

فرمود: مخفی انجام دادن و پوشانیدن حسنه و کار نیک معادل هفتاد حسنه است، و آشکار ساختن گناه و خطا یکنوع رذالت و پستی است، پوشاندن و آشکار نکردن خطا و گناه موجب آمرزش آن خواهد بود.

386 إِنَّهُ سُئِلَ مَا لِعَقْلِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّجَرُّعُ لِلْغَصَّةِ، وَ مُدَاهَنَةُ الْأَعْدَاءِ، وَ مُدَارَاةُ الْأَصْدِقَاءِ. (444)

از امام رضا علیه السلام سؤال شد که عقل و هوشیاری چگونه است؟ حضرت در جواب فرمود: تحمل مشکلات و ناملايمات، درک حرکات دشمن و مدارا کردن با دوستان می باشد که اختلاف نظرها سبب فتنه و آشوب نشود.

387 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا بِتَحْرِيمِ الْخَمْرِ، وَ اَعْنُ يَقْرَبُ بَأَنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ. (445)

فرمود: خداوند هیچ پیغمبری را نفرستاده است مگر آنکه در شریعت او شراب و مُسکرات حرام بوده است، همچنین هر یک از پیامبران معتقد بودند که خداوند هر آنچه را اراده کند انجام می دهد.

388 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَتْرُكُوا الطَّيِّبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ. (446)

فرمود: سعی نمائید هر روز عطر استفاده نمائید و اگر نتوانستید یک روز در میان، و اگر نتوانستید پس هر جمعه خود را معطر و خوشبو گردانید (با رعایت شرائط زمان و مکان).

389 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كَذِبَ الْوَلَاةُ حُسِبَ الْمَطْرُ، وَ إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتِ الدَّوْلَةُ، وَ إِذَا حُبِسَتِ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي. (447)

فرمود: هرگاه والیان و مسئولان حکومت دروغ گویند باران نمی بارد، و اگر رئیس حکومت ظلم و ستم نماید پایه های حکومتش سست و ضعیف می گردد، و چنانچه مردم زکات و خمس مالشان را نپردازند چهارپایان می میرند.

390 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَلَائِكَةُ تُقَسِّمُ اِرْزَاقَ بَنِي آدَمَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَمَنْ نَامَ فِيمَا بَيْنَهُمَا نَامَ عَنْ رِزْقِهِ. (448)

فرمود: ما بین طلوع سپیده صبح تا طلوع خورشید ملائکه الهی ارزاق انسانها را سهمیه بندی می نمایند، هر کس در این زمان بخوابد محروم خواهد شد.

391 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَجًا لَلَّهِ قَلْبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (449)

فرمود: هر کس مشکلی از مؤمنی را بر طرف نماید و او را خوشحال سازد، خداوند او را روز قیامت خوشحال و راضی می گرداند.

392 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ نَا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَبِحَقِيقَةِ النُّفَاقِ. (450)

فرمود: همانا ما اهل بیت عصمت و طهارت چنانچه شخصی را بنگریم، ایمان و اعتقاد او را می شناسیم که اعتقادات درونی و افکار او چگونه است.

393 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا إِلَّا إِعْنُ يَكُونُ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ سُنَّةٌ مِّنْ نَّبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِّنْ وَلِيِّهِ، أَمَّا السُّنَّةُ مِنَ اللَّهِ فَكِتْمَانُ السَّرِّ، أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ مُدَارَاةُ النَّاسِ، أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ. (451)

فرمود: مؤمن حقیقت ایمان را درک نمی کند مگر آنکه 3 خصلت در او باشد:

خصلتی از خداوند که کتمان اسرار افراد باشد، خصلتی از پیغمبر اسلام

که مدارا با مردم باشد، خصلتی از ولی خدا که صبر و شکیبایی در مقابل شدائد و سختی ها باشد.

394 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ الصُّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ، يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ، إِنَّهُ دَلِيلٌ

عَلَى كُلِّ خَيْرٍ. (452)

فرمود: همانا سکوت و خاموشی وسیله ای از راههای حکمت است، سکوت موجب محبت و علاقه می گردد، سکوت راهنمایی برای کسب خیرات می باشد.

395 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ السُّنَّةِ التَّزْوِيجُ بِاللَّيْلِ، لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا، وَالنَّسَاءُ إِنْ مَاهُنَّ سَكَنَ. (453)

فرمود: بهترین وقت برای تزویج و زناشوئی شب است که خداوند متعال شب را وسیله آرامش و سکون قرار داده، همچنین زنان آرامبخش و تسکین دهنده خواهند بود.

396 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ عَبْدٍ زَارَ قَبْرَ مُؤْمِنٍ، فَقَرَأَ عَلَيْهِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِصَاحِبِ الْقَبْرِ. (454)

فرمود: هر بنده ای از بندگان خداوند بر قبر مؤمنی جهت زیارت حضور یابد و هفت مرتبه سوره مبارکه اننا انزلناه را بخواند، خداوند متعال گناهان او و صاحب قبر را مورد بخشش و آمرزش قرار می دهد.

397 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْأَخُ الْأَكْبَرُ بِمَنْزِلَةِ الْأَبِ. (455)

فرمود: برادر بزرگ جانشین و جایگزین پدر خواهد بود.

398 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا تَغْضِبُ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا، فَلَا تَغْضِبْ لَهُ بِأَكْثَرِ مِمَّا غَضِبَ عَلَى نَفْسِهِ. (456)

فرمود: چنانچه در موردی خواستی غضب کنی و برای خدا بر خورد نمائی، پس متوجه باش که در جهت و محدوده رضایت و خوشنودی خداوند، غضب و خشم خود را اعمال کنی.

399 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَرْتُ، تَزْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ، أَيْ مَا لِبَرِّ فَمَا أَكَلَ مِنْ شَيْءٍ إِسْتَغْفَرَ لَكَ، وَ أَيْ مَا لِفَاجِرٍ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ لَعَنَهُ، وَ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبُهَائِمُ وَالطَّيْرُ. (457)

فرمود: بهترین کارها، شغل کشاورزی است، چونکه در نتیجه کشت و تلاش، همه انسانهای خوب و بد از آن استفاده می کنند.

اما استفاده خوبان سبب آمرزش گناهان می باشد، ولی استفاده افراد فاسد و فاسق موجب لعن ایشان خواهد شد، همچنین تمام پرنده ها و چرندگان از تلاش و نتیجه کشت بهره مند خواهند شد.

400 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ، قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (458)

فرمود: هر کس روز عاشورای امام حسین علیه السلام دنبال کار و کسب نرود (و مشغول عزاداری و حزن و اندوه گردد) خداوند متعال خواسته ها و حوائج دنیا و آخرت او را برآورده می نماید.

خلاصه حالات یازدهمین معصوم نهمین امام حضرت امام جواد الائمه علیه السلام

آن حضرت طبق مشهور، شب جمعه دهم ماه رجب سال 195 هجری قمری ⁽⁴⁵⁹⁾ در مدینه منوره دیده به جهان گشود.

نام: محمد ⁽⁴⁶⁰⁾ صلوات الله و سلامه علیه.

کنیه: ابوجعفر ثانی، ابوعلی.

لقب: جواد، قانع، مرتضی، نجیب، تقی، منتخب، هادی القضاة، سیدالهداة، مصباح المتهجّدين، جوادالائمه و...

پدر: امام علی بن موسی الرضا، مُغِيثِ الشَّيْعةِ وَالزَّوَّارِ علیه السلام.

مادر: به چند نام و لقب معروف است: درّه، سبیکه، ریحانه، خیزران و... از خانواده ماریه قبطی.

نقش انگشتر: نَعْمَ الْقَادِرُ اللهُ.

دربان: عمر بن فرات، عثمان بن سعید سمان.

هنگامی که حضرت جواد علیه السلام در سنین پانزده ماهگی رسید بعضی از مخالفان بر علیه حضرت جوسازی کردند و گفتند: این کودک فرزند حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نیست.

به همین جهت حضرت در همان سنین کودکی در جمع بسیاری از بزرگان و شعراء، ضمن معرفی خود، خطبه ای بسیار بلیغ و فصیح ایراد نمود که تمام حضار و شنوندگان در حیرت و تعجب قرار گرفتند و حضرت تمام شبهه ها و جوسازی ها را برطرف نمود و آن خطبه در آن مجلس یکی از معجزات حضرت محسوب شد.

پس از آنکه حضرت رضا علیه السلام توسط ماءمورین مسموم و به شهادت رسید و مردم مخصوصا سادات بنی الزهراء نسبت به جنایت خلیفه آگاه شدند، ماءمون

از خطرات احتمالی بیمناک شد و امام جواد علیه السلام را از مدینه احضار و در بغداد کنار کاخ خود منزلی برایش تهیه کرد تا از هر جهت تحت نظر باشد. و در ضمن جلب توجه عامه مردم شود چون در ظاهر امام را مورد احترام و تکریم قرار می داد.

پس از گذشت مدتی، جهت تداوم سیاست عوام فریبانه خود و نجات از خطرات احتمالی، دخترش امّ الفضل را به ازدواج آن حضرت درآورد تا هم جلب توجه افکار عموم را نموده و هم تمام موارد زندگی و حرکات آن حضرت را در کنترل خود درآورد بطوری که هر لحظه کوچکترین اتفاقی رخ می داد بلافاصله توسط ماءمورین از آن آگاه می گشت آنهم با تحریفات مختلف و به عبارت دیگر یک کلاغ چهل کلاغ شدن -.

و چندین مرحله به جهت گزارشات کذب و بی مورد جاسوسان و مخصوصا همسر حضرت امّ الفضل، آن امام مظلوم مورد شکنجه های روحی و جسمی قرار گرفت.

و طبق روایت علیّ بن ابراهیم، مردم از اقشار و طبقات مختلف بر حضرت جواد علیه السلام وارد می شدند و پیرامون مسائل و فنون مختلف سؤال می کردند. و حتی در دوران ده سالگی در یک مجلس سی هزار مسئله از حضرت سؤال شد و در همان مجلس جواب تمامی آن مسائل را داد.

مدّت امامت: بنا بر مشهور آن حضرت در روز جمعه یا دوشنبه آخر ماه صفر، سال 203 یا 206 هجری قمری پس از شهادت مظلومانه پدر بزرگوارش به منصب والای امامت و خلافت نائل آمد و حدود هیجده سال امامت و رهبری جامعه را بر عهده داشت.

مدّت عمر: حضرت مدّت هشت یا هفت سال و چهار ماه در حیات پدر بزرگوارش و پس از شهادت و رحلت پدر نیز حدود هیجده سال به عنوان رهبر و امام مسلمین، هدایتگری جامعه را عهده دار بود، بنابراین عمر آن حضرت را حدود 25 سال گفته اند.

شهادت: بنا بر مشهور، روز سه شنبه پنجم ماه ذی الحجّه، سال 220⁽⁴⁶¹⁾ در زمان حکومت معتصم و به دستور او در بغداد به وسیله زهر توسط همسرش امّ الفضل مسموم و به شهادت رسید و در قبرستان بنی هاشم کنار قبر جدّش امام کاظم علیه السلام دفن گردید.

فرزند: طبق آنچه مؤرّخین آورده اند: حضرت دارای دو فرزند پسر و سه دختر بوده است.

خلفاء هم عصر: امامت آن حضرت همزمان با حکومت مأمون عباسی و معتصم مصادف گردید.

نماز امام جواد علیه السلام: چهار رکعت است، در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، چهار مرتبه سوره توحید خوانده می شود.

و پس از آخرین سلام و ذکر تسبیح حضرت زهرا علیها السلام صد مرتبه گفته می شود: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد. ⁽⁴⁶²⁾ و سپس نیازها و حوائج شرعی خود را از خداوند متعال طلب می نماید.

چهل حدیث گهربار، از حضرت امام جواد علیه السلام

401 قال الامام ابو جعفر، محمد الجواد علیه السلام :

المؤمن يحتاجُ إلى ثلاث خصال: توفيقٍ من الله عزَّ وجلَّ، وواعظٍ من نفسه، وقبولٍ ممن ينصحه. ⁽⁴⁶³⁾

فرمود: مؤمن در هر حال نیازمند به سه خصلت است :

توفیق از طرف خداوند متعال، واعظی از درون خود، قبول و پذیرش نصیحت کسی که او را نصیحت نماید.

402 قال علیه السلام : مُلاَقاةُ ألي خوانِ نَشرةٍ، وَ تَلْقِيحُ لِّلْعَقْلِ وَ إِن كانَ نَزراً قَليلًا. ⁽⁴⁶⁴⁾

فرمود: دیدار و هم صحبت شدن با دوستان خوب موجب شادمانی و افزایش بینش و روشنایی افکار خواهد بود گرچه اندک باشد.

403 قال علیه السلام : إِيّاكَ وَ مُصاحِبَةَ الشَّريرِ، فَإِنَّهُ كَالسَّيفِ الْمَسْلُولِ، يَحْسُنُ مَنْظَرُهُ وَ يَقْبِحُ أَءَثْرُهُ. ⁽⁴⁶⁵⁾

فرمود: مواظب باش از مصاحبت و دوستی با افراد شرور، چونکه همانند شمشیر زهرآلود، براق است که ظاهرش زیبا و اثراتش زشت و خطرناک خواهد بود.

404 قال علیه السلام : إِنْ بَيْنَ جَبَلَيْ طُوسٍ قَبْضَةٌ قُبِضَتْ مِنَ الْجَنَّةِ، مَنْ دَخَلَهَا كانَ آمِنًا يَوْمَ الْقِيامَةِ مِنَ النَّارِ. ⁽⁴⁶⁶⁾

فرمود: همانا بین دو سمت شهر طوس قطعه ای می باشد که از بهشت گرفته شده است، هر که داخل آن شود و با معرفت زیارت کند -، روز قیامت از آتش در امان خواهد بود.

405 قال علیه السلام : كَيْفَ يُضِيعُ مِنَ اللَّهِ كَافِلُهُ، وَ كَيْفَ يَنْجُو مِنَ اللَّهِ طالِبُهُ، وَ مَنْ انْقَطَعَ إِلى غَيْرِ اللَّهِ وَ كَلَّهُ اللَّهُ إِليهِ. ⁽⁴⁶⁷⁾

فرمود: چگونه گمراه و درمانده خواهد شد کسی که خداوند سرپرست و متکفل اوست.

چطور نجات می یابد کسی که خداوند طالبش می باشد.
هر که از خدا قطع امید کند و به غیر او پناهنده شود، خداوند او را به همان شخص واگذار می کند.

406 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْمَوَارِدَ اَعْتَبَتْهُ الْمَصَادِرُ. (468)

فرمود: هر کس موقعیت شناس نباشد، جریانات او را می رباید و هلاک خواهد شد.

407 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَتَبَ مِنْ غَيْرِ اَرْتِيَابٍ اَعْتَبَ مِنْ غَيْرِ اسْتِعْتَابٍ. (469)

فرمود: دیگران را بدون علت و دلیل سرزنش کردن، سبب ناراحتی و خشم خواهد گشت، در حالتی که رضایت آنان را نیز کسب نخواهد کرد.

408 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْاِخْلَاصُ. (470)

فرمود: با فضیلتترین و ارزشمندترین عبادتها آنست که خالص و بدون ریا باشد.

409 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلَادَتُهُ، وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ، وَتَحْرُمُ

عَلَيْهِمْ تَسْمِيَّتُهُ، وَهُوَ سَمَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَكُنِيَّةً. (471)

فرمود: زمان ولادت امام زمان بر مردم زمانش مخفی است، و شخصش از شناخت افراد غایب و پنهان است.

و حرام است که آن حضرت را نام ببرند، و او همنام و هم کنیه رسول خدا

می باشد. ﷺ

410 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِنَاهُ عَنِ النَّاسِ. (472)

فرمود: عزّت و شخصیت مؤمن در بی نیازی و طمع نداشتن به مال و زندگی دیگران است.

411 قال عليه السلام: مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ، فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ، وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُنْطِقُ عَنِ لِسَانِ بَلِيسٍ فَقَدْ عَبَدَ بَلِيسًا. (473)

فرمود: هر کس به شخصی سخنان علاقمند و متمایل باشد، بنده اوست، پس چنانچه سخنور برای خدا و از احکام و معارف - خدا سخن بگوید، بنده خداست، و اگر از زبان شیطان و هوی و هوس و مادیات سخن بگوید، بنده شیطان خواهد بود.

412 قال عليه السلام: لَا يَضُرُّكَ سَخَطُ مَنْ رَضَاهُ الْجَوْرُ. (474)

فرمود: کسی که طالب رضایت خداوند متعال باشد، دشمنی ستمگران او را ضرر و زیانی نمی رساند.

413 قال عليه السلام: مَنْ خَطَبَ إِلَيْكُمْ فَرَضَيْتُمْ دِينَهُ وَأَمَانَتَهُ فَرَوْجُوهُ، إِلَّا تَفَعَّلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ. (475)

فرمود: هر که به خواستگاری دختر شما آید و به تقوا و تدبیر و امانتداری او مطمئن باشید با او موافقت کنید و گرنه شما سبب فتنه و فساد بزرگی خواهید شد.

414 قال عليه السلام: لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ. (476)

فرمود: چنانچه افراد جاهل و بی تجربه ساکت باشند مردم دچار اختلافات و تشنجات نمی شوند.

415 قال عليه السلام: مَنْ اسْتَحْسَنَ قَبِيحًا كَانَ شَرِيكًا فِيهِ. (477)

فرمود: هر که کار زشتی را تحسین کند، در عقاب آن شریک می باشد.

416 قال ﷺ: مَنْ انْقَادَ إِلَى الطَّمَأْنِينَةِ قَبْلَ الْخَيْرَةِ فَقَدْ عَرَضَ نَفْسَهُ لِلْهَلَكَةِ
وَالْعَاقِبَةِ الْمُنْغِضِيَةِ. (478)

فرمود: هر کس مطیع و پذیرای (کاری، فرمانی، حرکتی و...) شود بدون تفکر
و اطمینان نسبت به جوانب آن، خود را در معرض سقوط و هلاکت قرار داده و
نتیجه ای جز خشم و عصابیت نصیبش نخواهد شد.

417 قال ﷺ: مَنْ اسْتَعْنَى بِاللَّهِ إِفْتَقَرَ النَّاسُ إِلَيْهِ، وَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ أَحْبَبَهُ
النَّاسُ وَإِنْ كَرِهُوا. (479)

فرمود: هر که خود را به وسیله خداوند بی نیاز بداند مردم محتاج او خواهند
شد و هر که تقوای الهی را پیشه خود کند مورد محبت مردم قرار می گیرد
گرچه مردم خودشان اهل تقوا نباشند.

418 قال ﷺ: عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَ كَلِمَةٍ، كُلُّ كَلِمَةٍ يَفْتَحُ
مِنْهَا أَلْفَ كَلِمَةٍ. (480)

فرمود: حضرت رسول ﷺ، یکهزار کلمه به امیرالمؤمنین علیؑ تعلیم
نمود که از هر کلمه ای هزار باب علم و مسأله فرعی باز می شود.

419 قال ﷺ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ، فَجَلَسَ عِنْدَ قَبْرِهِ وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَ
وَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَقَرَأَ: «إِنَّا نَزَّلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ، أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ
الْأَكْبَرِ». (481)

فرمود: هر کس بالین قبر مؤمنی حضور یابد و رو به قبله بنشیند و دست
خود را روی قبر بگذارد و هفت مرتبه سوره مبارکه «إِنَّا نَزَّلْنَاهُ» را بخواند از
شاید و سختیهای صحرای محشر در امان قرار می گیرد.

420 قال ﷺ: نِعْمَةٌ لَا تُشْكُرُ كَسِيئَةٌ لَا تُعْفَرُ. (482)

فرمود: خدمت و نعمتی که مورد شکر و سپاس قرار نگیرد همانند خطائی است که غیر قابل بخشش باشد.

421 قَالَ ﷺ: مَوْتُ الْإِنْسَانِ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِنْ مَوْتِهِ بِالْأَجْلِ، وَ حَيَاتُهُ بِالْبِرِّ أَكْثَرُ مِنْ حَيَاتِهِ بِالْعُمْرِ. (483)

فرمود: فرارسیدن مرگ انسانها به جهت معصیت و گناه بیشتر است تا مرگ طبیعی و عادی، همچنین حیات و زندگی لذت بخش به وسیله نیکی و احسان به دیگران بیشتر است از عمر بی نتیجه.

422 قَالَ ﷺ: لَنْ يَسْتَكْمِلَ الْعَبْدُ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يُؤْتِرَ دِينَهُ عَلَى شَهْوَتِهِ، وَلَنْ يَهْلِكَ حَتَّى يُؤْتِرَ شَهْوَتَهُ عَلَى دِينِهِ. (484)

فرمود: بنده ای حقیقت ایمان را نمی یابد مگر آنکه دین و احکام الهی را در همه جهات بر تمایلات و هواهای نفسانی خود مقدم دارد.

و کسی هلاک و بدبخت نمی گردد مگر آنکه هواها و خواسته های نفسانی خود را بر احکام الهی مقدم نماید.

423 قَالَ ﷺ: عَلَيْكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ، فَإِنَّ طَلَبَهُ فَرِيضَةٌ وَالْبَحْثُ عَنْهُ نَافِلَةٌ، وَ هُوَ صِلَةٌ بَيْنَ الْأَخْوَانِ، وَ دَلِيلٌ عَلَى الْمُرُوَّةِ، وَ تُحْفَةٌ فِي الْمَجَالِسِ، وَ صَاحِبٌ فِي السَّفَرِ، وَ أُنْسٌ فِي الْغُرْبَةِ. (485)

فرمود: بر شما باد به تحصیل علم و معرفت، چون فراگیری آن واجب و بحث پیرامون آن مستحب و پرفایده است.

علم وسیله کمک به دوستان و برادران است، دلیل و نشانه مروّت و جوانمردی است، هدیه و سرگرمی در مجالس است، همدم و رفیق انسان در مسافرت است.

و اُنس و مونس انسان در تنهایی خواهد بود.

424 قال عليه السلام: خَفَضُ الْجَنَاحِ زِينَةُ الْعِلْمِ، وَحُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ، وَبَسْطُ
الْوَجْهِ زِينَةُ الْحِلْمِ. (486)

فرمود: تواضع و فروتنی زینت بخش علم و دانش است، ادب داشتن و اخلاق نیک زینت بخش عقل می باشد، خوشروئی با افراد زینت بخش حلم و بردباری است.

425 قال عليه السلام: تَوَسَّدَ الصَّبْرَ، وَاعْتَنَقَ الْفَقْرَ، وَارْقَضَ الشَّهَوَاتِ، وَخَالَفَ الْهَوَى،
وَاعْلَمَ إِنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ، فَاَنْظُرْ كَيْفَ تَكُونُ. (487)

فرمود: در امور زندگی، صبر را تکیه گاه، فقر و تنگدستی را همنشین خود قرار ده، هواهای نفسانی را زیرپا بگذار و مخالفت کن.

و بدان که هیچگاه از دیدگاه خداوند پنهان و مخفی نخواهی شد، پس مواظب باش که در چه حالتی خواهی بود.

426 قال عليه السلام: مَنْ أَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ تَدْخِلْهُ وَحِشَةُ الْقَبْرِ. (488)

فرمود: هر کس رکوع نمازش را به طور کامل و صحیح انجام دهد، وحشت قبر بر او وارد نخواهد شد.

427 قال عليه السلام: الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ، وَتَرَكَ مَا لِيُعْنَى زِينَةُ الْوَرَعِ. (489)

فرمود: خشوع و خضوع زینت بخش نماز خواهد بود، رها کردن آنچه (برای دین و دنیا و آخرت) سودمند نباشد زینت بخش ورع و تقوای انسان می باشد.

428 قال عليه السلام: الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ، فَمَنْ نَصَرَهُمَا عَزَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. (490)

فرمود: امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق الهی است، هر که آنها را یاری و اجراء کند مورد نصرت و رحمت خداوند قرار می گیرد و هر که آنها را ترک و ذلیل گرداند مورد خذلان و عقاب خدا قرار می گیرد.

429 قال عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَخْتَارُ مِنْ مَالِ الْمُؤْمِنِ وَمِنْ وُلْدِهِ أَيْ نَفْسَهُ لِيَأْجُرَهُ عَلَى ذَلِكَ. (491)

فرمود: همانا خداوند متعال بهترین و عزیزترین ثروت و فرزند مؤمن را می گیرد (و هلاک و نابود می گرداند، چون دنیا و متعلقات آن بی ارزش است) تا در قیامت پاداش عظیمی عطایش نماید.

430 قال له رجل: أَوْصِنِي بِوَصِيَّةٍ جَامِعَةٍ مُخْتَصِرَةٍ؟

فَقَالَ عليه السلام: صُنْ نَفْسَكَ عَنْ عَارِ الْعَاجِلَةِ وَنَارِ الْآجِلَةِ. (492)

شخصی از حضرت تقاضای موعظه و نصیحت کرد؟

امام عليه السلام فرمود: اعضاء و جوارح ظاهری و باطنی خود را از ذلت و ننگ سریع و زودرس، همچنین از آتش و عذاب آینده، محفوظدار.

431 قال عليه السلام: فَسَادُ الْأَخْلَاقِ بِمُعَاشَرَةِ السُّفَهَاءِ، وَصَلَاحُ الْأَخْلَاقِ بِمُنَافَسَةِ الْعُقَلَاءِ. (493)

فرمود: معاشرت و همنشینی با بی خردان و افراد لابلالی سبب فساد و تباهی اخلاق خواهد شد.

و معاشرت و رفاقت با خردمندان هوشیار، موجب رشد و کمال اخلاق می باشد.

432 قَالَ عليه السلام: الْأَدَبُ عِنْدَ النَّاسِ النَّطْقُ بِالْمُسْتَحْسَنَاتِ لِغَيْرِهِ، وَ هَذَا لَا يَعْتَدُّ بِهِ مَالٌ يُوَصَّلُ بِهَا إِلَى رِضَاءِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَالْجَنَّةِ، وَالْأَدَبُ هُوَ أَدَبُ الشَّرِيعَةِ، فَتَاءُ دَبَّوَا بِهَا تَكُونُوا أَدَبَاءَ حَقًّا. (494)

فرمود: مفهوم و معنای ادب از نظر مردم، تنها خوب سخن گفتن است که رکیک و سبک نباشد، ولیکن این نظریه قابل توجه نیست تا مادامی که انسان را به خداوند متعال و بهشت نزدیک نگرداند.

بنابراین ادب یعنی رعایت احکام و مسائل دین اسلام، پس با عمل کردن به دستورات الهی و ائمه علیهم السلام، ادب خود را آشکار سازید.

433 قال عليه السلام: ثَلَاثُ خِصَالٍ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمَحَبَّةُ: الْأَنْصَافُ فِي الْمُعَاشَرَةِ، وَالْمُوَاسَاةُ فِي الشَّدَّةِ، وَالْأَنْطَوَاعُ وَالرُّجُوعُ إِلَى قَلْبِ سَلِيمٍ. (495)

فرمود: سه خصلت جلب محبت می کند: انصاف در معاشرت با مردم، همدردی در مشکلات آنها، همراه و همدم شدن با معنویات.

434 قال عليه السلام: التَّوْبَةُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: نَدَمٌ بِالْقَلْبِ، وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ، وَ عَزْمٌ أَنْ لَا يَعُودَ. (496)

فرمود: شرایط پذیرش تو به چهار چیز است: پشیمانی قلبی، استغفار با زبان، جبران کردن گناه نسبت به همان گناه، حق الله و یا حق الناس، تصمیم جدی بر اینکه دیگر مرتکب آن گناه نشود.

435 قال عليه السلام: ثَلَاثٌ مِنْ عَمَلِ الْأَبْرَارِ: إِقَامَةُ الْفَرَائِضِ، وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ، وَاحْتِرَاسٌ مِنَ الْغَفْلَةِ فِي الدِّينِ. (497)

فرمود: سه چیز همانند کار نیکان است: انجام واجبات الهی، ترک و دوری از گناهان، مواظبت و رعایت مسائل و احکام دین.

436 قال عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يَقُومَ، مِنَ التَّوَاضُعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ. (498)

فرمود: کسی که متکبر نباشد و موقع ورود به مجلس هر کجا جائی بود بنشیند تا زمانی که حرکت نکرده باشد خدا و ملائکه هایش بر او درود و رحمت می فرستند.

از علائم و نشانه های تواضع و فروتنی آنست که به هر شخصی مرور نمودی سلام کنی.

437 قال عليه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقَمٍّ، فَلَهُ الْجَنَّةُ. (499)

فرمود: هر کس قبر عمّه ام حضرت معصومه علیها السلام را با علاقه و معرفت در قم زیارت کند، اهل بهشت خواهد بود.

438 قال عليه السلام: الْمَرَضُ لَأَجْرٍ فِيهِ وَ لَكِنَّهُ لَا يَدْعُ عَلَى الْعَبْدِ ذَنْبًا إِلَّا حَطَّهُ. (500)

فرمود: در مریضی پاداشی نیست و لیکن گناهان بنده خدا را از بین می برد و پاک می گرداند.

439 قال عليه السلام: أَكْرَمُ كُلِّ مَنْ وَجَدْتَهُ يَذْكُرُنَا أَوْ يَسْتَحِلُّ مَوَدَّتَنَا، ثُمَّ لَيْسَ عَلَيْكَ

صَادِقًا أَوْ كَاذِبًا، إِنَّمَا لَكَ نَيْتُكَ وَ عَلَيْهِ كِذْبُهُ. (501)

فرمود: هر که ما اهل بیت عصمت و طهارت را یاد آورد یا با ما اظهار دوستی کند او را اکرام و احترام نما، و کاری نداشته باش بر اینکه راست یا دروغ می گوید، به نیت و مقصود خود خواهی رسید و او هم (اگر دروغ بگوید) ضرر دروغ خود را خواهد دید.

440 قال عليه السلام: الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْقُلُوبِ أَوْ بَلَّغُ مِنْ إِيْتَابِ الْجَوَارِحِ يَا لَأُ

عَمَالٍ. (502)

فرمود: توکل و اعتقاد قلبی به خداوند متعال در حل مشکلات امور مختلف کار سازتر است تا کار و تلاش خستگی ناپذیر.

خلاصه حالات دوازدهمین معصوم دهمین امام حضرت امام هادی علیه السلام

آن حضرت طبق مشهور، سه شنبه در دومیین روز ماه رجب، سال 212 هجری قمری،⁽⁵⁰³⁾ در قریه ای به نام صریا سه فرسخی شهر مدینه منوره دیده به جهان گشود.⁽⁵⁰⁴⁾

نام: علی⁽⁵⁰⁵⁾ صلوات الله و سلامه علیه.

کنیه: ابوالحسن، ابوالحسن الثالث.

لقب: هادی، ناصح، متوکل، تقی، مرتضی، عالم، طاهر، طیب، عسکری، امین، ابن الرضاو...

پدر: امام محمد، جواد الائمه علیه السلام.

مادر: سمانه، از اهالی مغرب، و معروف به سیده بوده است.

دربان: عثمان بن سعید عمری.

نقش انگشتر: «اللَّهُ رَبِّي وَهُوَ عِصْمَتِي مِنْ خَلْقِهِ».

مدت عمر: حضرت سلام الله علیه مدت شش سال و پنج ماه در حیات پدر بزرگوارش، و پس از شهادت وی مدت 33 سال و 9 ماه رهبریّت و امامت جامعه را بر عهده داشت، روی هم عمر پر برکت آن حضرت را حدود 41 سال و چند ماه گفته اند که بیست سال و چند ماه در شهر سامراء تحت نظر حکومت عباسی به طور اِجبار اِقامت داشت.

مدت امامت: بنا بر آنچه بین مؤرخین و محدثین مشهور است: حضرت روز سه شنبه پنجم ماه ذی الحجّة سال 220 هجری پس از شهادت پدر بزرگوارش به منصب امامت و خلافت نائل آمد و حدود 33 سال و 9 ماه امامت و هدایت جامعه را عهده دار بود.

آن حضرت پس از شهادت پدر بزرگوارش مرتب در اذیت و آزار دستگاه ظلم و جور خلفاء بنی العباس و مخالفین قرار گرفت، و اکثر مدت امامت خود را یا در زندان و یا تحت نظر جاسوسان و مأموران حکومتی سپری نمود و اگر هم بر حسب ظاهر آزاد می شد، غیر مستقیم رفت و آمد حضرت و افراد را به حضور ایشان تحت کنترل شدید قرار می دادند.

اما برای آنکه افکار عمومی خدشه دار نگردد به طور ریاکارانه در ظاهر و در موقعیتهائی معین حضرت را احترام و تعظیم می کردند، ولی بهر حال آن کینه و خباثت و سخن چینی افراد حضرت را به حال خود نگذاشت و به وسیله زهر مسموم و شهید گردید.

و به همین جهات سیاسی و حکومتی، امام علیؑ کمتر توانست مسائل دین را در امور مختلف مطرح و یا جلسات درس تشکیل دهد، لهذا سخنان حضرت نسبت به پدران بزرگوارش از هر جهت کمتر در بین کتب تاریخ و حدیث دیده می شود و همین برای مظلومیت حضرت کافی است که دفن جسد مطهرش در خانه شخصی خود حضرت انجام گرفته است.

شهادت: همچنین در تاریخ روز و ماه، شهادت آن امام مظلوم اختلاف است ولی مشهور گفته اند: روز سوم ماه رجب، سال 254 هجری قمری⁽⁵⁰⁶⁾ می باشد که در زمان حکومت معتصم به وسیله زهر مسموم و به شهادت رسید و در شهر سامراء، در منزل شخصی خود حضرت دفن گردید.

فرزند: حضرت دارای چهار فرزند پسر و یک دختر بوده است.

خلفاء هم عصر: امامت آن حضرت مصادف شد با حکومت معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز، معتمد.

نماز امام هادی علیه السلام : دو رکعت است، در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، هفتاد مرتبه سوره توحید خوانده می شود. ⁽⁵⁰⁷⁾
و پس از آخرین سلام، تسبیح حضرت فاطمه زهراء علیها السلام گفته شود و سپس حوائج مشروعه خود را از درگاه خداوند متعال طلب نماید.

چهل حدیث گهربار، از حضرت امام هادی علیه السلام

قال الامام علی الهادی صلوات الله و سلامه علیه :

441 مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يُتَّقَى، وَمَنْ اَطَاعَ اللَّهَ يُطَاعُ، وَمَنْ اَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ سَخَطُ الْمَخْلُوقِينَ، وَمَنْ اَسَخَطَ الْخَالِقَ فَقَمِنُ اَنْ يَحِلَّ بِهِ سَخَطُ الْمَخْلُوقِينَ. (508)

فرمود: کسی که تقوی الهی نماید با تقوی و پرهیزکار خواهد شد، همچنین هر کس اطاعت از دستورات الهی کند خواسته هایش برآورده می گردد.

و هر شخصی که اطاعت از خالق نماید باکی از دشمنی و عداوت انسانها نخواهد داشت، و چنانچه خدای متعال را با معصیت و نافرمانی خود به غضب درآورد نیز مورد خشم انسانها قرار می گیرد.

442 قَالَ عليه السلام : مَنْ اَنِسَ بِاللَّهِ اسْتَوْحَشَ مِنَ النَّاسِ، وَعَلَامَةُ الْاِئْتِسَانِ بِاللَّهِ الْوَحْشَةُ مِنَ النَّاسِ. (509)

فرمود: کسی که با خداوند متعال مونس باشد و او را ائیس خود بداند، از مردم احساس وحشت می کند.

و علامت و نشانه ائیس با خداوند وحشت از مردم است یعنی از غیر خدا نهراسیدن و از مردم احتیاط و دوری کردن.

443 قَالَ عليه السلام : السَّهْرَ اِذْ اَلْمَنَامُ، وَالْجُوعُ يَزِيدُ فِي طَيْبِ الطَّعَامِ. (510)

فرمود: شب زنده داری خواب بعد از آنرا لذیذ می گرداند و گرسنگی در خوشمزگی طعام می افزاید یعنی هر چه انسان کمتر بخوابد بیشتر از خواب لذت می برد و هر چه کم خوراک باشد مزه غذا گواراتر خواهد بود.

444 قَالَ عليه السلام : لَا تَطْلُبِ الصِّفَا مِمَّنْ كَدَرَتْ عَلَيْهِ، وَلَا النَّصْحَ مِمَّنْ صَرَفَتْ سُوءَ ظَنِّكَ اِلَيْهِ، فَاِنَّمَا قَلْبُ غَيْرِكَ كَقَلْبِكَ لَهُ. (511)

فرمود: از کسی که نسبت به او کدورت و کینه داری صمیمیت و محبت مجوی، همچنین کسی که نسبت به او بدگمان هستی نصیحت و موعظه طلب نکن، چونکه قلب دیگران همانند قلب خودت می باشد.

445 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَسَدُ مَا حَقَّ الْحَسَنَاتِ، وَالزُّهْمُ جَالِبُ الْمَقْتِ، وَالْعُجْبُ صَارِفٌ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ دَاعٍ إِلَى الْغَمَطِ وَالْجَهْلِ، وَالْبُخْلُ أَدْزَمُ الْإِعْخَالَاقِ، وَالطَّمَعُ سَجِيَّةٌ سَيِّئَةٌ. (512)

فرمود: حالت حسد موجب نابودی ارزش و ثواب حسنات می گردد. تکبر و خودخواهی جذب کننده دشمنی و عداوت افراد می باشد. عجب و خودبینی مانع تحصیل علم خواهد بود و در نتیجه شخص را در پستی و نادانی نگه می دارد.

بخیل بودن بدترین اخلاق است، طمع خصلتی ناپسند و زشت خواهد بود. 446 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مُلَاقَاةُ الْأَخْوَانِ نَشْرَةٌ، وَتَلْقِيحٌ لِلْعَقْلِ وَإِنْ كَانَ نَزْرًا قَلِيلًا. (513) فرمود: ملاقات و دیدار با دوستان و برادران موجب صفای دل و نورانیت آن می گردد و سبب شکوفائی عقل و درایت خواهد گشت گرچه در مدت زمانی کوتاه انجام پذیرد.

447 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا سُوقٌ رَبِحَ فِيهَا قَوْمٌ وَخَسِرَ آخَرُونَ. (514) فرمود: دنیا همانند بازاری است که عده ای در آن برای آخرت سود می برند و عده ای دیگر ضرر و خسارت متحمل می شوند.

448 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ. (515) فرمود: مردم در دنیا به وسیله ثروت و تجملات شهرت می یابند ولی در آخرت به وسیله اعمال محاسبه و پاداش داده خواهند شد.

449 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مُخَالَطَةُ الْأَشْرَارِ تَدُلُّ عَلَى شِرَارٍ مَنِ تَخَالَطَهُمْ. (516)

فرمود: همنشین شدن و معاشرت با افراد شرور نشانه پستی و شرارت تو خواهد بود.

450 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَهْلُ قُمْ وَأَهْلُ آبَةِ مَغْفُورَتِهِمْ، لِزِيَارَتِهِمْ لِحَدِيٍّ عَلَى ابْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُوسٍ، أَعْلَى وَمَنْ زَارَهُ فَأَصَابَهُ فِي طَرِيْقِهِ قَطْرَةٌ مِنَ السَّمَاءِ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ. (517)

فرمود: اهالی قم و اهالی آبه یکی از روستاهای حوالی ساوه آمرزیده هستند به جهت آنکه جدّم حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ را در شهر طوس زیارت می کنند.

و سپس حضرت افزود: هر که جدّم امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ را زیارت کند و در مسیر راه صدمه و سختی تحمل کند خداوند آتش را بر بدن او حرام می گرداند.

451 عَنْ يَعْقُوبِ بْنِ السَّكَيْتِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْهَادِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزِدَادُ عَلَى النَّشْرِ وَالِدَّرْسِ إِلَّا غَضَاظَةً؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ، وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (518)

یکی از اصحاب حضرت به نام ابن سکیّت گوید: از امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال کردم: چرا قرآن از دیاد نمی یابد و کهنه و مندرس نمی شود، بلکه همیشه حالتی تازه و جدید در آن وجود دارد؟

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چونکه خداوند متعال قرآن را برای زمان خاصی و یا طایفه ای مخصوص قرار نداده است بلکه برای تمام دورانها و تمامی اقشار مردم فرستاده است، به همین جهت همیشه حالت جدید و تازه ای دارد و برای جوامع بشری تا روز قیامت قابل عمل و اجراء می باشد.

452 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَا : الْعُضْبُ عَلَى مَنْ لَا تَمْلِكُ عَجْزٌ، وَعَلَى مَنْ تَمْلِكُ
لُؤْمٌ. (519)

فرمود: غضب و تندى در مقابل آنکه توان مقابله با او را نداری، علامت عجز و ناتوانی است، ولی در مقابل کسی که توان مقابله و رو در روئی او را داری علامت پستی و رذالت است.

453 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَأْتِي عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوَامُونَ بِضُعْفَاءٍ مُحِبِّينَا وَءَاهِلٍ وَلَايَتِنَا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ تَيْجَانِهِمْ. (520)

فرمود: علماء و دانشمندی که به فریاد دوستان و پیروان ما برسند و از آنها رفع مشکل نمایند، روز قیامت در حالی محشور می شوند که تاج درخشانی بر سر دارند و نور از آنها می درخشد.

454 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِبَعْضِ قَهَّارِمَتِهِ : اسْتَشْكِرُوا لَنَا مِنَ الْبَادِنِجَانِ، فَإِنَّهُ حَارٌّ فِي وَقْتِ
الْحَرَارَةِ، بَارِدٌ فِي وَقْتِ الْبُرُودَةِ، مُعْتَدِلٌ فِي الْأَوْقَاتِ كُلِّهَا، جَيِّدٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ. (521)

به بعضی از غلامان خود فرمود: بیشتر برای ما بادمجان پخت نمائید که در فصل گرما، گرم و در فصل سرما، سرد است.

و در تمام دوران سال معتدل می باشد و در هر حالتی مفید است.

455 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : التَّسْرِيحُ بِمِشْطِ الْعَاجِ يَنْبِتُ الشَّعْرَ فِي الرَّأْسِ، وَيَطْرُدُ الدُّوْدَ
مِنَ الدِّمَاغِ، وَيُطْفِئُ الْمَرَارَ، وَيَتَّقَى اللَّثَّةَ وَالْعُمُورَ. (522)

فرمود: شانه کردن موها به وسیله شانه عاج سبب روئیدن و افزایش موی سر می باشد، همچنین سبب نابودی کرم های درون سر و مُخ خواهد شد و موجب سلامتی فک و لته ها می گردد.

456 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَذْكَرُ مَضْرَعَكَ بَيْنَ يَدَيْ أَهْلِكَ لَا طَبِيبٌ يَمْنَعُكَ، وَلَا حَبِيبٌ
يَنْفَعُكَ. (523)

فرمود: بیاد آور و فراموش نکن آن حالت و موقعی را که در میان جمع
اعضاء خانواده و آشنایان قرار می گیری و لحظات آخر عمرت سپری می شود
و هیچ پزشکی و دوستی و ثروتی نمی تواند تو را از آن حالت نجات دهد.

457 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي، وَإِنْ نَمِيَ لَا يُبَارِكُ فِيهِ، وَمَا أَرْفَقَهُ لَمْ يُؤْجَرْ
عَلَيْهِ، وَمَا خَلَفَهُ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ. (524)

فرمود: همانا پول و دیگر اموال حرام رشد و نمو ندارد و اگر هم احیاناً رشد
کند و زیاد شود برکتی نخواهد داشت و با خوشی مصرف نمی گردد.

و آنچه را از اموال حرام انفاق و کمک کرده باشد اجر و پاداشی برایش
نیست و هر مقداری که برای بعد از خود بهر عنوان باقی گذارد معاقب می گردد.

458 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحِكْمَةُ لَا تَنْجِعُ فِي الطَّبَاعِ الْفَاسِدَةِ. (525)

فرمود: حکمت اثری در دلها و قلبهای فاسد نمی گذارد.

459 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثَرَ السَّخِطُونَ عَلَيْهِ. (526)

فرمود: هر که از خود راضی باشد بدگویان او زیاد خواهند شد.

460 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَلِلْجَازِعِ اثْنَتَانِ. (527)

فرمود: مصیبتی که بر کسی وارد شود و صبر و تحمل نماید تنها یک ناراحتی

است ولی اگر فریاد و جزع کند دو ناراحتی خواهد داشت.

461 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ لِلَّهِ بُقَاعًا يُحِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيَسْتَجِيبُ لِمَنْ دَعَاهُ، وَالْحَيْرُ

مِنْهَا. (528)

فرمود: برای خداوند بقعه ها و مکانهایی است که دوست دارد در آنها خدا

خوانده شود تا آنکه دعاها را مستجاب گرداند که یکی از آن بقعه ها حائر و

حرم امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ خواهد بود.

462 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُثِيبُ وَالْمُعَاقِبُ وَالْمُجَازِي بِالْأَعْمَالِ عَاجِلًا
وَأَجَلًا. (529)

فرمود: همانا تنها کسی که ثواب می دهد و عقاب می کند، خداوند خواهد بود که کارها را بلافاصله یا در آینده پاداش می دهد.

463 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ. (530)

فرمود: هر کس به خویشتن اهانت کند و کنترل نفس نداشته باشد خود را از شر او در امان ندان.

464 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّوَاضُعُ أَعْنُ تُعْطَى النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَعْنُ تُعْطَاهُ. (531)

فرمود: تواضع و فروتنی چنان است که با مردم چنان کنی که دوست داری با تو آن کنند.

465 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْجِسْمَ مُحَدَّثٌ وَاللَّهُ مُحَدِّثُهُ وَ مُجَسِّمُهُ. (532)

فرمود: همانا اجسام جدید و پدیده هستند و خداوند متعال به وجود آورنده و تجسم بخش آنها است.

466 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَيْءَ مَعَهُ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بَدِيعًا،
وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ. (533)

فرمود: خداوند از ازل تنها بود و چیزی با او نبود، تمام موجودات را با قدرت خود آفریده، و بهترین نامها را برای خود برگزید.

467 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا
يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ. (534)

فرمود: زمانی که حضرت حجت (عج) قیام نماید به علم خود در بین مردم قضاوت می کند همانند حضرت داود علیه السلام، و از دلیل و شاهد سؤال نمی فرماید.

468 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ سَخَطُ الْمَخْلُوقِينَ. (535)

فرمود: هر کس مطیع و پیرو خدا باشد از قهر و کارشکنی دیگران باکی نخواهد داشت.

469 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ وَرِاثَةٌ كَرِيمَةٌ، وَالْأَدَبُ حُلٌّ حَسَنٌ، وَالْفِكْرَةُ مِرَاتٌ صَافِيَةٌ. (536)

فرمود: علم و دانش بهترین یادبود برای انتقال به دیگران است، آداب زیباترین نیکی‌ها است و فکر و اندیشه آئینه صاف و تزیین کننده اعمال و برنامه‌ها است.

470 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ لَلَّهِ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ إِذَا عُوْتِبَ قَبْلَ. (537)

فرمود: همانا اگر خداوند برای بنده‌ای خوبی بخواهد و در منگنه آزمایش قرار گیرد، رنج و مشقتهایش را قبول می‌نماید.

471 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تُخَيِّبْ رَاجِيكَ فَيَمُقْتِكَ اللَّهُ وَيُعَادِيكَ. (538)

فرمود: کسی که به تو امید بسته است ناامیدش مگردان، وگرنه مورد غضب خداوند قرار خواهی گرفت.

472 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا اسْتَرَاخَ ذُو الْحَرِصِ. (539)

فرمود: شخص طماع و حریص نسبت به اموال و تجملات دنیا هیچگاه آسایش و استراحت نخواهد داشت.

473 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِتَابُ مِفْتَاحُ التَّقَالِي، وَالْعِتَابُ خَيْرٌ مِنَ الْحَقْدِ. (540)

فرمود: (مواظب باش که) عتاب و پرخاش‌گری مقدمه و کلید غضب می‌باشد، ولی در هر حال عتاب نسبت به کینه و دشمنی درونی بهتر است (چون کینه ضررهای خطرناکتری را در بردارد).

474 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْغِنَى قِلَّةُ تَمَنِّيكَ، وَالرِّضَا بِمَا يَكْفِيكَ، وَالْفَقْرُ شَرُّهُ النَّفْسِ وَ
شِدَّةُ الْفَنَوطِ، وَالدَّقَّةُ إِتْبَاعُ الْيَسِيرِ وَالنَّظَرُ فِي الْحَقِيرِ. (541)

فرمود: بی نیازی و توانگری در آن است که کمتر آرزو و توقع باشد و به آنچه موجود و حاضر است راضی و قانع گردی، ولیکن فقر و تهیدستی در آن موقعی است که آرزوهای نفسانی اهمیت داده شود، اما دقت و توجه به مسائل اهمیت دادن به امکانات موجود و مصرف و استفاده صحیح از آنها است گر چه ناچیز و کم باشد.

475 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْأَمَامُ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ
عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا. (542)

فرمود: امام و خلیفه بعد از من (فرزندم) حسن و بعد از او فرزندش مهدی موعود علیه السلام می باشد که زمین را پر از عدل و داد می نماید همانطوری که پر از ظلم و ستم گشته باشد.

476 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كَانَ زَمَانُ الْعَدْلِ فِيهِ أَغْلَبُ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ أَنْ نَنْظُنَّ بِأ
حَدِّ سُوءٍ حَتَّى يُعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ. (543)

فرمود: در آن زمانی که عدالت اجتماعی حاکم و غالب بر تباهی باشد، نباید به شخصی بد گمان بود مگر آن که یقین و معلوم باشد.

477 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لَشِيعَتِنَا بُولَايَتِنَا لِعِصْمَةً، لَوْ سَلَكَوا بِهَا فِي لُجَّةِ الْبِحَارِ
الْغَامِرَةِ. (544)

فرمود: همانا ولایت ما اهل بیت برای شیعیان و دوستانمان پناهگاه امنی می باشد که چنانچه در همه امور به آن تمسک جویند بر تمام مشکلات (مادی و معنوی) فایق آیند.

478 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا دَاوُدُ لَوْ قُلْتَ اءِنَّ تَارِكُ التَّقِيَّةِ كَتَارِكِ الصَّلَاةِ لَكُنْتَ صَادِقًا.
(545)

به یکی از اصحابش به نام داود صرّمی فرمود: اگر قائل شوی که تارک تقیّه همانند تارک نماز است صادق خواهی بود.

479 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجِلْمِ؟ هُوَ أَنْ تَمْلِكَ نَفْسَكَ وَتَكْظِمَ غَيْظَكَ، وَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا مَعَ الْقُدْرَةِ. (546)

یکی از اصحاب از آن حضرت پیرامون معنای حلم سؤال نمود، در پاسخ فرمود: اینکه در هر حال مالک نفس خود باشی و خشم خود را فرو بری و خاموش کنی و این تحمل و بردباری در حالتی باشد که توان مقابله با شخصی را داشته باشی.

480 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ اللَّهُ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى وَالْآخِرَةَ دَارَ عُقْبَى، وَ جَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِثَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَباً وَ ثَوَابَ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوْضاً. (547)

فرمود: همانا خداوند دنیا را جایگاه بلاها و امتحانات و مشکلات قرار داد، و آخرت را جایگاه نتیجه گیری زحمات، پس بلاها و زحمات و سختی های دنیا را وسیله رسیدن به مقامات آخرت قرار داد و اجر و پاداش عطا می فرماید.

خلاصه حالات سیزدهمین معصوم یازدهمین امام حضرت امام حسن عسکری

علیه السلام

ولادت با سعادت آن حضرت طبق مشهور در روز دوشنبه یا جمعه، هشتم ربیع الثانی، سال 232 هجری قمری⁽⁵⁴⁸⁾ در شهر مدینه منوره واقع شده است که در آن هنگام پدر بزرگوارش طبق نقلی در سنین 26 سالگی بوده است.

نام : حسن⁽⁵⁴⁹⁾ صلوات الله و سلامه علیه.

کنیه : ابو محمد.

لقب : عسکری، صامت، هادی، زکی، تقی، رفیق، خالص، سراج، ابن الرضا،

سراج بنی هاشم و...

پدر: امام علی هادی، فقیه أهل البيت، صلوات الله علیهم أجمعین.

مادر: سه اسم برای مادر حضرت گفته شده اند: سوسن، حدیث، سلیل، مکنی

به امّ ولد، او از زنهای عارف و صالح بوده است.

نقش انگشتر: «سُبْحَانَ مَنْ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»، «إِنَّ اللَّهَ شَهِيدٌ».

دربان: عثمان بن سعید عمری و پسرش محمد بن عثمان عمری.

امام حسن عسکری علیہ السلام همچون پدر بزرگوارش در موقعیتی حسّاس و

خطرناک بلکه شدیدتر قرار داشت، مخصوصاً که بنا بود آخرین حجّت خداوند

متعال و دوازدهمین خلیفه بر حقّ رسول گرامی اسلام، یعنی مهدی موعود عجل

الله فرجه الشریف از نسل او به دنیا آید.

به همین جهت حکومت وقت تمام ما مورین خود را (از زن و مرد) به

شکلهای مختلفی بسیج کرده بود تا تمام حرکات حضرت را کنترل و زیر نظر

داشته باشند.

ولی برای آنکه افکار عمومی خدشه دار نشود، بر اساس سیاست حیلہ گرانه

خلفاء بنی العباس، در موقعیتهای خاصی به طور ریاکارانه حضرت را مورد

نوعی احترام قرار می دادند که در نهایت به جهت عقده ها و کینه های درونی خود، آن حضرت را به وسیله زهر مسموم و شهید کردند.

و چون عمر شریف آن حضرت یا در زندان و با بازداشتگاه و تحت نظر مأ مورین، سپری گردید و تمام رفت و آمدهای حضرت را در کنترل خود داشتند، کلمات و فرمایشات آن حضرت همچون پدر بزرگوارش، نسبت به دیگر ائمه علیهم السلام در کتب تاریخ و حدیث کمتر به چشم می خورد.

مدّت امامت: بنا بر مشهور، روز سوّم ماه رجب، سال 254 هجری قمری پس از شهادت پدر بزرگوارش به منصب امامت و ولایت نائل آمد و حدود پنج سال و هشت ماه امامت و هدایت جامعه را عهده دار بود.

مدّت عمر: آن حضرت مدّت 23 سال در حیات پدر بزرگوارش، همچنین پنج سال و هشت ماه پس از شهادت پدر، ادامه حیات نمود و در مجموع حدود 29 سال عمر پربرکت آن حضرت را گفته اند.

شهادت: همچنین در روز شهادت آن حضرت بین مورّخین و محدّثین اختلاف است ولی مشهور گفته اند: شهادت آن حضرت روز جمعه، پس از نماز صبح، هشتم ربیع الاول، سال 260 هجری قمری ⁽⁵⁵⁰⁾ واقع شده است.

حضرت سلام الله علیه در زمان حکومت معتمد عباسی به وسیله زهر توسط معتمد مسموم و پس از شهادت در منزل خودش کنار پدر بزرگوارش امام علیّ هادی علیه السلام دفن گردید.

فرزندان: آن حضرت هنگام شهادت تنها دارای یک فرزند پسر بوده است که همانم و هم کنیه با پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد.

خلفاء: امامت آن حضرت با حکومت معتزّ، مهتدی، معتمد مصادف شده است.

نماز امام حسن عسکری علیه السلام : دو رکعت است، در هر رکعت پس از قرائت
سوره حمد، صد مرتبه سوره توحید خوانده شود ⁽⁵⁵¹⁾ و پس از آخرین سلام،
تسبیحات حضرت زهراء علیها السلام گفته شود و سپس نیازها و حوائج مشروعه خود
را از درگاه خداوند متعال درخواست نماید.

چهل حدیث گهربار، از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

481 قال الامام أبو محمد الحسن العسکری صلوات الله و سلامه علیه:
إن الله تبارک و تعالی بین حجتیه من سائر خلقه بکل شیء، و یعطیه اللغات،
و معرفة الأنساب و الأجل و الحوادث، و لولا ذلك لم یکن بین الحجة و المحجوج
فرق. (552)

فرمود: همانا خداوند متعال حجت و خلیفه خود را برای بندگانش الگو و
دلیلی روشن قرار داد، همچنین خداوند حجت خود را ممتاز گرداند و به تمام
لغت‌ها و اصطلاحات قبائل و اقوام آشنا ساخت.
و او آنساب همه را می‌شناسد و از نهایت عمر انسانها و موجودات و نیز
جریات و حادثه‌ها آگاهی کامل دارد و چنانچه این امتیاز وجود نمی‌داشت،
بین حجت خدا و بین دیگران فرقی نبود.

482 قال علیه السلام: علامة الأیمان خمس: التختیم بالیمین، و صلاة إحدی و
خمسین، و الجهر بسم الله الرحمن الرحیم، و التّعفی لالجین، و زیارة الأربعین.
(553)

فرمود: علامت و نشانه ایمان پنج چیز است: انگشتر به دست راست داشتن،
خواندن پنجاه و یک رکعت نماز واجب و مستحب، بلند خواندن «بسم الله
الرحمن الرحیم» در نماز ظهر و عصر پیشانی را در حال سجده روی خاک
نهادن، زیارت أربعین امام حسین علیه السلام انجام دادن.

483 قال علیه السلام: لیست العبادة كثرة الصيام و الصلاة، و إنما العبادة كثرة التفكير
فی أمر الله. (554)

فرمود: عبادت در زیاد انجام دادن نماز و روزه نیست، بلکه عبادت باید در -
ضمن تفکر و اندیشه در قدرت بی‌منت‌های خداوند در امور مختلف باشد.

484 قال عليه السلام: خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْإِيْمَانُ بِاللَّهِ، وَنَفْعُ الْخَوَانِ.

(555)

فرمود: دو خصلت و حالتی که والاتر از آن چیز دیگری نمی باشد عبارتند از: ایمان و اعتقاد به خداوند، نفع رساندن به دوستان و آشنایان.

485 قال عليه السلام: قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا، مُؤْمِنُهُمْ وَ مُحَالِفُهُمْ، أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَبْسِطُ

لَهُمْ وَجْهَهُ، وَأَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيَكْلِمُهُمْ بِالْمُدَارَاةِ لِاجْتِنَابِهِمْ إِلَى الْإِيْمَانِ. (556)

فرمود: با دوست و دشمن خوش گفتار و خوش برخورد باشید، اما با دوستان مؤمن به عنوان یک وظیفه که باید همیشه نسبت به یکدیگر با چهره ای شاداب برخورد نمایند، اما نسبت به مخالفین به جهت مدارا و جذب به اسلام و احکام آن.

486 قال عليه السلام: إِنْ مُدَارَاةَ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنْ أَوْفَلِ صَدَقَةِ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَإِ

خَوَانِهِ. (557)

فرمود: مدارا و سازش با دشمنان خدا و دشمنان اهل بیت علیهم السلام در حال

تقیه بهتر است از هر نوع صدقه ای که انسان برای خود بپردازد.

487 قال عليه السلام: اللَّحَاقُ بِمَنْ تَرَجُّوْ خَيْرٌ مِنَ الْمَقَامِ مَعَ مَنْ لَا تَأْمَنُ شَرَّهُ. (558)

فرمود: تداوم دوستی و معاشرت با کسی که احتمال دارد سودی برایت داشته باشد، بهتر است از کسی که محتمل است شرّ جانی، مالی، دینی و... برایت داشته باشد.

488 قال عليه السلام: إِيَّاكَ وَالْإِذَاعَةَ وَ طَلَبَ الرَّئِيسَةِ، فَإِنَّهُمَا يَدْعُوَانِ إِلَى الْهَلَكَةِ.

(559)

فرمود: مواظب باش از اینکه بخواهی شایعه و سخن پراکنی نمائی و یا اینکه بخواهی دنبال مقام و ریاست باشی و تشنه آن گردی چون که هر دوی آنها انسان را هلاک خواهند کرد.

489 قال عليه السلام: حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ، وَحُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ. (560)

فرمود: نکوئی شکل و قیافه یک نوع زیبایی و جمال ظاهر انسان می باشد و نکو بودن عقل و درایت یک نوع زیبایی و جمال درونی انسان خواهد بود.

490 قال عليه السلام: مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ.

(561)

فرمود: هر کس دوست و برادر خود را محرمانه موعظه کند، او را زینت بخشیده است و چنانچه نصیحت علنی و آشکار باشد سبب ننگ و تضعیف او گشته است.

491 قال عليه السلام: مَنْ لَمْ يَتَّقِ وَجْهَ النَّاسِ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ. (562)

فرمود: کسی که در مقابل مردم بی باک باشد و رعایت مسائل اخلاقی و حقوقی مردم را نکند، تقوای الهی را نیز رعایت نمی کند.

492 قال عليه السلام: مَا أَفْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تَذُلُّهُ. (563)

فرمود: قبیح ترین و زشت ترین حالت و خصلت برای مؤمن آن حالتی است که دارای آرزویی باشد که سبب ذلت و خواری او گردد.

493 قال عليه السلام: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسَبَ ذَنْبَكَ إِلَيْهِ. (564)

فرمود: بهترین دوست و برادر آن فردی است که خطاهای تو را به عهده گیرد و خود را مقصر بداند.

494 قال عليه السلام: مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزًا إِلَّا ذَلَّ، وَلَا أَخَذَ بِهِ ذَلِيلًا إِلَّا عَزَّ. (565)

فرمود: حق و حقیقت را هیچ صاحب مقام و عزیزی ترک و رها نکرد مگر آنکه ذلیل و خوار گردید، همچنین هیچ شخصی حق را به اجراء در نیاورد مگر آنکه عزیز و سربلند شده است.

495 قال عليه السلام: مِنَ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظُّهْرَ جَارٌ إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَوْ ظُفَا هَا وَ

إِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَوْ فَشَاهَا. (566)

فرمود: یکی از مصائب و ناراحتیهای کمرشکن همسایه ای است که اگر به او احسان و خدمتی شود آنرا پنهان و مخفی می دارد و اگر ناراحتی و اذیتی متوجه اش گردد آنرا علنی و آشکار سازد.

496 قال عليه السلام لشيعة: أ وصيكم بتقوى الله والورع في دينكم والأجتهاد لله، وصدق الحديث، وأداء الأمانة إلى من أئتمنكم من برأ و فاجر، وطول السجود، وحسن الجوار. (567)

به شیعیان و دوستان خود فرمود: تقوای الهی را پیشه کنید و در امور دین ورع داشته باشید، در تقرب به خداوند کوشا باشید و در صحبتها صداقت نشان دهید، هر کس امانتی را نزد شما نهاد آنرا سالم تحویلش دهید، سجده های خود را در مقابل خداوند طولانی کنید و به همسایگان خوشرفتاری و نیکی نمائید.

497 قال عليه السلام: من تواضع في الدنيا لا خوانه فهو عند الله من الصديقين، ومن شيعه علي بن أبي طالب عليه السلام حقاً. (568)

فرمود: هر کس در دنیا در مقابل دوستان و هموعان خود تواضع و فروتنی نماید، در پیشگاه خداوند در زمره صدیقین و از شیعیان امام علی عليه السلام خواهد بود.

498 قال عليه السلام: إنه يكتب لحمي الربع على ورقة، ويعلقها على المحموم: «يا ناركوني برداً»، فإنه يبرء بذن الله. (569)

فرمود: کسی که ناراحتی تب و لرز دارد، این آیه شریفه قرآن «سوره انبیاء آیه 69» را روی کاغذی بنویسد و بر گردن او آویزان نماید تا با اذن خداوند متعال بهبود یابد.

499 قال عليه السلام: أ كثرُوا ذَكَرَ اللَّهِ وَ ذَكَرَ الْمَوْتِ، وَ تَلَاوَةَ الْقُرْآنِ، وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ. (570)

فرمود: ذکر و یاد خداوند متعال، همچنین مرگ و حالات آن را، تلاوت و تدبیر قرآن را، صلوات و درود فرستادن بر حضرت رسول و اهل بیتش علیهم السلام را زیاد و بطور مکرر انجام دهید، پس به درستی که پاداش صلوات بر آنها ده حسنه و ثواب بیشتر خواهد بود.

500 قال علیه السلام: إِنَّكُمْ فِي آجَالٍ مَّنْقُوصَةٍ وَأَيَّامٍ مَّعْدُودَةٍ، وَالْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً، مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَحْصَدُ نِدَامَةً. (571)

فرمود: همانا شما انسانها در یک مدّت و مهلت کوتاهی بسر می برید که مدّت زمان آن حساب شده و معین می باشد و مرگ ناگهان و بدون اطلاع قبلی وارد می شود و شخص را می رباید، پس متوجّه باشید که هر کس هر مقدار در عبادت و بندگی و انجام کارهای نیک تلاش کند فردای قیامت غبطه می خورد که چرا بیشتر انجام نداده است و کسی که کار خلاف و گناه انجام دهد پشیمان و سرافکنده خواهد بود.

501 قال علیه السلام: إِنْ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرَكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ. (572)

فرمود: همانا رسیدن به خداوند متعال و مقامات عالیه یک نوع سیر و سفری است که حاصل نمی شود مگر با شب زنده داری - و تلاش در عبادت و جلب رضایت او در امور مختلف.

502 قال علیه السلام: الْمَقَادِيرُ الْغَالِبَةُ لَا تُدْفَعُ بِالْمُغَالَبَةِ، وَالْأَرْزَاقُ الْمَكْتُوبَةُ لَا تُنَالُ بِالشَّرِّ، وَلَا تُدْفَعُ بِالْأَمْسَاكِ عَنْهَا. (573)

فرمود: مقدراتی که در انتظار ظهور می باشد با زرنگی و تلاش از بین نمی رود و آنچه مقدر باشد خواهد رسید، همچنین ارزاق هر کس ثبت و تعیین شده است که با رعایت شرایطی هر کس سهم خود را دریافت خواهد کرد.

503 قال ﷺ: لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَّضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَّفْرُوضٍ. (574)

فرمود: مواظب باش طلب روزی و هزینه ها که از طرف خداوند متعال تضمین شده تو را از کار و اعمال واجب باز ندارد. یعنی مواظب باش که به جهت تلاش و کار بیش از حد نسبت به واجبات سست و سهل انگار نباشی.

504 قال ﷺ: الْمُؤْمِنُ بَرَكَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ حُجَّةٌ عَلَى الْكَافِرِ. (575)

فرمود: وجود شخص مؤمن برای دیگر مؤمنین برکت و سبب رحمت می باشد و نسبت به کفار و مخالفین حجّت و دلیل است.

505 قال ﷺ: قَلْبُ الْإِحْمَقِ فِي فَمِهِ، وَفَمُ الْحَكِيمِ فِي قَلْبِهِ. (576)

فرمود: تفکر و اندیشه احمق در دهان اوست، ولیکن تفکر و سخن عاقل در درون او می باشد. یعنی افراد احمق اول حرف می زنند و سپس در جهت سود و زیان آن فکر می کنند، بر خلاف عاقل که بدون فکر سخن نمی گوید.

506 قال ﷺ: جُرْأَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُو إِلَى الْعُقُولِ فِي كِبَرِهِ.

(577)

فرمود: رو پیدا کردن و جریئی شدن فرزند هنگام طفولیت در مقابل پدر، سبب می شود که در بزرگی مورد نفرین و غضب پدر قرار گیرد.

507 قال ﷺ: أَوْجَمُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرُ وَالْعَصْرُ، تَرَى مَا تُحِبُّ. (578)

فرمود: نماز ظهر و عصر را دنباله هم در اول وقت انجام ده، که در نتیجه آن فقر و تنگدستی از بین می رود و به مقصود خود خواهی رسید.

508 قال ﷺ: أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ، أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ

الْفَرَائِضَ، أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ، أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ.

(579)

فرمود: پارساترین مردم آن کسی است که از موارد گوناگون شبهه و مشکوک اجتناب و دوری نماید. عابدترین مردم آن شخصی است که قبل از هر چیز،

واجبات الهی را انجام دهد. زاهدترین انسانها آن فردی است که موارد حرام و خلاف را مرتکب نشود. قویترین اشخاص آن شخصی است که گناهان و خطاها را در هر حالتی ترک نماید.

509 قال عَلِيٍّ: لَا يَعْرِفُ النِّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ، وَلَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ. (580)
فرمود: کسی قدر نعمتی را نمی داند مگر آنکه شکرگزار باشد و کسی نمی تواند شکر نعمتی را انجام دهد مگر آنکه اهل معرفت و شناخت باشد.

510 قال عَلِيٍّ: مِنْ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يُغْفَرُ قَوْلُ الرَّجُلِ: لَيْتَنِي لَأَوْ اخَذُ إِلَّا بِهَذَا. (581)

فرمود: بعضی از گناهانی که آمرزیده نمی شود: کاری است که شخصی انجام دهد و بگوید: ای کاش فقط بهمین خلاف عقاب می شدم یعنی گناه در نظرش ناچیز و ضعیف باشد -.

511 قال عَلِيٍّ: بَسَّ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَذَالِسَانَيْنِ، يَطْرُقُ أَخَاهُ شَاهِدًا وَيَأْكُلُهُ غَائِبًا، إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ، وَإِنْ ابْتُلِيَ خَذَلَهُ. (582)

فرمود: بد آدمی است آنکه دارای دو چهره و دو زبان می باشد، دوست و برادرش را در حضور تعریف و تمجید می کند و در غیاب، پشت سر او بدگویی و مذمت می نماید که همانند خوردن گوشتهای بدن او محسوب می شود.

چنین شخص دو چهره اگر دوستش در آسایش و رفاه باشد حسادت می ورزد و اگر در ناراحتی و سختی باشد زخم زبان می زند.

512 قال عَلِيٍّ: مِنَ التَّوَاضُعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ، وَالْجُلُوسُ دُونَ شَرَفِ الْمَجْلِسِ. (583)

فرمود: یکی از نشانه های تواضع و فروتنی آنست که بهر کس برخورد نمائی سلام کنی و در هنگام ورود به مجلس هر کجا جا بود بنشیننی نه آنکه به زور و زحمت برای دیگران جائی را برای خود باز کنی -.

513 قال عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يَقُومَ. (584)

فرمود: کسی که در مجلسی وارد شود و اول مجلس را برای نشستن انتخاب کند - که بر دیگران ایجاد مزاحمت نباشد خداوند متعال و ملائکه تا هنگام خروجش از آن مجلس برایش تحیت و درود می فرستند.

514 قال عليه السلام: لَا تُمَارِ فَيَذْهَبُ بِهَاؤُكَ، وَلَا تُمَارِحُ فَيَجْتَرَأُ عَلَيْكَ. (585)

فرمود: با کسی جدال و نزاع نکن که بهاء و ارزش خود را از دست می دهی، با کسی شوخی و مزاح ناشایسته و بی مورد نکن و گر نه افراد بر تو جریئی و چیره خواهند شد.

515 قال عليه السلام: مَنْ آثَرَ طَاعَةَ أَبَوَيْ دِينِهِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى عَلَيْهِمَا السَّلَامَ عَلَى طَاعَةِ أَبَوَيْ نَسَبِهِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ: لَاؤُ تَرَنَّكَ كَمَا آثَرْتَنِي، وَلَا شَرَفَنَّكَ بِحَضْرَةِ أَبَوَيْ دِينِكَ كَمَا شَرَفْتَ نَفْسَكَ بِإِثَارِ حُبِّهِمَا عَلَى حُبِّ أَبَوَيْ نَسَبِكَ. (586)

فرمود: کسی که مقدم دارد طاعت و پیروی پیغمبر اسلام حضرت محمد و امیرالمؤمنین امام علی صلوات الله علیهما را بر پیروی از پدر و مادر جسمانی خود، خداوند متعال خطاب می نماید: همانطوری که دستورات مرا بر هر چیزی مقدم داشتی تو را در خیرات و برکات مقدم می دارم و تو را همنشین پدر و مادر دینی یعنی حضرت رسول و امام علی علیهما السلام می گردانم، همانطوری که علاقه و محبت عملی و اعتقادی خود را نسبت به آنها بر هر چیزی مقدم داشتی.

516 قال عليه السلام: لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرَحِ عِنْدَ الْمَحْزُونِ. (587)

فرمود: از ادب و اخلاق انسانی و اسلامی نیست که در حضور شخص مصیبت دیده و غمگین اظهار شادی و سرور کنی.

517 قال عليه السلام: مَنْ كَانَ الْوَرَعَ سَجِيئَةً، وَالكَرَمَ طَبِيعَةً، وَالْحِلْمَ خُلَّةً، كَثُرَ صَدِيقُهُ وَالثَّنَاءُ عَلَيْهِ. (588)

فرمود: هر کس ورع در روش زندگیش باشد، بزرگواری و سخاوت عادت او باشد، صبر و بردباری برنامه اش باشد، دوستانش زیاد و تعریف کنندگان بسیار خواهند بود.

518 قال عليه السلام: أَعْرِفُ النَّاسَ بِحُقُوقِ إِخْوَانِهِ، وَأَشَدُّهُمْ قَضَاءً لَهَا، أَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا. (589)

فرمود: هر کس حقوق هموعان خود را بشناسد و رعایت کند و مشکلات و نیازمندیهای آنها را برطرف نماید، در پیشگاه خداوند دارای عظمت و موقعیت خاصی خواهد بود.

519 قال عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا، جُرُوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ، وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ، وَمَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ. (590)

فرمود: تقوای الهی را در همه امور رعایت کنید، و زینت بخش ما اهل بیت باشید و مایه ننگ ما قرار نگیرید، سعی کنید محبت و علاقه افراد را نسبت به ما جذب کنید و زشتیها را از ما دور نمایید. درباره ما آنچه از خوبیها بگویند صحیح است و ما هیچگونه عیب و نقصی نخواهیم داشت.

520 قال عليه السلام: يَا تَيُّ عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوَامُونَ لِضُعْفَاءِ مُحِبِّينَا وَأَهْلِ وَايَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ تَيْجَانِهِمْ عَلَى رَأْسِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ تَاجٌ بِهَاءٍ، قَدْ أَنْبَتَتْ تِلْكَ الْأَنْوَارُ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ وَدُورِهَا مَسِيرَةَ ثَلَاثِمِائَةِ أَلْفِ سَنَةٍ. (591)

فرمود: آن دسته از علماء شیعیان ما که در هدایت و رفع مشکلات دوستان و علاقمندان ما، تلاش کرده اند، روز قیامت در حالتی وارد صحرای محشر می

شوند که تاج کرامت بر سر نهاده و نورشان همه جا را روشنائی می بخشد و
تمام اهل محشر از آن نور بهره مند خواهند شد.

خلاصه حالات چهاردهمین معصوم دوازدهمین امام حجة بن الحسن

العسکری علیه السلام

آن حضرت نزدیک طلوع فجر روز جمعه، نیمه شعبان، سال 254 هجری قمری⁽⁵⁹²⁾ در شهر سامراء به طور مخفی و پنهان از دید عموم، پا بعرضه وجود نهاد.

نام: م ح م م د⁽⁵⁹³⁾ صلوات الله و سلامه علیه، و عجل الله تعالی فی فرجه الشریف⁽⁵⁹⁴⁾.

کنیه: ابوالقاسم، ابوجعفر و...

لقب: بیش از نهصد لقب برای حضرتش ذکر کرده اند که در کتب مختلف موجود می باشد. از آن جمله است: مهدی، حجت، منتقم، بقیة الله الاءعظم، قائم آل محمد، صاحب الزمان و...

پدر: امام حسن عسکری علیه السلام.

مادر: به نامهای نرجس، ریحانه، صیقل، سوسن معروف است.

نقش انگشتر: «أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَ خَاصَّتُهُ».

دربان: چهار نفر به نامهای عثمان بن سعید، محمدبن عثمان، حسین بن روح، علی بن محمد سمری، در غیبت صغری وکالت و وساطت حضرت را بر عهده داشتند.

جریان ولادت آن حضرت همانند حضرت موسی علیه السلام در کنار کاخ طاغوت زمان، مخفی و پنهان از دید جاسوسها و عموم مردم انجام گرفت.

حضرت دارای دو غیبت بوده است یکی صغری که حدود هفتاد و پنج سال بطول انجامید و دیگری غیبت کبری می باشد که تقریباً از سال 330 هجری قمری شروع شد.

و از آن زمان به بعد برای حضرت وکیل و نائب خاصی معین و معرفی نشده است بلکه مجتهدین جامع الشرائط به عنوان وکیل و نائب عام امور جامعه را بر عهده داشته و دارند.

آن حضرت در همین جامعه بین افراد رفت و آمد و در مجالس به صورت ناشناس شرکت می نماید و همه را می بیند و شاهد اعمال همگان خواهد بود، ولی دیگران هم گرچه او را می بینند اما شخص حضرتش را نمی شناسند که کدام یک از اشخاص می باشد.

افراد بسیاری در غیبت کبری به محضر مبارکش شرفیاب شده اند و کسب فیض کرده اند.

علائم و نشانه های متعدّد و گوناگونی جهت ظهور و قیام آن حضرت توسط معصومین (علیهم السلام) بیان شده است که در کتابهای اهل سنت و شیعه مذکور است. وقتی حضرت در مکه معظمه ظهور نماید، 313 نفر اصحاب و فرماندهان او از اطراف و شهرهای مختلف در کنار کعبه الهی جمع شوند و در دست هر کدام شمشیری خواهد بود.

و سپس منادی بین زمین و آسمان گوید: این مهدی موعود است که ظهور کرده و به شیوه حضرت داود و سلیمان (علیهم السلام) قضاوت خواهد نمود و بیننده و شاهد لازم ندارد.

طبق آنچه در روایات آمده است حکومت آن حضرت بین هفت تا نه سال به طول خواهد انجامید.

مدّت امامت: حضرت بنابر مشهور، روز جمعه، نهم ربیع الاول سال 260 هجری قمری پس از شهادت پدر بزرگوارش در سنین پنج سالگی به منصب عظمی و والای امامت و خلافت نائل گردید.

و از آن زمان تا کنون حدود 1158 سال می باشد و در آینده تا هر لحظه که خداوند متعال اراده نماید امامت و هدایت جامعه را به عهده خواهد داشت.

مدّت عمر: حدود پنج سال همزمان با پدر بزرگوارش امام حسن عسگری علیه السلام و پس از آن تا این زمان که رویم 1163 سال عمر پربرکت آن حضرت می باشد و در آینده تا هر زمان که خداوند بخواهد تداوم خواهد یافت.

نماز امام زمان علیه السلام دو رکعت است، در هر رکعت سوره حمد یک مرتبه و چون به جمله «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» برسد، صد مرتبه آن را تکرار نماید و یک مرتبه سوره توحید خوانده شود.

همچنین هر یک از ذکر رکوع و سجود را هفت مرتبه بگوید.

و چون سلام نماز دهد تسبیح حضرت زهراء علیها السلام را بگوید و در بعضی عبارات آمده است که بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بعد از آن حوائج مشروعه خود را از خداوند طلب نماید. ⁽⁵⁹⁵⁾

چهل حدیث گهربار، از امام زمان، حضرت مهدی، علیه السلام

قال الامام المهدي صاحب العصر عجل الله تعالى فرجه :

521 اَلَّذِي يَجِبُ عَلَيْكُمْ وَلَكُمْ اَنْ تَقُولُوا: اِنَّا قُدُوَةٌ وَاَئِمَّةٌ وَاَخْلَفَاءُ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ، وَاَمْنَاؤُهُ عَلٰى خَلْقِهِ، وَحُجَّتُهُ فِي بِلَادِهِ، نَعْرِفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ، وَنَعْرِفُ تَاْوِيلَ الْكِتَابِ وَفَصْلَ الْخِطَابِ. (596)

فرمود: بر شما واجب است و به سود شما می باشد که معتقد باشید بر اینکه ما اهل بیت رسالت، محور و اساس امور، پیشوایان هدایت و خلیفه خداوند متعال در زمین هستیم.

همچنین امین خداوند بر بندگانش و حجّت او در جامعه خواهیم بود، حلال و حرام را می شناسیم، تاءویل و تفسیر آیات قرآن را عارف و آشنا هستیم.

522 - قال علیه السلام: اِنَا خَاتَمُ الْاَوْصِيَاءِ، بِي يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنِ اَهْلِي وَشِيْعَتِي. (597)

فرمود: من آخرین وصی پیغمبر خدا هستم، به وسیله من بلاها و فتنه ها از آشنایان و شیعیانم دفع و برطرف خواهد شد.

523 قال علیه السلام: اِنَّمَا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا اِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا (اِحادیثنا)، فَاِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَاِنَّا حُجَّةُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ. (598)

فرمود: جهت حل مشکلات و حوادث - امور سیاسی، عبادی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و... - به راویان حدیث و فقهاء مراجعه کنید که آنها در زمان غیبت خلیفه و حجّت من بر شما هستند و من حجّت خداوند بر ایشان می باشم.

524 قال علیه السلام: الْحَقُّ مَعَنَا، فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَعَنَا، وَنَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا. (599)

فرمود: حقایق و واقعیات با ما اهل بیت رسول الله ﷺ می باشد و کناره گیری عده ای از ما، هرگز سبب وحشت ما نخواهد شد، بلکه ما مجریان و مبلغان دستورات الهی هستیم.

525 - قال عليه السلام: إِنَّ الْجَنَّةَ لَحَمْلٌ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَلَاوِلَادَةٌ، فَإِذَا اشْتَهَى مُؤْمِنٌ وَكَدَا خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِغَيْرِ حَمْلٍ وَلَاوِلَادَةٍ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي يُرِيدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ عليه السلام عِبْرَةً. (600)

فرمود: همانا بهشت جایگاهی است که در آن آبستن شدن و زایمان برای زنان نخواهد بود، پس هرگاه مؤمنی آرزوی فرزند نماید، خداوند متعال بدون جریان حمل و زایمان، فرزند دلخواهش را به او می دهد همانطوری که حضرت آدم عليه السلام را آفرید.

526 - قال عليه السلام: لَا يُنَازِعُنَا مَوْضِعُهُ إِلَّا ظَالِمٌ آثِمٌ، وَلَا يَدَّعِيهِ إِلَّا أَحَدٌ كَافِرٌ. (601)

فرمود: کسی با ما در رابطه با مقام ولایت و امامت مشاجره و منازعه نمی کند مگر آنکه ستمگر و معصیت کار باشد، همچنین کسی مدعی ولایت و خلافت نمی شود مگر کسی که منکر و کافر باشد.

527 - قال عليه السلام: إِنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا، لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَّابٌ مُفْتَرٌ. (602)

فرمود: حقیقت - در همه موارد و امور - با ما و در بین ما اهل بیت عصمت و طهارت خواهد بود و چنین سخنی را هر کس غیر از ما بگوید دروغگو و مفتری می باشد.

528 - قال عليه السلام: إِبْنِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِتْمَامًا وَلِلْبَاطِلِ إِلَّا زَهُوقًا. (603)

فرمود: همانا خداوند متعال امتناع دارد نسبت به حق مگر آنکه به اتمام و کمال برسد و باطل نابود و مضمحل گردد.

529 - قال ﷺ: إني أخرج حين أخرج، ولا يبعه لاءحد من الطواغيت في عنقي. (604)

فرمود: در آن هنگامی که من خروج و ظهور نمایم هیچ طاغوتی بر عهده من منتی و بیعتی نخواهد داشت.

530 - قال ﷺ: إنا الذي أخرج بهذا السيف فاءملاء الأرض عدلا و قسطا كما ملئت ظلما و جورا. (605)

فرمود: من آن کسی هستم که در آخر زمان با این شمشیر - ذوالفقار - ظهور و خروج می کنم و زمین را پر از عدل و داد می نمایم همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.

531 - قال ﷺ: اتقوا الله و سلّموا لنا، و ردوا الاءمر إ لينا، فعلينا الا صدار كما كان منا الا يرا، و لا تحاولوا كشف ما غطي عنكم. (606)

فرمود: از خدا بترسید و تسلیم ما باشید، و امور خود را به ما واگذار کنید، چون وظیفه ما است که شما را بی نیاز و سیراب نمایم همانطوری که ورود شما بر چشمه معرفت به وسیله ما می باشد. و سعی ننمائید به دنبال کشف آنچه از شما پنهان شده است باشید.

532 - قال ﷺ: إماءموالكم فلا تقبلها إلا لتطهروا، فمن شاء فليصل، و من شاء فليقطع. (607)

فرمود: اموال - خمس و زکات - شما را جهت تطهیر و تزکیه زندگی و ثروتتان می پذیریم، پس هر که مایل بود بپردازد، و هر که مایل نبود نپردازد.

533 - قال عليه السلام: إِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ، وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْئٌ مِّنْ
أَخْبَارِكُمْ. (608)

فرمود: ما بر تمامی احوال و اخبار شما آگاه و آشنائیم و چیزی از شما نزد
ما پنهان نیست.

534 - قال عليه السلام: مَنْكَأَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْ يَغْتَسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ
الَّيْلِ وَيَأْتِي مُصَلًّا. (609)

فرمود: هر که خواسته ای و حاجتی از پیشگاه خداوند متعال دارد بعد از نیمه
شب جمعه غسل کند و جهت مناجات و راز و نیاز با خداوند، در جایگاه
نمازش قرار گیرد.

535 - قال عليه السلام: يَا بَنَ الْمَهْزِيَارِ، لَوْلَا اسْتِغْفَارُ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ، لَهَلَكَ مَنْ عَلَيْهَا،
إِلَّا خَوَاصُّ الشَّيْعَةِ الَّتِي تَشَبَّهُ أَعْقَالَهُمْ أَعْفَالَهُمْ. (610)

فرمود: اگر طلب مغفرت و آمرزش بعضی شماها برای همدیگر نبود، هر کس
روی زمین بود هلاک می گردید، مگر آن شیعیان خاصی که گفتارشان با
کردارشان یکی است.

536 - قال عليه السلام: وَأَمَّا قَوْلُ مَنْ قَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ عليه السلام لَمْ يَمُتْ فَكُفْرٌ وَ
تَكْذِيبٌ وَ ضَلَالٌ. (611)

فرمود: و اما کسانی که معتقد باشند حسین عليه السلام زنده است و وفات نکرده، در
کفر و تکذیب و گمراهی هستند.

537 - قال عليه السلام: مِنْ فَضْلِهِ، إِنْ الرَّجُلَ يَنْسِي التَّسْبِيحَ وَيُدِيرُ السَّبْحَةَ،
فِيَكْتَبُ لَهُ التَّسْبِيحُ. (612)

فرمود: از فضائل تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام آن است که چنانچه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر دارد، گرچه دعائی هم خوانده نشود.

538 - قال علیه السلام: فِيمَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا بِجَمَاعٍ مُحَرَّمٍ أَوْ طَعَامٍ مُحَرَّمٍ عَلَيْهِ: إِنَّ عَلَيْهِ ثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ. ⁽⁶¹³⁾

فرمود: کسی که روزه ماه رمضان را عمدًا با چیز یا کار حرام افطار - و باطل نماید، هر سه نوع کفاره (60 روزه، إطعام 60 مسکین، آزادی یک بنده و قضای روزه) بر او واجب می شود.

539 - قال علیه السلام: أءَلَا أءَبْشُرُكَ فِي الْعِطَاسِ؟ قُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. ⁽⁶¹⁴⁾

نسیم خادم گوید: در حضور حضرت عطسه کردم، فرمود: می خواهی تو را بر فواید عطسه بشارت دهم؟
عرض کردم: بلی.

فرمود: عطسه انسان را تا سه روز از مرگ نجات می بخشد.

540 - قال علیه السلام: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِي فِي مَحْفَلٍ مِنَ النَّاسِ. ⁽⁶¹⁵⁾

فرمود: ملعون و مغضوب است کسی که نام مرا در جائی بیان کند.

541 - قال علیه السلام: مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. ⁽⁶¹⁶⁾

فرمود: هر که نام مرا در جمع مردم بر زبان آورد، بر او لعنت و غضب خداوند می باشد.

542 - قال علیه السلام: إِنَّ الْأَرْضَ تَضِجُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. ⁽⁶¹⁷⁾

فرمود: زمین تا چهل روز از ادرار کسی که ختنه نشده است ناله می کند.

543 - قال عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ أَلْزَمِ السُّنَنِ وَ أَوْجَبِهَا. ⁽⁶¹⁸⁾

فرمود: سجده شکر پس از هر نماز از بهترین و ضروری ترین سنتها است.

544 - قال عليه السلام: إِنِّي لَا مَانُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ

السَّمَاءِ. ⁽⁶¹⁹⁾

فرمود: به درستی که من سبب آسایش و امنیت برای موجودات زمینی هستم،

همانطوری که ستاره ها برای اهل آسمان امان هستند.

545 - قال عليه السلام: قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا. ⁽⁶²⁰⁾

فرمود: قلبهای ما ظرفهایی است برای مشیت و اراده الهی، پس هر گاه او

بخواهد ما نیز می خواهیم.

546 - قال عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا، فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ، وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا

مَنْ قَعَدَ عَنَّا. ⁽⁶²¹⁾

فرمود: خدا با ماست و نیازی به دیگری نداریم، و حق با ماست و هر که از

ما روی گرداند باکی نداریم.

547 - قال عليه السلام: مَاءُ رُغْمِ أَنْفِ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِثْلِ الصَّلَاةِ. ⁽⁶²²⁾

فرمود: هیچ چیزی و عملی همانند نماز بینی شیطان را به خاک ذلت نمی

مالد و او را ذلیل نمی کند.

548 - قال عليه السلام: لَا يَحِلُّ لِمَنْ أَحَدٌ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالِ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ. ⁽⁶²³⁾

فرمود: برای هیچکس جائز نیست که در اموال و چیزهای دیگران تصرف

نماید مگر با اذن و اجازه صاحب و مالک آن.

549 - قال عليه السلام: فَضْلُ الدُّعَاءِ وَالتَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ

النَّوَافِلِ كَفَضْلِ الْفَرَائِضِ عَلَى النَّوَافِلِ. ⁽⁶²⁴⁾

فرمود: فضیلت تعقیب دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب نسبت به بعد از نمازهای مستحبی همانند فضیلت نماز واجب بر نماز مستحب خواهد بود.

550 - قال عليه السلام: اءفضلُ اءوقاتها صدرُ النهارِ من يومِ الجمعةِ. (625)

فرمود: برای انجام نماز جعفر طیار بهترین و با فضیلت ترین اوقات پیش از ظهر روز جمعه خواهد بود.

551 - قال عليه السلام: ملعونٌ ملعونٌ من اءخرَ الغداةِ إلى اءن تنقضي النجومُ. (626)

فرمود: ملعون و نفرین شده است آن کسی که نماز صبح را عمدا تاءخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند.

552 - قال عليه السلام: إن الله قنعنا بعوائدِ إحسانه و فوائدِ إمتنانه. (627)

فرمود: همانا خداوند متعال، ما اهل بیت را به وسیله احسان و نعمتهایش قانع و خودکفا گردانده است.

553 - قال عليه السلام: إنه ليس بين الله عزَّ و جلَّ و بين اءحدٍ قرابةً، و من

ءنكرنى فليس منى، و سبيله سبيلُ ابنِ نوح. (628)

فرمود: بین خداوند و هیچیک از بندگانش خویشاوندی وجود ندارد - و هر کس به وسیله اعمال و نیات او پاداش داده می شود - هر کس مرا انکار نماید از شیعیان و دوستان ما نیست و سرنوشت او همچون فرزند حضرت نوح عليه السلام خواهد بود.

554 - قال عليه السلام: اءما تعلمون اءن الأرضَ لا تخلو من حجةٍ إماءِ ظاهرا و إماءِ

مغمورا. (629)

فرمود: آگاه و متوجه باشید که در هیچ حالتی زمین خالی از حجّت خداوند نخواهد بود، یا بطور ظاهر و آشکار و یا مخفی و پنهان.

555 - قال عليه السلام: إِذَا أَدِنَ اللَّهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَأَضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ،
وَأَنْحَسَرَ عَنْكُمْ. (630)

فرمود: چنانچه خداوند متعال اجازه سخن و بیان حقایق را به ما دهد،
حقانیت آشکار می گردد و باطل نابود می شود و خفقان و مشکلات بر طرف
خواهد شد.

556 - قال عليه السلام: وَاءِ مَا وَجَّهَهُ الْأُنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالَ انْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ
إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ. (631)

فرمود: چگونگی بهره گیری و استفاده از من در دوران غیبت همانند انتفاع از
خورشید است در آن موقعی که به وسیله ابرها از چشم افراد ناپدید شود.

557 - قال عليه السلام: وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ. (632)

فرمود: هدف و قصد خود را نسبت به محبت و دوستی ما اهل بیت عصمت
و طهارت بر مبنای عمل به سنت و اجراء احکام الهی قرار دهید.

558 - قال عليه السلام: اءِ مَا ظَهَرَ الْفَرَجَ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ، وَكَذِبَ الْوَقَاتُونَ. (633)

فرمود: زمان ظهور من مربوط به اراده خداوند متعال می باشد و هر کس
زمان آن را معین و معرفی کند دروغ گفته است.

559 - قال عليه السلام: اءِ كَثُرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجَكُمْ. (634)

فرمود: برای تعجیل ظهور من - در هر موقعیت مناسبی - بسیار دعا کنید که
در آن فرج و حل مشکلات شما خواهد بود.

560 - دَفَعَ إِلَيَّ دَفْتَرًا فِيهِ دُعَاءُ الْفَرَجِ وَصَلَاةٌ عَلَيْهِ، فَقَالَ عليه السلام: فِيهِذَا فَادْعُ.
(635)

یکی از مؤمنین به نام ابومحمدحسن بن وجناء گوید: زیرناودان طلا در حرم
خانه خداوند بودم که حضرت ولی عصر امام زمان (عج) را دیدم، دفتری را به
من عنایت نمود که در آن دعای فرج و صلوات بر آن حضرت بود.

سپس فرمود: به وسیله این نوشته ها بخوان و برای ظهور و فرج من دعا کن
و بر من درود و تحیت فرست.

و آن دعا بر حسب مشهور چنین نقل شده است :

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ «الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ» صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ، فِي هَذِهِ
السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَاعِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيْلًا وَ عَيْنًا، حَتَّى
تُسَكِّنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. (636)

پی نوشت ها :

- 1- بحارالانوار: ج 28، ص 29، س 13 و ج 36، ص 336، س 11، با تفاوت.
- 2- مصدر قبل : ج 10، ص 432، س 9 و ج 28، ص 368، س 12.
- 3- مصدر قبل : ج 38، ص 36، ح 10.
- 4- مصدر قبل : ج 25، ص 19، س 1.
- 5- إكمال الدين صدوق : ص 234 240، در این باب احادیث متعددی است.
- 6- نورالثقلین : ج 1، ص 507، ح 360.
- 7- نام آن حضرت به عنوان محمد رسول الله به عدد حروف أ بجد 92، 332 می باشد.
- 8- خصال شیخ صدوق : ج 2 ص 600 ح 3
- 9- وسائل الشیعه : ج 4 ص 302
- 10- بحارالانوار، ج 17 ص 301 ح 13
- 11- مطابق با دهم فروردین، سال نهم شمسی.
- 12- امام صادق علیه السلام فرمود:... به وسیله آن دو زن... مسموم و مقتول گردید: تفسیر عیاشی : ج 1 ص 200 ح 152، البرهان : ج 1 ص 320، نورالثقلین : ج 1 ص 401 ح 390، بحارالانوار: ج 28 ص 20 ح 28
- 13- مطابق با هفدهم خرداد، سال دهم شمسی.
- 14- عده ای از بزرگان بر این عقیده اند: حضرت خدیجه علیها السلام، عذراء باکره بوده است، و در این رابطه کتابهایی مانند: هداية الكبرى حنینی ص 40 س 16 و بحار الانوار: ج 22 ص 8 ملاحظه و دقت گردد.
- 15- تاریخ ولادت و شهادت و دیگر حالات حضرت رسول صلی الله علیه و آله، برگرفته شده است از: اصول کافی : ج 1، بحار الانوار: 15 22، اعیان الشیعة : ج 1، تهذیب الاحکام : ج 6، کشف الغمّة : ج 1، ینابیع المودّة، مناقب ابن شهر آشوب : ج 1، تذکرة الخواص، الفصول المهمّة، مجموعه نفیسه، إعلام الوری طبرسی : ج 1، تاریخ اهل البيت، الهدایة الكبرى، اثبات الوصیة مسعودی، جمال الاسبوع، دعوات راوندی...
- 16- وسائل الشیعه : ج 4 ص 30 ح 4431.
- 17- عقاب الاعمال : ص 343، س 14، وسائل الشیعة : ج 5، ص 201 ح 6328.

- 18- وسائل الشيعة : ج 4 ص 116 ح 4665.
- 19- وسائل الشيعة : ج 4 ص 31 ح 4434.
- 20- امالي طوسي : ج 2 ص 142، بحارالانوار: ج 74، ص 80، ح 3.
- 21- من لا يحضره الفقيه : ج 4، ص 353، ح 5762 چاپ مدرّسين.
- 22- امالي طوسي : ج 1 ص 158، بحارالانوار: ج 10، ص 368، ح 15.
- 23- امالي طوسي : ج 1 ص 13، بحارالانوار: ج 70، ص 373، ح 7.
- 24- امالي طوسي : ج 1 ص 87، بحارالانوار: ج 90، ص 291، ح 11.
- 25- امالي طوسي : ج 1 ص 219، بحارالانوار: ج 73، ص 4، ح 13.
- 26- امالي طوسي : ج 1 ص 157، بحارالانوار: ج 93، ص 177، ح 8.
- 27- مسكّن الفؤاد شهيد ثاني : ص 50 س 1.
- 28- امالي طوسي : ج 2 ص 92، بحارالانوار: ج 66، ص 375، ح 24.
- 29- امالي صدوق : ص 246 ح 14، بحارالانوار: ج 63، ص 430، ح 12.
- 30- امالي طوسي : ج 1 ص 56، بحارالانوار: ج 72، ص 120، ح 7.
- 31- اعيان الشيعة : ج 1 ص 305، بحارالانوار: ج 100، ص 151، ح 17.
- 32- امالي طوسي : ج 1 ص 360، بحارالانوار: ج 27، ص 261، ح 2.
- 33- امالي طوسي : ج 2 ص 92، بحارالانوار: ج 28، ص 47، ح 9.
- 34- مستدرک الوسائل : ج 11 ص 376 ح 13301.
- 35- بحارالانوار: ج 1، ص 172، ح 25.
- 36- مستدرک الوسائل : ج 17 ص 300 ح 21406.
- 37- مستدرک : ج 14 ص 270 ح 16685.
- 38- تهذيب : ج 7 ص 399، ح 5.
- 39- تنبيه الخواطر: ص 548، بحارالانوار: ج 59، ص 268، ح 53.
- 40- مستدرک الوسائل : ج 16، ص 218، ح 19646.
- 41- تاريخ اسلام : ج 101-120 ص 285.
- 42- وسائل الشيعة ج 16 ص 122 ح 21139.
- 43- مستدرک الوسائل : ج 7 ص 184 ح 7984.
- 44- بحارالانوار: ج 70، ص 347، ح 34.
- 45- تنبيه الخواطر: ص 264

- 46- مستدرک الوسائل : ج 15 ص 112 ح 17688.
- 47- اعیان الشیعه : ج 1 ص 301
- 48- امالی طوسی : ج 2 ص 132، بحارالانوار: ج 71، ص 192، ح 12.
- 49- مستدرک الوسائل : ج 7، ص 194، ح 8010.
- 50- جامع الاحادیث : ج 3 ص 89 ح 35، مستدرک الوسائل : ج 2، ص 66، ح 1422.
- 51- بحارالانوار: ج 7، ص 302، ح 53، کافی : ج 2 ص 658، ح 3.
- 52- ثواب الاعمال : ص 211 ح 1، بحارالانوار: ج 46، ص 100، ح 88.
- 53- اعیان الشیعه : ج 1 ص 302، بحارالانوار: ج 68، ص 350، ح 1.
- 54- امالی طوسی : ج 2 ص 203، بحارالانوار: ج 68، ص 188، ح 54.
- 55- اعیان الشیعه، ج 1 ص 300، بحارالانوار: ج 74، ص 139، ضمن ح 1.
- 56- نام آن حضرت به عنوان علی مرتضیٰ به ترتیب حروف اءبجد: 110، 1450 می باشد.
- 57- عمدة ابن بطریق : ص 74، فصل 7، س 14.
- 58- مطابق با آذر ماه، سال 35 شمسی.
- 59- مطابق با خرداد ماه، سال 36 شمسی.
- 60- مطابق با اردیبهشت ماه، سال 37 شمسی.
- 61- آمار مذکور طبق جمع بندی کتاب ارشاد القلوب دیلمی، صفحه 219 می باشد.
- 62- مطالب بادهم فروردین ماه، سال نهم شمسی.
- 63- مطابق با یازدهم بهمن ماه، سال 39 شمسی.
- 64- ولادت و دیگر حالات امام علی علیه السلام برگرفته شده است از:
- اصول کافی ج 1، اعیان الشیعه ج 1، مستدرک الوسائل، ناسخ التواریخ، دلائل الامامه طبری، مناقب ابن شهر آشوب، بحار الانوار، إحقاق الحق، كشف الغمّه، إعلام الوری طبرسی، انساب الاشراف، عیون المعجزات شیخ حسین عبدالوّهّاب، تهذیب الاحکام شیخ طوسی، مجموعه نفیسه، تاریخ اهل البیت، جمال الاسبوع، دروس شهید: ص 152 154، تذکرة الخوآص، الفصول المهمّة، عهدة ابن بطریق و...
- 65- امالی صدوق : ص 97، بحارالانوار: ج 90، ص 343، ح 1.
- 66- امالی طوسی : ج 1 ص 114 ح 29، بحارالانوار: ج 1، ص 169، ح 20.
- 67- وسائل الشیعه : ج 25 ص 434 ح 32292.
- 68- وافی : ج 4 ص 402.

- 69-أعيان الشيعة : ج 1 ص 350، بحارالانوار: ج 41، ص 150، ضمن ح 40.
- 70-أمالي طوسي : ج 1 ص 55، بحارالانوار: ج 2، ص 48، ح 7.
- 71-أمالي صدوق : ص 95، بحارالانوار: ج 68، ص 181، ح 35.
- 72-بحارالانوار: ج 5 ص 317، ح 16 به نقل از ثواب الاعمال.
- 73-أمالي طوسي : ج 1 ص 372، بحارالانوار: ج 63، ص 152، ح 5.
- 74-أمالي طوسي : ج 1 ص 372، بحارالانوار: ج 63، ص 155، ح 5.
- 75-عدّة الدّاعي : ص 85 ص 1، بحارالانوار: ج 101، ص 73، ح 24.
- 76-مستدرک الوسائل : ج 16 ص 291 ح 19920.
- 77-بحارالانوار: ج 69، ص 68، س 2، ضمن ح 28.
- 78-محبّة البيضاء: ج 5 ص 144، تنبيه الخواطر: ص 195، س 16.
- 79-مستدرک الوسائل : ج 3 ص 210 ح 3386.
- 80-بحارالانوار: ج 1 ص 96 ح 40.
- 81-بحارالانوار: ج 70 ص 13.
- 82-زهوة الناظر و تنبيه خاطر: ص 70 ح 65.
- 83-عدّة الدّاعي : ص 75 س 8.
- 84-زهوة الناظر و تنبيه خاطر: ص 52 ح 26.
- 85-زهوة الناظر و تنبيه خاطر: ص 46 ح 12.
- 86-اختصاص شيخ مفيد: ص 189، س 5.
- 87-وسائل الشيعة : ج 5 ص 318، ح 6662.
- 88-وسائل الشيعة : ج 1 ص 334 ح 880.
- 89-وسائل الشيعة : ج 18 ص 316 ح 23750.
- 90-وسائل الشيعة : ج 16 ص 270 ح 21539.
- 91-تحف العقول : ص 120، بحارالانوار: ج 77 ص 271 ح 1.
- 92-بحارالانوار: ج 76، ص 155، ح 36، و ص 229 ح 10.
- 93-اصول كافي : ج 1، ص 27، بحارالانوار: ج 1 ص 161 ح 15.
- 94-تحف العقول : ص 152، بحارالانوار: ج 78 ص 54 ح 97.
- 95-خصال : ج 2 ص 170، بحارالانوار: ج 73 ص 142 ح 18.
- 96-شرح نهج البلاغه ابن عبده : ج 3 ص 165.

- 97- شرح نهج البلاغه فيض الاسلام : ص 1193.
- 98- شرح نهج البلاغه فيض الاسلام : ص 1235.
- 99- اصول کافی، ج 2، ص 627 ح 2.
- 100- بحار الانوار: ج 75، ص 53 ح 10.
- 101- وسائل الشیعه : ج 15، ص 23 ح 19934.
- 102- شرح نهج البلاغه فيض الاسلام : ص 1183.
- 103- شرح نهج البلاغه ابن عبیده، ج 1، ک 41.
- 104- شرح نهج البلاغه ابن عبیده : ج 3، ص 324.
- 105- نام مبارک آن حضرت به عنوان فاطمه، زهراء به عدد حرف اءبجد، چنین است : 135،
213.
- 106- به ترتیب مطابق بیست و هشتم مرداد، و یا هفدهم شهریور سال دهم هجری شمسی خواهد بود.
- 107- ولادت و دیگر حالات حضرت زهراء علیها السلام بر گرفته شده است از:
- اصول کافی : ج 2، اءعیان الشیعه : ج 1، مناقب ابن شهر آشوب : ج 1، بحار الانوار: ج 43 و 44، عیون المعجزات شیخ حسین عبدالوهاب، کشف الغمّه : ج 1، بیعد، اءنساب الاشراف : ج 2، تهذیب الاحکام : ج 6، اعلام الوری : ج 1، مجموعہ نفیسه، تاریخ اهل بیت علیهم السلام، تذکره الخواصّ، الفصول المهمّه، ینایع المودّه، فاطمه الزهراء علیها السلام، دلائل الامامه و....
- 108- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج 16، ص 211.
- 109- ریاحین الشریعة : ج 1، ص 93.
- 110- تفسیر الامام العسکری : ص 330، ح 191، بحار الانوار: ج 23 ص 259 ح 8.
- 111- تنبیہ الخواطر: ص 437 و 108، بحار الانوار: ج 67 ص 249 ح 25.
- 112- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج 2، ص 449 مجمع الزوائد: ج 9، ص 132.
- 113- کوکب الدرّی: ج 1، ص 254.
- 114- بحار الانوار: ج 68، ص 155 ح 11.
- 115- اصول کافی : ج 1، ص 460، بیت الاحزان : ص 104، بحار الانوار: ج 28 ص 250 ح
30.
- 116- صحیح مسلم : ج 2، ص 72، صحیح بخاری : ج 6، ص 176.
- 117- صحیح مسلم : ج 2، ص 72، بخاری : ج 5، ص 5، بحار الانوار: ج 28، ص 303.

- 118-بیت الا حزان : ص 113، كشف الغمّة : ج 2، ص 494.
- 119-خصال : ج 1، ص 173، احتجاج : ج 1، ص 146.
- 120-ریاحین الشریعة : ج 1، ص 312، فاطمة الزهراء (س) : ص 360، قطعه ای از خطبه طولانی و معروف آن مظلومه در جمع مهاجرین و انصار.
- 121-بحارالانوار: ج 43، ص 200 ح 30.
- 122-بحارالانوار: ج 43، ص 185، ح 17.
- 123-الامامة والسياسة : ص 30، بحارالانوار: ج 28 ص 355 ح 69.
- 124-بحارالانوار: ج 43، ص 54 ح 48.
- 125-زهرة الرياض كوكب الدرّی : ج 1، ص 253.
- 126-تهذيب شيخ طوسی : ج 1، ص 429، كشف الغمّة : ج 2، ص 67، بحارالانوار: ج 43، ص 189، ح 19.
- 127-بحارالانوار: ج 43، ص 91، ح 16، إحقاق الحقّ: ج 10، ص 258.
- 128-دلائل الامامة : ص 128 ح 38، معانی الاخبار: ص 355 ح 2.
- 129-تفسیر الامام العسکری علیه السلام : ص 320، ح 191، بحارالانوار: ج 65، ص 155 ح 11.
- 130-بحارالانوار: ج 43، ص 192 ح 20، اعیان الشیعة : ج 1، ص 321.
- 131-کنزل العمال : ج 16، ص 426.
- 132-مستدرک الوسائل : ج 7، ص 336، ح 2، بحارالانوار: ج 93 ص 294 ح 25.
- 133-تفسیر الامام العسکری علیه السلام : ص 354، ح 243، مستدرک الوسائل : ج 12، ص 262، بحارالانوار: ج 72، ص 401 ح 43.
- 134-کنزل العمّال : ج 15، ص 242، ح 40759.
- 135-دلائل الامامة : ص 71 س 16، معانی الاخبار: ص 399 ضمن ح 9.
- 136-تفسیر التبیان : ج 9، ص 37.
- 137-علل الشرایع : ج 1، ص 183، بحارالانوار: ج 43، ص 82 ح 4.
- 138-مجمع الزوائد: ج 8، ص 108، مسند فاطمه : ص 33 و 52.
- 139-كشف الغمّة : ج 2، ص 57، بحارالانوار: ج 8، ص 53، ح 62.
- 140-إحقاق الحقّ: ج 19، ص 129.
- 141- بحارالانوار: ج 79 ص 27، ضمن ح 13.
- 142-امالی شیخ طوسی : ج 2، ص 228.

- 143-مدینه المعاجز: ج 3، ص 430.
- 144-ریاحین الشریعة: ج 1، ص 312، فاطمة الزهراء علیها السلام ص 360، قطعه ای از خطبه طولانی و معروف آن مظلومه.
- 145- همان مدرک قبل.
- 146-الامامة والتبصرة: ص 1، بحارالانوار: ج 36 ص 352 ح 224.
- 147-مطابق با دوازدهم اسفند، سال سوّم شمسی.
- 148-نام و لقب حضرت به عنوان حسن مجتبیٰ علیه السلام به رقم حروف اءبجد کبیر چنین می شود: 446، 118.
- 149-مرحوم سید محسن امین از بعضی روایات و تواریخ استفاده کرده است بر اینکه امام حسن مجتبیٰ علیه السلام شش ماهه به دنیا آمده است: اءعیان الشیعه ج 1 ص 562 578.
- 150-مطابق با یازدهم بهمن ماه سال سی و نهم شمسی.
- 151-ولادت و دیگر حالت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام برگرفته شده است از:
- اصول کافی ج 1، کشف الغمّه ج 2، اءعیان الشیعه ج 1، دلائل الامامه طبری، مناقب ابن شهر آشوب، عیون المعجزات حسین عبد الوهّاب، تهذیب الاحکام شیخ طوسی، بحار الانوار: ج 43 و 44، مستدرک الوسائل، مجموعه نفیسه، جمال الاسبوع، اعلام الوری ج 1، إحقاق الحقّ ج 19، تذکرة الخواصّ، الفصول المهمّة، تاریخ اهل البیت، ...
- 152-تنبیہ الخواطر: ص 427، بحار الانوار: ج 68 ص 184 س 11، ضمن ح 44.
- 153-کلمه الامام الحسّن علیه السلام: 7، ص 211.
- 154-کلمه الامام الحسّن علیه السلام: 7، ص 25، بحارالانوار: ج 44 ص 23 ح 7.
- 155-إحقاق الحقّ: ج 11 ص 183 س 2 و ص 185.
- 156-دعوات الراوندی: ص 24 ح 13، بحارالانوار: ج 89 ص 204 ح 21.
- 157-بحارالانوار: ج 75 ص 111 ضمن ح 6.
- 158-وافی: ج 4 ص 1553 ح 2، التهذیب ج 2 ص 321 ح 2.166.
- 159-تحف العقول: ص 234 ح 14، الفقیه: ج 1 ص 511 ح 1479.
- 160-تحف العقول: ص 235 س 7، مستدرک: ج 3 ص 359 ح 3778.
- 161-إحقاق الحقّ: ج 1 ص 238 س 2.
- 162-إحقاق الحقّ: ج 11 ص 235 س 7.
- 163-کلمة الامام الحسن علیه السلام: ص 140.

- 164- اءعيان الشيعة : ج 1 ص 577، بحارالانوار: ج 75 ص 111 ح 6.
- 165- تحف العقول : ص 229 س 5، بحارالانوار: ج 10 ص 130 ح 1.
- 166- كلمة الامام حسن عليه السلام : ص 138، تحف العقول ص 234 س 6، بحارالانوار: ج 75 ص 105 ح 4.
- 167- تحف العقول ص 236 س 13، بحارالانوار: ج 75 ص 105 ح 4.
- 168- تحف العقول : ص 232 س 2، بحارالانوار: ج 75 ص 110 ح 5.
- 169- مستدرک الوسائل : ج 3 ص 245 ح 4.
- 170- اءعيان الشيعة : ج 1 ص 577، بحارالانوار: ج 75 ص 113 ح 7.
- 171- كلمة الامام حسن عليه السلام : ص 212، بحارالانوار: ج 73 ص 318 ح 6.
- 172- همان مدرک : ص 57.
- 173- تحف العقول : ص 233، اءعيان الشيعة : ج 1 ص 577، بحارالانوار: ج 75 ص 105 ح 4.
- 174- تحف العقول : ص 234 س 7، بحارالانوار: ج 75 ص 105 ح 4.
- 175- كلمة الامام الحسن عليه السلام : ص 35، بحارالانوار: ج 75 ص 111 ح 6.
- 176- احقاق الحق: ج 11 ص 242 س 2.
- 177- تحف العقول : ص 234 س 3، بحارالانوار: ج 75 ص 106 ح 4.
- 178- تحف العقول : ص 235 س 14، بحارالانوار: ج 73 ص 312 ح 3.
- 179- كلمة الامام الحسن عليه السلام، ص 39، بحارالانوار: ج 1 ص 218 ح 43.
- 180- كلمة الامام الحسن عليه السلام : ص 46.
- 181- كلمة الامام الحسن عليه السلام : ص 129.
- 182- كلمة الامام الحسن عليه السلام : ص 198.
- 183- كلمة الامام الحسن عليه السلام : ص 209.
- 184- كلمة الامام الحسن عليه السلام : ص 209.
- 185- احقاق الحق: ج 11 ص 234 س 8.
- 186- كلمة الامام الحسن عليه السلام : ص 139، بحارالانوار: ج 75 ص 113 ح 7.
- 187- كلمة الامام الحسن عليه السلام : ص 139، بحارالانوار: ج 75 ص 105 ح 4.
- 188- كلمة الامام الحسن عليه السلام : ص 139.
- 189- كلمة الامام الحسن عليه السلام : ص 36، بحارالانوار: ج 44 ص 138 ح 6.

- 190- کلمة الامام الحسن عليه السلام ص 37، بحارالانوار: ج 44 ص 138 ح 6.
- 191- احقاق الحق: ج 11 ص 20 س 1.
- 192- مطابق با بیستم دی ماه، سال چهارم شمسی.
- 193- برخلاف اعیان الشیعه که اظهار داشته است: امام حسن مجتبی عليه السلام شش ماهه به دنیا آمده و امام حسین عليه السلام طبق روال عادی مدّت حمل را گذرانده است.
- 194- نام حضرت به عنوان حسین، شهید به رمز حروف اءبجد: 128، 319 می باشد.
- 195- مطابق با نهم فروردین ماه، سال چهل و نه شمسی.
- 196- مطابق با بیست و یکم مهرماه، سال پنجاه و نه شمسی.
- 197- بحارالانوار: ج 97 ص 87.
- جهت تدوین و تنظیم خلاصه حالات حضرت کتابهای ذیل مورد استفاده قرار گرفته است:
- اصول کافی ج 1، مستدرک الوسائل، اعیان الشیعه ج 1، مناقب ابن شهر آشوب ج 2، بحارالانوار ج 43 و 44، کشف الغمّه ج 1، عیون معجزات شیخ حسین عبدالوهاب، دلائل الامامة، تاریخ اهل البيت، مجموعه نفیسه، تذکرة الخواص، الفصول المهمّة، ینابیع المودّة، جمال الا سبوع، حلیة الابراج ج 3، جامع المقال طریحی: ص 187...
- 198- تحف العقول: ص 177، بحارالانوار: ج 75 ص 117 ح 5.
- 199- نهج الشهادة: ص 39، بحارالانوار: ج 75 ص 121 ح 4.
- 200- مستدرک الوسائل: ج 9 ص 24 ح 10099 به نقل از مجموعه شهید.
- 201- محبّة البیضاء: ج 4 ص 228، بحارالانوار: ج 75 ص 116 ح 2.
- 202- تحف العقول: ص 179، بحارالانوار: ج 75 ص 119 ح 2.
- 203- بحارالانوار: ج 2 ص 130 ح 15، بحارالانوار: ج 75 ص 127 ح 10.
- 204- نهج الشهادة: ص 47.
- 205- بحارالانوار: ج 75 ص 127 ح 10.
- 206- وسائل الشیعه: ج 11، ص 339، بحارالانوار: ج 46 ص 153 ح 16.
- 207- بحارالانوار: ج 44 ص 192 ضمن ح 4، و ص 381 ضمن ح 2.
- 208- وسائل الشیعه: ج 5، ص 25، کافی: ج 6 ص 445 ح 4.
- 209- اءمالی شیخ صدوق: ص 118، بحارالانوار: ج 44 ص 284 ح 19.
- 210- إحقاق الحق: ج 11، ص 431.
- 211- تنبیه الخواطر: ص 348.

- 212- تنبيه الخواطر: ص 427، بحارالانوار: ج 68 ص 183 ح 44.
- 213- تنبيه الخواطر : ص 429.
- 214- محجة البيضاء : ج 4 ص 228.
- 215- نهج الشهادة : ص 38.
- 216- نهج الشهادة ص 59.
- 217- نهج الشهادة : ص 47.
- 218- نهج الشهادة ص 196.
- 219- بلاغة الحسين عليه السلام : ص 285.
- 220- وسائل الشيعة : ج 16 ص 65 ح 20993، كافي : 439/2 ح 8.
- 221- اصول كافي ج 2 ص 611، بحارالانوار: ج 89 ص 200 ح 17.
- 222- تحف العقول : ص 174، و بحارالانوار: ج 10 ص 137 ح 4.
- 223- بحارالانوار: ج 70 ص 353 ح 54 به نقل از عيون الاخبار الرضا عليه السلام .
- 224- وسائل الشيعة : ح 20 ج 3 ص 243، بحارالانوار: ج 100 ص 292 ح 39.
- 225- مستدرک الوسائل : ج 9 ص 391 ج 1، بحارالانوار: ج 69 ص 354 ح 11.
- 226- مستدرک الوسائل : ج 11 ص 218 ح 15، بحارالانوار: ج 75 ص 257 ح 108.
- 227- مستدرک الوسائل : ج 12 ص 416 ح 13، بحارالانوار: ج 75 ص 121 ح 4.
- 228- ينابيع المودة : ج 2 ص 37 ح 58.
- 229- نهج الشهادة : ص 60.
- 230- نهج الشهادة : ص 346.
- 231- اصول كافي : ج 2 ص 373 ح 3، بحارالانوار: ج 75 ص 120 س 6، وسائل الشيعة : 153/16 ح 3.
- 232- نهج الشهادة : ص 370، مستدرک الوسائل : ج 11 ص 245 ح 12881.
- 233- نهج الشهادة، ص 356، بحارالانوار: ج 75 ص 127 ح 11.
- 234- بحارالانوار : ج 75 ص 54 ح 96.
- 235- نهج الشهادة : ص 293 ح 193، تفسيرالامام العسكري عليه السلام ص 330، بحارالانوار: ج 23 ص 260 ح 8.
- 236- امالي شيخ صدوق : ص 167، نهج الشهادة : ص 260، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 209 ح 13902.

- 237- تفسير الامام العسكري عليه السلام : ص 309 ح 154، بحارالانوار: ج 65 ص 156 ح 11
- 238- ميلاد با سعادت آن حضرت طبق تاريخ شمسي به ترتيب بالا چنين است : 21 آذرماه، سال 35، يا 6 بهمن ماه، سال 37.
- 239- نام و لقب مبارك آن حضرت به عنوان امام عليّ، زين العابدين عليهما السلام به عدد حروف اء بجد كبير چنين مي باشد: 110، 235.
- 240- تاريخ شهادت آن حضرت به تاريخ شمسي به ترتيب بالا چنين مي شود: 29 مهرماه، يا 12 آبان، سال 91، يا سال 92.
- 241- تاريخ ولادت و ديگر حالات حضرت برگرفته شده است از:
- اصول كافي ج 1، تهذيب الاحكام ج 6، كشف الغمّة ج 1، تاريخ اهل البيت، إعلام الوري ج 1، اعيان الشيعة ج 1، مجموعة نفيسة، بحارالانوار: ج 46، مناقب ابن شهر آشوب ج 2، تذكرة الخواصّ، عيون المعجزات، جامع المقال طريحي، مستدرک الوسائل، فصول المهمّة ابن صبّاح، جمال الاسبوع و...
- 242- تحف العقول : ص 204، بحارالانوار: ج 75 ص 141 ح 3.
- 243- تحف العقول : ص 204، بحارالانوار: ج 75 ص 140 ح 3.
- 244- مشكاة الانوار: ص 172، بحارالانوار: ج 66 ص 385 ح 48.
- 245- مشكاة الانوار: ص 246، بحارالانوار: ج 67 ص 64 ح 5.
- 246- تحف العقول : ص 186، بحارالانوار: ج 71 ص 12 ح 2.
- 247- تحف العقول : ص 203، بحارالانوار: ج 75 ص 139 ح 3.
- 248- تحف العقول : ص 210، بحارالانوار: ج 75 ص 136 ح 3.
- 249- تحف العقول : ص 201، بحارالانوار: ج 75 ص 136 ح 3.
- 250- مشكاة الانوار: ص 232 س 20.
- 251- مشكاة الانوار: 166 س 3.
- 252- مشكاة الانوار: ص 157 س 20.
- 253- مشكاة الانوار: ص 207 س 18.
- 254- مشكاة الانوار: ص 229 س 10.
- 255- اعيان الشيعة : ج 1 ص 645.
- 256- مستدرک الوسائل : ج 7 ص 252 ح 8.
- 257- مستدرک الوسائل : ج 17 ص 262 ح 25.

- 258- تنبيه الخواطر: ص 343.
- 259- وسائل الشيعة: ج 17 ص 647 ح 1، ومشكاة الانوار: ص 262.
- 260- مستدرک الوسائل: ج 4 ص 238 ح 3.
- 261- من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 146 ح 95.
- 262- همان مدرک: ج 2 ص 147 ح 97.
- 263- مستدرک الوسائل: ج 2 ص 413 ح 16.
- 264- مستدرک الوسائل: ج 2 ص 424 ح 21.
- 265- بحار الانوار: ج 75 ص 261 ح 64.
- 266- بحار الانوار: ج 1 ص 141 ضمن ح 30، و ج 75 ص 304.
- 267- کافی: ج 2 ص 99.
- 268- کافی: ج 2 ص 115، ووسائل الشيعة ج 12 ص 189 ح 1.
- 269- بحار الانوار: ج 73 ص 92.
- 270- کافی: ج 1 ص 35.
- 271- کافی: ج 1 ص 102.
- 272- تحف العقول: ص 204.
- 273- تحف العقول: ص 202.
- 274- تحف العقول: ص 204.
- 275- تحف العقول: ص 202.
- 276- بحار الانوار: ج 6 ص 159 ح 19، بنقل از خصال شيخ صدوق.
- 277- خصال: ج 2 ص 542.
- 278- بحار الانوار: ج 73 ص 127.
- 279- کافی: ج 2 ص 320.
- 280- بحار الانوار: ج 1 ص 94 ح 96، به نقل از تفسير امام حسن عسکری عليه السلام.
- 281- تحف العقول: ص 202.
- 282- تاريخ ولادت آن حضرت بر حسب شمسی 55/9/27 و یا 56/2/22 می باشد.
- 283- نام حضرت به عنوان امام «محمد باقر» عليه السلام طبق عدد حروف اءبجد 92، 303 می

شود.

284- دو نفر از ائمه عليهم السلام دارای کنیه ابو جعفر هستند: امام پنجم به عنوان ابو جعفر اءول و امام نهم به عنوان ابو جعفر ثانی، در روایات هر کجا ابو جعفر بدون قرینه و قیدی آمده باشد گفته اند: منظور امام پنجم است.

285- تاریخ شهادت بر حسب سال شمسی 111/2/12 و یا 111/11/15 می باشد.

286- ولادت و دیگر حالات حضرت برگرفته شده است از اصول کافی ج 1، تهذیب الاحکام ج 6، مناقب ابن شهر آشوب ج 3، دعوات راوندی، إعلام الوری ج 1، ینابیع المودة، أعیان الشیعه ج 1، کشف الغمة ج 1، مستدرک الوسائل ج 6، بحارالانوار ج 45 و 88، مجموعه نفیسه، تاریخ اهل البیت، تذکرة الخواص، دلائل الامامة، ارشاد مفید، جمال الاسبوع و...

287- اصول کافی : ج 1 ص 102 ح 4.

288- اصول کافی : ج 1، ص 7، ح 7.

289- اثبات الهداة : ج 3، ص 467 و بحارالانوار: ج 52 ص 125 ح 13 با تفاوت.

290- اصول کافی : ج 1، ص 179، ح 12.

291- بحارالانوار: ج 1، ص 137، ح 31.

292- محاسن برقی : ج 1، ص 228، بحارالانوار: ج 1 ص 214 ح 16.

293- اصول کافی : ج 1 ص 42 ح 3، مستدرک الوسائل : ج 17 ص 244.

294- وسائل الشیعه : ج 4، ص 27، ح 4424.

295- وسائل الشیعه : ج 4، ص 23، ح 4413.

296- وسائل الشیعه : ج 1، ص 18، ح 10.

297- اءمالی شیخ طوسی : ج 1، ص 175.

298- مستدرک الوسائل : ج 6، ص 64، ح 15.

299- وسائل الشیعه : ج 17، ص 21، ح 21876.

300- وسائل الشیعه : ج 21، ص 490، ح 27669.

301- مستدرک الوسائل : ج 3، ص 385.

302- تنبیه الخواطر: ص 523.

303- تنبیه الخواطر: ص 427.

304- عدّة الداعی : ص 99، س 15.

305- مستدرک الوسائل : ج 12، ص 402، ح 6.

306- الجواهر السنیة : ص 28.

- 307- محاسن برقى : ص 393، ح 4.
- 308- بحارالانوار: ج 7، ص 303، ح 61.
- 309- وسائل الشيعة : ج 5، ص 322 ح 6675.
- 310- تنبيه الخواطر: ص 528، وسائل الشيعة : ج 12 ص 306 ح 16370.
- 311- وسائل الشيعة : ج 4، ص 19، ح 4401.
- 312- وسائل الشيعة : ج 3، ص 3، ح 153 ح 3265.
- 313- بحارالانوار: ج 68 ص 336، ح 22.
- 314- تنبيه الخواطر: ص 468 س 5.
- 315- بحارالانوار: ج 63 ص 394 ح 2.
- 316- خصال صدوق : ج 1، ص 13، بحارالانوار: ج 73 ص 20 ح 2.
- 317- وسائل الشيعة : ج 16، ص 20 ح 20853.
- 318- تحف العقول : ص 221.
- 319- تحف العقول : ص 213.
- 320- تحف العقول : ص 218.
- 321- وسائل الشيعة : ج 8 ص 286 ح 10679.
- 322- وسائل الشيعة : ج 15، ص 222، ح 20330.
- 323- وسائل الشيعة : ج 15، ص 247 ح 20407.
- 324- وسائل الشيعة : ج 16، ص 113 ح 21119.
- 325- وسائل الشيعة : ج 16، ص 173 ح 21271.
- 326- تحف العقول : ص 215، بحارالانوار: ج 75 ص 175 ح 5.
- 327- تاريخ ولادت آن حضرت طبق شمسي 78/3/4 يا 81/5/12 خواهد بود.
- 328- نام مبارك آن حضرت به عنوان امام (جعفر، صادق) عليه السلام طبق عدد حروف أ بجد 195. 353 مي باشد.
- 329- تاريخ شهادت آن حضرت طبق سال شمسي 144/9/26 مي باشد.
- 330- تاريخ ولادت و ديگر حالات حضرت برگرفته شده است از:
- اصول كافي ج 1، تهذيب الاحكام ج 6، تذكرة الخواص، اعيان الشيعة ج 1، مستدرک الوسائل
- 6، كشف الغمه ج 2، مجموعه نفيسه، تاريخ اهل البيت، ينابيع الموده، اعلام الورى طبرسى ج 1،

جمال الاسبوع، دعوات راوندى، بحارالا نوار ج 47 و 88، عيون المعجزات، دلائل الامامة طبرى،
ارشاد مفيد و...

- 331- جامع الاحاديث الشيعة : ج 1 ص 127 ح 102.
332- امالى الصدوق : ص 252 ح 13.
333- امالى الصدوق : ص 197 س 3.
334- وسائل الشيعة : ج 4 ص 34 ح 4442.
335- وسائل الشيعة : ج 8 ص 13 ح 10007 به از كافى و تهذيب.
336- اختصاص شيخ مفيد: ص 240.
337- مستدرک الوسائل : ج 9 ص 16 ح 4.
338- وسائل الشيعة : ج 11 ص 412 ح 15133.
339- امالى طوسى : ج 2 ص 279.
340- وسائل الشيعة : ج 1 ص 380 ح 1005.
341- امالى طوسى : ج 2 ص 343.
342- وسائل الشيعة : ج 1 ص 474 ح 1258.
343- من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 51 ح 13.
344- وسائل الشيعة : ج 10 ص 157 ح 13102.
345- وسائل الشيعة : ج 6 ص 204 ح 7734.
346- وسائل الشيعة : ج 6 ص 225 ح 7792.
347- وسائل الشيعة : ج 25 ص 147 ح 31472.
348- وسائل الشيعة : ج 25 ص 208 ح 31699.
349- جامع احاديث الشيعة : ج 5 ص 358 ح 12.
350- جامع احاديث الشيعة : ج 6 ص 178 ح 78.
351- وسائل الشيعة : ج 2 ص 124 ح 1684.
352- امالى طوسى : ج 2 ص 278 وسائل الشيعة : ج 16 ص 36 ح 10.
353- بحارالا نوار: ج 79 ص 116 ح 7 و ح 8، و ص 123 ح 16.
354- مصادقة الاخوان : ص 82 ح 8.
355- امالى شيخ طوسى : ج 1 ص 125.
356- مستدرک الوسائل : ج 7 ص 163 ح 1.

- 357- مستدرک الوسائل : ج 6 ص 431 ح 8357.
- 358- مستدرک الوسائل : ج 16 ص 288 ح 1.
- 359- اعیان الشیعة : ج 1 ص 672.
- 360- وسائل الشیعة : ج 4 ص 112 ح 4650.
- 361- وسائل الشیعة : ج 15 ص 162 ح 20215.
- 362- وسائل الشیعة : ج 16 ص 93 ح 21070.
- 363- وسائل الشیعة : ج 16 ص 76 ح 21023.
- 364- مستدرک الوسائل : ج 6 ص 66 ح 22.
- 365- اصول کافی : ج 2 ص 272.
- 366- اءمالی صدوق : ص 321 ح 2.
- 367- وسائل الشیعة : ج 7 ص 363 ح 9587، و ص 356 ح 9564.
- 368- دعوات راوندی ص 123 ح 302.
- 369- خصال : ص 639 ح 14.
- 370- الامام الصادق عليه السلام : ص 143، بحارالانوار: ج 1 ص 224 ح 13.
- 371- مطابق با بیستم آبان 124 شمسی.
- 372- نام مبارک حضرت با عنوان امام «موسی کاظم» عليه السلام طبق حروف ابجد کبیر 116، 961 می شود.
- 373- مطابق با 13 شهریور 178 شمسی.
- 374- تاریخ ولادت و دیگر حالات حضرت برگرفته شده است از:
اصول کافی ج 1، تهذیب الاحکام ج 6، تاریخ اهل البيت عليهم السلام، مجموعه نفیسه، مستدرک الوسائل، تذکرة الخواص، اعیان الشیعة ج 2، ینابیع المودة، الفصول المهمة، کشف الغمة ج 2، عیون المعجزات، إعلام الوری، بحارالانوار: ج 47، دلائل الامامة، جمال الاسبوع، دعوات راوندی و...
- 375- اءعیان الشیعة : ج 2 ص 9، نزهة الناظر: ص 121 ح 1، بحارالانوار: ج 77 ص 328 ح 5.
- 376- نزهة الناظر و تنبيه خاطر: ص 122 ح 2.
- 377- تحف العقول : ص 213.
- 378- بحارالانوار: ج 73 ص 91.
- 379- تحف العقول : ص 291.

- 380- نزهة الناظر و تنبيه خاطر: ص 123 ح 6.
- 381- نزهة الناظر و تنبيه خاطر: ص 123 ح 13.
- 382- نزهة الناظر و تنبيه خاطر: ص 124 ح 15.
- 383- بحارالانوار: ج 98 ص 136 ح 76، مصباح المتهدّد شيخ طوسي : ص 735 ب 3.
- 384- وسائل الشيعة : ج 2 ص 52 ح 1454.
- 385- وسائل الشيعة : ج 12 ص 118 ح 15812.
- 386- وسائل الشيعة : ج 25 ص 78 ح 21240.
- 387- تحف العقول : ص 388 س 17، بحارالانوار: ج 75 ص 303 ضمن ح 25.
- 388- اصول كافي : ج 1 ص 38.
- 389- تحف العقول : ص 301.
- 390- بحارالانوار: ج 75 ص 327 س 2 ضمن ح 4.
- 391- تحف العقول : ص 297.
- 392- تحف العقول : ص 304، بحارالانوار: ج 75 ص 325 ح 2.
- 393- تحف العقول : ص 302.
- 394- تحف العقول : ص 303.
- 395- تحف العقول : ص 209.
- 396- وسائل الشيعة : ج 4 ص 73 ح 4547.
- 397- تحف العقول : ص 292.
- 398- تحف العقول : ص 292.
- 399- تحف العقول : ص 302.
- 400- اصول كافي : ج 1 ص 72 ح 10.
- 401- وسائل الشيعة : ج 17 ص 58 ح 21972.
- 402- وسائل الشيعة : ج 15 ص 273 ح 20497.
- 403- وسائل الشيعة : ج 21 ص 540 ح 27805.
- 404- وسائل الشيعة : ج 16 ص 95 ح 21074.
- 405- تحف العقول : ص 285، بحارالانوار: ج 1 ص 136 ضمن ح 30.
- 406- اصول كافي : ج 2 ص 494 ح 15.
- 407- تحف العقول : ص 286.

- 408- وسائل الشيعة : ج 2 ص 65 ح 1499.
- 409- وسائل الشيعة : ج 5 ص 340 ح 3، محاسن برقی ص 622 ح 69.
- 410- اصول کافی ج 1 ص 179 ح 9.
- 411- خصال : ج 1 ص 9 ح 30.
- 412- مستدرک الوسائل : ج 17 ص 278 ح 35.
- 413- وسائل الشيعة : ج 15 ص 350 ح 1، مستدرک ج 11 ص 381 ح 1.
- 414- وافى : ج 4 ص 145 ح 1، بحارالانوار: ج 67 ص 136 ح 2.
- 415- سال ولادت آن حضرت بین محدثین اختلاف است که از 148 تا 153 گفته اند. و برحسب 11 / ذی القعدة / 148 قمری، طبق سال شمسی 11 / آذرماه / 144 می باشد.
- 416- نام و لقب مبارک حضرت به عنوان امام «علی، رضا» علیه السلام، طبق حروف اءبجد کبیر، عدد 110، 1001 می باشد.
- 417- تاریخ شهادت حضرت طبق سال شمسی : 19 / شهریور / 197، یا 17 / مرداد / 200 خواهد بود.
- 418- تاریخ ولادت و دیگر حالات حضرت برگرفته شده است از:
بحارالانوار ج 49، اعیان الشیعه ج 2، ناسخ التواریخ، اصول کافی ج 1، کشف الغمّة ج 2، فصول المهمّة، إعلام الوری طبرسی ج 2، مجموعه نفیسه، تاریخ اهل بیت، ینابیع المودّة، تهذیب الاحکام ج 6، جمال الاسبوع سیّد بن طاووس، دعوات راوندی، دلائل الامامه، عیون المعجزات، دروس شهید ص 152 154 و...
- 419- مستدرک الوسائل : ج 10 ص 250 ح 38.
- 420- مستدرک الوسائل : ج 10 ص 359 ح 2.
- 421- مستدرک الوسائل : ج 3 ص 25 ح 4.
- 422- تهذیب الاحکام : ج 2 ص 242 ح 957.
- 423- وسائل الشيعة : ج 4 ص 43 ح 4469.
- 424- وسائل الشيعة : ج 21 ص 460 ح 27580.
- 425- وسائل الشيعة : ج 1 ص 467 ح 1238.
- 426- بحارالانوار: ج 2 ص 30 ح 13.
- 427- الدرّة الباهرة : ص 38 س 3، بحارالانوار: ج 75 ص 354 س 10.
- 428- جامع الاخبار: ص 59، بحارالانوار: ج 91 ص 47 ح 2.

- 429- امالى صدوق : ص 68، بحارالانوار: ج 91 ص 47 ضمن ح 2.
- 430- علل الشرايع : ص 198 ح 21.
- 431- بصائرالدرجات : ص 308 ح 5 ج 2 ص 70.
- 432- وسائل الشيعة : ج 21 ص 540 ح 27807.
- 433- بحار: 78 ص 183 ح 35 ثواب الاعمال : ص 175.
- 434- محاسن برقى : ص 422 ح 208.
- 435- امالى طوسى : ج 1 ص 82، بحارالانوار: ج 71 ص 276 ح 4.
- 436- وسائل الشيعة : ج 21 ص 561 ح 27873.
- 437- مستدرک الوسائل : ج 2 ص 155 ح 30.
- 438- مصادقة الاخوان : ص 52 ح 1.
- 439- وسائل الشيعة : ج 25 ص 183 ح 31693.
- 440- مستدرک الوسائل : ج 15 ص 358 ح 8.
- 441- جامع الاحاديث : ج 1 ص 171 ح 234، بحارالانوار: ج 65 ص 167 ح 24.
- 442- وسائل الشيعة : ج 14 ص 502 ح 19693.
- 443- وسائل الشيعة : ج 16 ص 63 ح 20990.
- 444- امالى شيخ صدوق : ص 233 ح 17.
- 445- بحارالانوار: ج 4 ص 97 ح 3.
- 446- مستدرک الوسائل : ج 6 ص 49 ح 6.
- 447- امالى طوسى : ج 82، مستدرک : ج 6 ص 188 ح 1.
- 448- وسائل الشيعة : ج 6 ص 497 ح 8533.
- 449- وسائل الشيعة : ج 16 ص 372 ح 6، اصول كافى : ج 2 ص 160 ح 4.
- 450- اعلام الورى : ج 2 ص 70، بصائرالدرجات : ج 8 ص 308 ح 5.
- 451- بحارالانوار: ج 75 ص 334 ح 1، مستدرک الوسائل : ج 9 ص 37.
- 452- مستدرک الوسائل : ج 9 ص 16 ح
- 453- وسائل الشيعة : ج 20 ص 80 ح 22040.
- 454- من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 115 ح 541، وسائل الشيعة : ج 3 ص 227 ح 3479.
- 455- وسائل الشيعة : ج 20 ص 283 ح 25636.
- 456- عيون اخبارالرضا عليه السلام : ج 1 ص 292 ح 44.

- 457- الكافي : ج 5 ص 260 ح 5.
- 458- عيون اخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 299.
- 459- مطابق با 22 فروردین، سال 190 شمسی.
- 460- نام مبارک حضرت با عنوان امام «محمد جواد» عليه السلام به عدد حروف ابجد کبیر 88، 18 می باشد.
- 461- مطابق با 13 آذر، سال 212 شمسی.
- 462- تاریخ ولادت و دیگر حالات حضرت گرفته شده است از:
- اصول کافی ج 1، تهذیب الاحکام ج 6، مستدرک الوسائل ج 6، بحار الانوار ج 48، اعیان الشیعه ج 2، ناسخ التواریخ ج 12، اعلام الوری طبرسی ج 2، عیون المعجزات، ینابیع الموده، کشف الغمه ج 2، تاریخ اهل البیت عليهم السلام، مجموعه نفیسه، هداية الكبرى، دروس شهید ص 152 - 154، جمال الاسبوع، ...
- 463- مستدرک الوسائل : ج 8 ص 329 ح 1.
- 464- امالی شیخ مفید: ص 328 ح 13.
- 465- مستدرک الوسائل : ج 8، ص 351، ح 4.
- 466- عیون اخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 256 ح 6.
- 467- بحار الانوار: ج 68 ص 155 ح 69.
- 468- بحار الانوار: ص 34 ح 13.
- 469- بحار الانوار: ج 71 ص 181.
- 470- تنبیہ الخواطر: ص 428، بحار الانوار: ج 67 ص 245 ح 19.
- 471- وسائل الشیعة : ج 16 ص 242 ح 21466.
- 472- مستدرک الوسائل : ج 7 ص 230 ح 5.
- 473- مستدرک الوسائل : ج 17 ص 308 ح 5.
- 474- بحار الانوار: ج 75 ص 380 ح 42.
- 475- تهذیب الاحکام : ج 7 ص 396 ح 9.
- 476- کشف الغمة : ج 2 ص 349، بحار الانوار: ج 75 ص 81 ح 75.
- 477- کشف الغمة : ج 2 ص 349، بحار الانوار: ج 75 ص 82 ح 79.
- 478- بحار الانوار: ج 68 ص 340 ح 13.
- 479- الامام الجواد عليه السلام : ص 387.

- 480- خصال : ج 2 ص 650 ح 46.
- 481- اختیار معرفة الرجال : ص 564 ح 1066.
- 482- بحارالانوار: ج 68 ص 53 ح 69.
- 483- كشف الغمّة : ج 2 ص 350 س 11.
- 484- بحارالانوار: ج 75 ص 80 ح 63.
- 485- حلیة الاءبرار: ج 4 ص 599 س 11.
- 486- كشف الغمّة : ج 2 ص 347، بحارالانوار: ج 75 ص 80، ضمن ح 65.
- 487- بحارالانوار: ج 75 ص 358.
- 488- کافی : ج 3 ص 321 ح 7.
- 489- نورالانوار: ص 331 س 12، بحارالانوار: ج 75 ص 80 س 12.
- 490- خصال صدوق : ص 42 ح 32.
- 491- کافی : ج 3 ص 218 ح 3.
- 492- احقاق الحق: ج 12 ص 439 س 11.
- 493- كشف الغمّة : ج 2 ص 349، بحارالانوار: ج 75 ص 82 ح 78.
- 494- ارشادالقلوب دیلمی : ص 160 س 19.
- 495- كشف الغمّة : ج 2 ص 349 س 13.
- 496- بحارالانوار: ج 75 ص 81 ح 74.
- 497- كشف الغمّة : ج 2 ص 349 س 3.
- 498- بحارالانوار: ج 75 ص 466.
- 499- کامل الزیارات : ص 536 ح 827، بحارالانوار: ج 99 ص 265.
- 500- بحارالانوار: ج 71 ص 367.
- 501- بحارالانوار: ج 73 ص 351.
- 502- نزهة الناظر و تنبيه خاطر: ص 134 ح 2، بحارالانوار: ج 75 ص 364، ضمن ح 4.
- 503- مطابق با نهم مهر ماه، سال 206 هجری شمسی می باشد.
- 504- بین تاریخ نویسان و راویان حدیث اختلاف است که ولادت حضرت در چه تاریخی واقع شده، بین 15 و یا 27 ذی الحجّه، یا آنکه دوّم، یا 13 رجب سال 212.
- 505- نام و لقب آن حضرت به عنوان امام «علیّ، هادی» عَلَیْهِ السَّلَام طبق عدد حروف أ بجد کبیر 110، 20 می شود.

- 506- مطابق با یازدهم تیرماه، سال 247 هجری شمسی می باشد.
- 507- تاریخ ولادت و دیگر حالات برگرفته شده از: اصول کافی ج 1، تهذیب الاحکام ج 6، تاریخ اهل البيت ع، مجموعه نفیسه، اعیان الشیعه ج 2، اعلام الوری طبرسی ج 2، کشف الغمّه ج 2، بحارالانوار 48، جمال الاسبوع، دروس شهید: ص 152 154، دعوات راوندی...
- 508- بحارالانوار: ج 68 ص 182 ح 41، اعیان الشیعه : ج 2 ص 39.
- 509- غده الداعی مرحوم راوندی : ص 208.
- 510- بحارالانوار: ج 84 ص 172 به نقل از اعلام الدین دیلمی.
- 511- بحار الانوار: ج 75 ص 369 ح 4، اعلام الدین : ص 312 س 14.
- 512- بحارالانوار: ج 69 ص 199 ح 27.
- 513- امالی شیخ مفید: ص 329، ح 13.
- 514- اعیان الشیعة : ج 2 ص 39، تحف العقول : ص 438.
- 515- اعیان الشیعة : ج 2 ص 39، بحارالانوار: ج 17.
- 516- مستدرک الوسائل : ج 12 ص 308 ح 2.
- 517- عیون اخبار الرضا علیه السلام : ج 2 ص 260 ح 22.
- 518- امالی طوسی : ج 2 ص 580 ح 8.
- 519- مستدرک الوسائل : ج 12 ص 11 ح 18.
- 520- بحارالانوار: ج 2 ص 6 ضمن ح 13.
- 521- وسائل الشیعة : ج 25، ص 210، ح 2.
- 522- بحارالانوار: ج 73، ص 115 ح 16.
- 523- اعلام الدین : ص 311 س 16، بحارالانوار: ج 75 ص 369 ح 4.
- 524- کافی : ج 5، ص 125، ح 7.
- 525- نزهة الناظر: ص 141 ح 23، اعلام الدین : ص 311 س 20.
- 526- بحارالانوار: ج 69 ص 316 ح 24.
- 527- اعلام الدین : ص 311 س 4، بحارالانوار: ج 75 ص 369.
- 528- تحف العقول : ص 357، بحارالانوار: ج 98 ص 130 ضمن ح 34.
- 529- تحف العقول : ص 358.
- 530- تحف العقول : ص 383، بحارالانوار: ج 75 ص 365.
- 531- محجة البيضاء: ج 5، ص 225.

- 532- بحارالانوار: ج 57، ص 81.
- 533- بحارالانوار: ج 57، ص 83.
- 534- بحارالانوار: ج 50، ص 264.
- 535- بحارالانوار: ج 71، ص 182.
- 536- بحارالانوار: ج 71 ص 324، مستدرک الوسائل : ج 11 ص 184 ح 4.
- 537- بحارالانوار: ج 75، ص 65 ح 4.
- 538- بحارالانوار: ج 75، ص 173 ح 2.
- 539- نزهة الناظر و تنبيه خاطر: ص 141 ح 21.
- 540- بحارالانوار: ج 78 ص 368، ضمن ح 3، نزهة الناظر: ص 139 ح 12.
- 541- الدرّة الباهرة : ص، نزهة الناظر: ص 138 ح 7.
- 542- بحارالانوار: ج 50 ص 239 ح 4 به نقل از إكمال الدين صدوق.
- 543- بحارالانوار: ج 73 ص 197 ح 17 به نقل از درّة الباهرة.
- 544- بحارالانوار: ج 50 ص 215 ح 1 س 18، به نقل از امالی طوسی.
- 545- وسائل الشيعة : ج 16، ص 221 ح 21382.
- 546- نزهة الناظر و تنبيه خاطر: ص 138 ح 5.
- 547- تحف العقول : ص 358، بحارالانوار: ج 75 ص 365، ضمن ح 1.
- 548- مطابق با پانزدهم آذر ماه، سال 225 هجری شمسی می باشد.
- 549- نام و لقب آن حضرت به عنوان امام «حسن، عسکری» عليه السلام طبق عدد حروف أ بجد کبیر 118، 360 می شود.
- 550- مطابق با پانزدهم دیماه، سال 252 هجری شمسی می باشد.
- 551- تاریخ ولادت و دیگر حالات حضرت برگرفته شده است از: اصول کافی : ج 1، تهذیب الاحکام : ج 6، تذکرة الخواص، أعيان الشيعة : ج 2، مستدرک الوسائل : ج 6، كشف الغمّة : ج 2، مجموعه نفیسه، تاریخ أهل البيت، ینابیع المودّة : إعلام الوری طبرسی : ج 2، جمال الاسبوع، دعوات راوندی، دلائل الامامه طبری، ارشاد مفید، دروس شهید: ص 152 154 و...
- 552- اصول کافی : ج 1 ص 519 ح 11.
- 553- حدیقة الشيعة : ج 2 ص 194، وافی : ج 4 ص 177 ح 42.
- 554- مستدرک الوسائل : ج 11 ص 184 ح 3.
- 555- تحف العقول : ص 489 س 13، بحارالانوار: ج 75 ص 374 ح 26.

- 556- مستدرک الوسائل : ج 12 ص 261 ح 1.
- 557- مستدرک الوسائل : ج 12 ص 261 س 15، بحارالانوار: ج 75 ص 401، ضمن ح 42.
- 558- مستدرک الوسائل : ج 8 ص 351 ح 5، بحارالانوار: ج 71 ص 198 ح 34.
- 559- تحف العقول : ص 361.
- 560- بحارالانوار: ج 1 ص 95 ح 27.
- 561- تحف العقول : ص 489 س 20، بحارالانوار: ج 75 ص 374 ح 33.
- 562- بحارالانوار: ج 68 ص 336 س 21 ضمن ح 22.
- 563- تحف العقول : ص 498 س 22، بحارالانوار: ج 75 ص 374 ح 35.
- 564- بحارالانوار: ج 71 ص 188 ح 15.
- 565- تحف العقول : ص 489 س 17، بحارالانوار: ج 75 ص 374 ح 24.
- 566- بحارالانوار: ج 75 ص 372 ح 11.
- 567- اعيان الشيعة : ج 2 ص 41 س 30، بحارالانوار: ج 75 ص 372 ح 12.
- 568- احتجاج طبرسي : ج 2 ص 517 ح 340، بحارالانوار: ج 41 ص 55 ح 5.
- 569- طب الائمه سيّد شبر: ص 331 س 8.
- 570- بحارالانوار: ج 75 ص 372 س 21، ضمن ح 12.
- 571- اعيان الشيعة : ج 2 ص 42 س 2، بحارالانوار: ج 75 ص 373 ح 19.
- 572- اعيان الشيعة : ج 2 ص 42 س 29، بحارالانوار: ج 75 ص 380 س 1.
- 573- اعلام الدين : ص 313 س 3، بحارالانوار: ج 75 ص 379 س 18.
- 574- تحف العقول : ص 489 س 9، بحارالانوار: ج 75 ص 374 ح 22.
- 575- تحف العقول : ص 489 س 7، بحارالانوار: ج 75 ص 374 ح 20.
- 576- تحف العقول : ص 489 س 8، بحارالانوار: ج 75 ص 374 ح 21.
- 577- تحف العقول : ص 489 س 14، بحارالانوار: ج 75 ص 374 ح 27.
- 578- كافي : ج 3 ص 287 ح 6.
- 579- اعيان الشيعة : ج 2 ص 42 س 1، بحارالانوار: ج 75 ص 373 ح 18.
- 580- اعلام الدين ديلمى : ص 313 س 3، بحارالانوار: ج 75 ص 378 س 16.
- 581- غيبة شيخ طوسي : ص 207 ح 176، بحارالانوار: ج 50 ص 250 ح 4.
- 582- بحارالانوار: ج 75 ص 373 ح 14.

- 583- بحارالانوار: ج 75 ص 372 ح 9.
- 584- بحارالانوار: ج 72 ص 466 ح 12.
- 585- اعيان الشيعة: ج 2 ص 41 س 23، بحارالانوار: ج 75 ص 370 ح 1.
- 586- تفسير الامام العسكري عليه السلام: ص 333 ح 210.
- 587- بحارالانوار: ج 75 ص 374 ح 28.
- 588- اعلام الدين: ص 314 س 7، بحارالانوار: ج 75 ص 379 س 22.
- 589- احتجاج طبرسي: ج 2 ص 517 ح 340.
- 590- بحارالانوار: ج 75 ص 372 س 18.
- 591- تفسير الامام العسكري عليه السلام: ص 345 ح 226.
- 592- مطابق با بيست و دوّم مرداد ماه، سال 247 هجری شمسی می باشد.
- 593- نام و لقب آن حضرت به عنوان امام «محمد، مهدی» عليه السلام طبق عدد حروف اءبجد كبير - 92، 95 می باشد.
- 594- طبق احاديث وارده: گفتن نام صريح امام زمان در زمان غيبت حرام و غيرمجاز است.
- 595- ولادت و ديگر حالات حضرت برگرفته شده است از: اصول كافي ج 1، تهذيب الاحكام ج 6، تاريخ اهل البيت، مجموعه نفيسه، اعيان الشيعة ج 2، كشف الغمّه ج 2، ينابيع المودّة، بحارالانوار، جمال الاسبوع، دعوات راوندي، اعلام الوري طبرسي ج 2، دلائل الامامة، دروس شهيد: ص 152 154، و...
- 596- تفسير عياشي: ج 1 ص 16، بحارالانوار: ج 89 ص 96 ح 58.
- 597- دعوات راوندي: ص 207 ح 563.
- 598- بحارالانوار: ج 2 ص 90 ح 13، و ج 52 ص 181 ح 10، و ج 75 ص 380 ح 1.
- 599- بحارالانوار: ج 53 ص 178.
- 600- بحارالانوار: ج 53 ص 163.
- 601- بحارالانوار: ج 53 ص 179.
- 602- بحارالانوار: ج 53 ص 191.
- 603- بحارالانوار: ج 53 ص 196.
- 604- بحارالانوار: ج 56 ص 181.
- 605- بحارالانوار: ج 55 ص 41.
- 606- بحارالانوار: ج 53 ص 191، اكمل الدين: ج 2 ص 510.

- 607- بحارالانوار: ج 53 ص 180، إكمال الدين : ج 2 ص 484.
- 608- بحارالانوار: ج 53 ص 175، احتجاج : ج 2 ص 497.
- 609- مستدرک الوسائل : ج 2 ص 517 ح 5.
- 610- مستدرک الوسائل : ج 10 ص 247 ح 4.
- 611- وسائل الشيعة : ج 28 ص 351 ح 39، غيبة الطوسي : ص 177.
- 612- بحارالانوار: ج 53 ص 165.
- 613- وسائل الشيعة : ج 10 ص 55.
- 614- وسائل الشيعة : ج 12 ص 89 ح 1.
- 615- وسائل الشيعة : ج 16 ص 242 ح 12.
- 616- وسائل الشيعة : ج 16 ص 242 ح 12.
- 617- وسائل الشيعة : ج 21 ص 442 ح 1.
- 618- وسائل الشيعة : ج 6 ص 490 ح 3، بحارالانوار: ج 53 ص 161.
- 619- الدرّة الباهرة : ص 48 س 3.
- 620- بحارالانوار ج 52 ص 52.
- 621- بحارالانوار: ج 53 ص 191، إكمال الدين ج 2 ص 511.
- 622- بحارالانوار: ج 53 ص 182.
- 623- بحارالانوار: ج 53 ص 183.
- 624- بحارالانوار: ج 53 ص 161.
- 625- بحارالانوار: ج 56 ص 168.
- 626- بحارالانوار: ج 55 ص 16.
- 627- بحارالانوار: ج 55 ص 37.
- 628- بحارالانوار: ج 50 ص 227.
- 629- بحارالانوار: ج 53 ص 191.
- 630- بحارالانوار: ج 53 ص 196.
- 631- بحارالانوار: ج 53 ص 181.
- 632- بحارالانوار: ج 53 ص 179.
- 633- بحارالانوار: ج 53 ص 181.
- 634- بحارالانوار: ج 53 ص 182.

635- إكمال الدين شيخ صدوق : ص 443 ح 17.

636- كافي : ج 4 ص 162 ح 4، فلاح السائل سيّد بن طاووس : ص 46.

فهرست مطالب

2	مقدمه
8	خلاصه حالات اولین معصوم آخرین پیامبر، اشرف مخلوقات
13	چهل حدیث گهربار، از آخرین پیامبر، اشرف مخلوقات
23	خلاصه حالات دومین معصوم امیرمؤمنان علی <small>علیه السلام</small>
28	چهل حدیث گهربار، از امیرمؤمنان علی <small>علیه السلام</small>
38	خلاصه حالات سومین معصوم حضرت فاطمه زهراء <small>علیها السلام</small>
42	چهل حدیث گهربار از حضرت فاطمه زهراء <small>علیها السلام</small>
52	خلاصه حالات چهارمین معصوم دومین امام حضرت امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>
55	چهل حدیث گهربار، از حضرت امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>
64	خلاصه حالات پنجمین معصوم سومین امام ابا عبدالله الحسین <small>علیه السلام</small>
67	چهل حدیث گهربار، از سالار شهیدان اباعبدالله الحسین <small>علیه السلام</small>
78	خلاصه حالات ششمین معصوم چهارمین امام زین العابدین علی بن الحسین <small>علیه السلام</small>
81	چهل حدیث گهربار، از امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>
92	خلاصه حالات هفتمین معصوم پنجمین امام حضرت امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
94	چهل حدیث گهربار، از حضرت امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
104	خلاصه حالات هشتمین معصوم ششمین امام حضرت امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
107	چهل حدیث گهربار، از امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
117	خلاصه حالات نهمین معصوم هفتمین امام حضرت امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
120	چهل حدیث گهربار، از امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>

خلاصه حالات دهمین معصوم هشتمین امام حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام.....	128
چهل حدیث گهربار، از علی بن موسی الرضا علیه السلام.....	131
خلاصه حالات یازدهمین معصوم نهمین امام حضرت امام جواد الائمه علیه السلام....	140
چهل حدیث گهربار، از حضرت امام جواد علیه السلام.....	143
خلاصه حالات دوازدهمین معصوم دهمین امام حضرت امام هادی علیه السلام.....	152
چهل حدیث گهربار، از حضرت امام هادی علیه السلام.....	155
خلاصه حالات سیزدهمین معصوم یازدهمین امام حضرت امام حسن عسکری علیه السلام.....	164
چهل حدیث گهربار، از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام.....	167
خلاصه حالات چهاردهمین معصوم دوازدهمین امام حجة بن الحسن العسکری علیه السلام.....	177
چهل حدیث گهربار، از امام زمان، حضرت مهدی، علیه السلام.....	180
بی نوشت ها :.....	189
فهرست مطالب.....	216